



## دانشکده حقوق

# دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی

تقریرات درس:

# تاریخ حقوق کیفری

استاد:

علی حسین نجفی ابرندآبادی

تئیه و تبلیغ:

ایرج خلیل زاده - سید پوریا موسوی

دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی

این جزو، توسط سرکار خانم دکتر سودابه رضوانی و آقای غلامرضا قلیپور دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی  
دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تحت نظرارت و بازبینی استاده در اسفند ۱۳۹۵ ویرایش نهایی شده است.

نیمسال اول سال تحصیلی

۱۳۹۴ - ۹۵

# به نام خدا

## فهرست مطالب

۵	موضوع‌های مقدماتی
۱۴	فصل اول: ویژگی‌های حقوق کیفری مدرن
۱۴	۱.۱. تخصصی شدن حقوق
۱۴	۲.۱. اصول مندشدن حقوق
۱۶	۳.۱. تفکیک حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی
۱۶	۴.۱. تعریف جرم
۱۷	۵.۱. تفکیک جرایم براساس ماهیّت
۱۷	۶.۱. برابری در برابر مجازاتها
۲۰	فصل دوم: اهمیت مطالعات تاریخ حقوق کیفری

۲۱	۱.۲. جرایم
۲۳	۲.۲. خصمانت اجراهای
۲۶	۲.۳. مسئولیت کیفری
۲۷	۴.۲. آینین دادرسی کیفری
۲۸	فصل سوم: خاستگاه کنترل اجتماعی جرم
۲۹	۱.۳. انتقام گیری خصوصی
۳۰	۲.۳. مراحل مهار تدریجی انتقام خصوصی
۳۳	فصل چهارم: مقررات کیفری قانون نامه حمورابی
۳۶	۱.۴. تساوی در برابر مجازاتها
۳۷	۲.۴. شخصی بودن مجازاتها
۳۸	۳.۴. قانونمندی
۳۹	۴.۴. مجازاتها در قانون نامه حمورابی
۴۴	۵.۴. جرایم در قانون نامه حمورابی
۴۶	۶.۴. ادله اثبات جرم
۴۷	فصل پنجم: مقررات کیفری قانون نامه هیتی‌ها: خصمانت اجراهای، جرایم و ادله

..... ۵۲	فصل ششم: مقررات کیفری یونان
..... ۵۷	پیوست‌ها
..... ۵۸	پیوست شماره ۱ تحولات تاریخی قتل در فراش
..... ۶۱	پیوست شماره ۲ اصل تراز در قانون اساسی مشروطه و اصول مربوط به شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
..... ۶۵	پیوست شماره ۳ قانون نامه گشت
..... ۸۰	پیوست شماره ۳ قانون نامه جزای عرفی نصرت الدوّلہ فیروز
..... ۱۷۰	کتاب شناسی مختصر فارسی

## موضع‌های مقدماتی<sup>۱</sup>

شاخه‌های علوم جنایی، جایگاه تاریخ حقوق کیفری و تاریخ تحولات حقوق کیفری در این شاخه‌ها و سرانجام حقوق کیفری مدرن موضوعه در ایران را مختصر بررسی می‌کنیم. همان گونه که می‌دانید، علوم جنایی به طور کلی، یعنی علومی که به مطالعه بزه، بزهکار، بزه‌دیده و کیفر می‌پردازد به چهار شاخه کلی علوم جنایی حقوقی، علوم جنایی تجربی، فلسفه کیفری و سیاست جنایی<sup>۲</sup> تقسیم می‌شود. علوم جنایی حقوقی، هنجارمند (دستوری - نورماتیو) و ضابطه‌مند است. این علوم به عبارتی، به دو شاخه اصلی و تکمیلی تقسیم‌بندی می‌شوند. شاخه‌های اصلی شامل حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی، آین دادرسی کیفری و حقوق اجرا و اعمال مجازاتها است؛ شاخه‌های تکمیلی آن شامل حقوق کیفری بین‌المللی، تاریخ حقوق کیفری، تاریخ تحولات حقوق کیفری، حقوق کیفری کسب و کار، حقوق کیفری سایبری و... می‌شود. براین اساس، جایگاه درس تاریخ حقوق کیفری در شاخه تکمیلی علوم جنایی حقوقی و در کنار تاریخ تحولات حقوق کیفری است.<sup>۳</sup>

- 
۱. گفتنی است که این جزو در واقع خلاصه و اهم مطالب کلاس است. دانشجویان برای تفصیل و تکمیل مطالب، حتماً به منابع و کتاب‌های معرفی و داده شده در کلاس و یادداشت‌های خود مراجعه نمایند.
  ۲. برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **درباره اصطلاح سیاست جنایی**، دیباچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ پنجم، بهار ۱۳۹۵.
  ۳. برای آگاهی بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **از حقوق جنایی تا علوم جنایی**، دیباچه در: علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ ششم، بهار ۱۳۹۵.

تاریخ تحولات حقوق کیفری، مطالعهٔ تاریخی شکل‌گیری حقوق کیفری مدرن است که در پرتو و تحت تأثیر اندیشه‌ها، آموزه‌ها و مکاتب فلسفی، حقوقی، جرم‌شناختی و... متولد شده‌اند. به این ترتیب، تاریخ تحولات حقوق کیفری عبارت است از مطالعهٔ چگونگی تولید حقوق کیفری مدرن و آموزه‌ها و مکاتبی که در این تولید و تحول نقش داشته‌اند؛ اما، تاریخ حقوق کیفری عبارت از مطالعهٔ چگونگی تولید مقررات کیفری و تحول آن‌ها در دوران باستان است. مطالعات مربوط به تاریخ تحولات حقوق کیفری عموماً از سال ۱۷۶۴ میلادی یعنی سال انتشار رسالهٔ جرایم و مجازاتهای بکاریا<sup>۱</sup> شروع می‌شود؛ به عبارت دیگر، دورهٔ مطالعاتی این رشته عمری حدود دویست و پنجاه سال دارد، حال آن که بازه زمانی مطالعات تاریخ حقوق کیفری عموماً در محدودهٔ خاور نزدیک، خاور میانه، یونان و روم و اروپای غیر از یونان و روم (به تعبیری، اروپایی‌های برابر -غیریونانی و غیر رومی) از حدود سه هزار سال پیش از میلاد شروع تا سدهٔ پنجم میلادی یعنی فروپاشی امپراتوری روم غربی، ادامه پیدا می‌کند. تاریخ تحولات حقوق کیفری، همان‌طور که گفته شد، در واقع مطالعهٔ تاریخی آن دستهٔ اندیشه‌ها و مکاتب فلسفی، حقوقی، جرم‌شناختی و... است که زمینهٔ تولید حقوق کیفری مدرن<sup>۲</sup> یعنی مدون شدن حقوق را فراهم کردند: مانند مکتب کلاسیک، مکتب نوکلاسیک، مکتب تحقیقی، مکتب دفاع اجتماعی، مکتب دفاع اجتماعی نوین و...<sup>۳</sup> ولی به هنگام مطالعات تاریخی حقوق کیفری، به عنوان مثال، بررسی می‌کنیم که نخستین مقررات و قانون‌نامه‌هایی که مقررات کیفری هم پیش بینی کرده‌اند، چگونه و در کدام منطقهٔ تدوین و اجرا شده‌اند؟ چرا پاره‌ای قوانین کیفری در بین‌النهرین (میان رودان)، غرب ایران و در عراق کنونی تنظیم و اجرا شده‌اند؟ چرا برخی تاریخ‌دانان حقوق معتقدند که تولید تمدن حقوق کیفری، با نخستین مقررات

- 
۱. ر. ک به: بکاریا، سزار، رسالهٔ جرایم و مجازاتهای ترجمهٔ محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۳.
  ۲. حقوق کیفری مدرن فرآیند تدوین حقوق یا تدوین قوانین و مقررات شامل مدون کردن تخصصی مقررات هر رشته حقوق در قالب کتاب یا قانون نامه مبنی بر اصول عمومی، دسته‌بندی، تعاریف، جرم‌انگاری، کیفرگذاری، مقررات ناظر به جرایم و مجازاتهای آثار آن‌ها توضیح داده خواهد شد.
  ۳. در خصوص مکاتب کیفری رک: پرادرل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمهٔ علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ دهم، ۱۳۹۴؛ رحیمی نژاد، اسماعیل، تاریخ تحولات حقوق کیفری، انتشارات مجد، تهران، چاپ یکم، .۱۳۹۵

کیفری در روم و یونان باستان یعنی در باختراستان رقم خورده است؟ حال آن که در مقابل عده‌ای معتقدند که نخستین مقررات کیفری در خاورمیانه و خاورنزدیک - غرب آسیا - متولد شده است؟ همینجا باید گفت که قدیمی ترین مقررات کیفری - دست کم در حال حاضر در این تاریخ - به تعبیری از هزاره سوم پیش از میلاد در بین‌النهرین، عمدتاً، جنوب ترکیه، غرب ایران و عراق کنونی تدوین، تنظیم و اجرا شده است. به این ترتیب، بخش عمده‌ای از تمدن حقوقی از آن بین‌النهرین یا میان‌رودان است. بدین‌سان، عمدتاً عراق کنونی، جنوب ترکیه و غرب ایران گهواره تمدن حقوقی به شمار می‌آید. حقوق در این منطقه آشکال اولیه خود را پیدا کرده و متحول شده است. پیش از کشف الواح سنگی و گلی در کاوش‌های باستان‌شناسان در منطقه بین‌النهرین و...، در اواخر سده نوزدهم تا نیمه نخست سده بیستم، عقیده تاریخ‌دانان حقوق بر این بوده که، مهد تمدن حقوقی، روم و یونان یعنی غرب (باخترا) باستان بود؛ اما پس از آن کاوش‌ها و استخراج لوح‌های گلی و سنگی ترجمه آن‌ها به انگلیسی و زبان‌های دیگر، مانند قانون‌نامه حمورابی و قانون‌نامه هیتی‌ها، متوجه شدند که فرضیه تولید مقررات حقوقی در یونان و روم «باختراستان» درست نیست و نخستین مقررات حقوقی در خاور باستان تنظیم، تدوین و اجرا می‌شده است.

## قانون نامه های باستانی به ترتیب تاریخ

حدود ۲۳۵۰ قبل از میلاد<sup>۱</sup> فرمان اوروکاگینا

حدود ۲۱۰۰ قبل از میلاد ۳۷ ماده قانون نامه اور - نمور

حدود ۱۹۳۰ قبل از میلاد ۳۸ ماده قانون لیبیت - ایشتر

حدود ۱۷۳۰ قبل از میلاد ۶۰ ماده قانون نامه اشنونا

حدود ۱۷۵۰ قبل از میلاد ۲۸۲ ماده قانون نامه حمورابی

حدود ۱۶۵۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد ۲۰۰ ماده قانون نامه هیتی ها

حدود ۱۰۷۶ قبل از میلاد ۱۲۰ ماده قانون نامه آشوریان

مقررات عبرانی (یهود) در کتاب عهد عتیق (تورات) شامل آسفار پنج گانه حدود ۹۰۰ قبل از میلاد

\*\*\*

در میان مقررات، مواد یا بندهای این قانون نامه ها، مقررات کیفری شکلی و ماهوی نیز پیش بینی شده

---

۱- بادامچی، حسین، جایگاه فرمان اوروکاگینا در تاریخ شکل گیری حقوق سومری، مجله پژوهش های علوم تاریخی، دوره چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۳۹ - ۵۹

است،<sup>۱</sup> در این نیمسال فقط مقررات کیفری قانون نامه حمورابی، قانون نامه هیتی‌ها و مقررات کیفری عبرانی (آین کیفری یهود) در خاور باستان را بررسی می‌کنیم. سپس به بررسی مقررات کیفری یونان در باخته باستان می‌پردازیم. مقررات کیفری روم باستان و نیز مقررات کیفری دیگر جاری در خاور باستان مانند قانون نامه‌های اورنمور، لیپیت - ایشترا و... را در منابع معرفی شده، خود دانشجویان مطالعه نمایند. در جلسات مقدماتی کلاس اشاره‌ای هم به تاریخ حقوق کیفری ایران می‌کنیم.



در مورد تولد حقوق به معنای امروزی کلمه، در ایران و پیدایش حقوق کیفری، باید اشاره کرد که، قانون اساسی مشروطه، یعنی نخستین قانون اساسی ایران در سال ۱۲۸۵ خورشیدی و متمم آن یک سال بعد در ۱۲۸۶ خورشیدی به تصویب رسید؛ اما، حدود سی و دو سال پیش از تصویب قانون اساسی مشروطه، که امروز، عمری حدود یکصد و ده سال دارد، مقرراتی با عنوان قانون یا بهتر است بگوییم قانون نامه (گُنْت)<sup>۲</sup> در سال ۱۲۵۸ خورشیدی، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، تهیه و تنظیم شد. این دوره زمانی مصادف با امپراتوری عثمانی بود که آن‌ها نیز در صدد تنظیم مقررات حقوقی بودند. گُنْت آنtron دومونت فورت<sup>۳</sup>، نجیب‌زاده ایتالیایی، بود که ناصرالدین شاه<sup>۴</sup> از وی تقاضای تنظیم مقررات کرد.

- 
۱. برای اطلاعات بیشتر رک: بادامچی، حسین «به کوشش»، *تاریخ حقوق بین النهرين باستان*، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۷ و بعد.
  ۲. آنچه که به عنوان «قانون گُنْت» مشهور است در واقع «مقررات نامه‌ای» است که به تأیید ناصرالدین شاه قاجار و امیرکبیر، صدر اعظم وقت رسیده است و جنبه قانونی به معنای امروزی نداشت. مقررات نامه گُنْت به طور کامل در پیوست شماره ۳ در صفحه ۶۵ این جزو آورده شده است.

### 3. Conte / Comte de Monte Forte.

۴. اندیشه تشکیل و تأسیس نظمیه (شهربانی) به شیوه کشورهای اروپایی، به زمان ناصرالدین شاه قاجار می‌رسد. او در دوین سفر خود به اروپا در سال ۱۲۹۵ق با مشاهده قوای پلیس و نظم و انضباطی که در شهرهای اروپایی برقرار بود، تصمیم گرفت در ایران نیز چنین تشکیلاتی به وجود آورد. وی پس از مراجعت از اروپا، مستشاری ایتالیایی به نام «گُنْت» دو مونت فورت را استخدام کرده، از اتریش با خود به ایران آورد. قبل از تأسیس نظمیه ناصرالدین شاهی، امور انتظامی شهر توسط قراولها انجام می‌شد و محل اجتماع و پایگاه آنان قراولخانه بود. در تبریز بیست قراولخانه و در تهران چهل عدد از آن‌ها وجود داشت. امیرکبیر در دوران صدارت کوتاه خود تعداد آنان را افزایش داد و بسیاری از قراولخانه‌ها را به مفهوم پاسدارخانه در راه‌ها و اطراف شهر ایجاد نمود. قراولها به دسته‌های ده - ۱۰ - تایی تقسیم می‌شدند؛ اما، پس از بازگشت ←

این مقررات که مشتمل بر ۵۸ ماده است مشتمل بر مواد حقوقی، کیفری<sup>۱</sup>، اداری و... می باشد<sup>۲</sup> و به نوعی جزء میراث حقوقی ایران محسوب می شود؛ متعاقب آن، با توجه به این که یکی از مطالبات اساسی مشروطه خواهان، ایجاد عدالت خانه، یعنی دادگستری مدرن بوده است، فیروز میرزا فیروز(نصرت الدوّله) در اجرای متمم قانون اساسی، قانون (قانون نامه) جزای غرفی را در اسفند سال ۱۲۹۵ خورشیدی (برابر با جمادی الاول ۱۳۳۵ هجری قمری و برابر با ۱۹۱۴ میلادی) تنظیم و به تصویب هیأت وزیران رسانید.<sup>۳</sup> این قانون نامه (کُد)، به تعبیر امروز، "قانون مجازات" محسوب می شده است و از دو بخش حقوق کیفری عمومی، اصول و مقررات عمومی و حقوق کیفری اختصاصی و جرایم تشکیل شده بود. به عنوان مثال، در ماده ۱ این قانون آمده است : مجازات جنایت بر دو قسم است: اول ترهیبی و تردیلی باهم، دویم تردیلی فقط. مجازات جنحه تأدیبی است. مجازات خلاف تکدیری است (رجوع بفصل اول از باب سیم

→ ناصرالدین شاه از فرنگ به قول صاحب منتظم ناصری «بر حسب اراده همایونی اداره پلیس به جهت امنیت شهر توسط نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه به ریاست "میو کنت دو مونت فورت" در دارالخلافه برقرار گردید». پس از تدارک مقدمات کار روز ۱۶ ذی القعده ۱۲۹۵ ق نخستین تابلو شهریانی تهران سردر عمارت واقع در ابتدای خیابان الماسیه (باب همایون) نصب گردید. در تابلو عبارت «دارالخلافه» نقش شده از همان روز مردم با واژه پلیس آشنا شدند و دیری نپایید که «کنت» به لقب «نظام الممالک» ملقب و به منصب امیر تومانی (سرلشکری) مفترخر و به اخذ نشان و حمایل آن ممتاز گردید. سال بعد، یعنی ۱۲۹۶ ه.ق، کنت قوانینی را که به کتابچه «قانون کنت» معروف شد به شاه ارائه کرد. با تصویب این نظامنامه، دیری نگذشت که اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه به «وزارت نظمه» تبدیل گردید و صورت و قیافه جدیدتری یافت و دارای دوایر و تشکیلات ویژه‌ای گشت. این مطالب از تارنمای پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران به نشانی زیر گرفته شده است:

<http://bcir.pchi.ir/show.php?page=contents&id=19510>, 11/10/1394, 09:28

۱. به عنوان مثال، می توان به ماده ۵ مقررات نامه کُنت اشاره داشت: کسی که قاطع طریق یا دزد باشد و یا رفاقت با آنها نماید چه شغل دائمی او باشد و یا این که اتفاقاً رفاقت کرده باشد از راه خسروت باندازه (به اندازه) تقصیر او از یکسال الى پانزده سال حبس خواهد شد. همچنین در ماده ۹ این مقرره نامه آمده است: کسی که تهمت زند مکتوبآ یا لسانآ بدرجه تقصیر او از یکسال الى پنج سال محبوس خواهد شد و از پنجه‌تومان الى یکصد تومان جزای نقدی خواهد داد.

۲. در خصوص موارد غیر کیفری این قانون نامه، به عنوان مثال، می توان به ماده ۵۷ آن در خصوص عدم مسئولیت مدنی پلیس (دولت) اشاره داشته است. در ماده ۵۷ مقرر شده است: کسی که اسباب خود را بدون هیچ محافظه و پاسبان مخصوص جائی میگذارد و اگر اسباب او را بیزند پلیس ابدآ خیام نیست اما تجسس دزد را خواهد کرد.

۳. متن کامل قانون نامه جزای غرفی نصرت الدوّله فیروز در پیوست شماره ۴ در صفحه ۸۱ این جزوه آورده شده است.

## قانون موقتی اصول محاکمات جزایی (۱۳۹۱).<sup>۱</sup>

این قانون نامه توسط فیروز میرزا فیروز (نصرت الدوّله<sup>۲</sup>) تنظیم شده است و به همین جهت، قانون نصرت الدوّله نیز گفته می‌شود. آن‌چه مسلم است این است که تعطیلی مجلس وقت (مجلس سوم)، به دلیل جنگ جهانی اول، مانع از تصویب این مقررات در مجلس به صورت قانون شد، ولی اندکی بعد در هیأت دولت، بنا به درخواست فیروز میرزا فیروز (نصرت الدوّله) تصویب شد؛ ولی، به دلایلی از جمله این که مطابق مقررات شرعی ارزیابی نمی‌شد، مورد قبول فقهای واقع نشد؛ اما، زمینه را برای تنظیم و تصویب قانون مجازات عمومی مصوب دی ماه ۱۳۰۴ خورشیدی آماده کرد. متن قانون نامه جزایی عرفی نصرت الدوّله در واقع به عنوان یک الگو برای «تنظیم و تدوین» قانون مجازات عمومی دی ماه ۱۳۰۴ استفاده شد و به این ترتیب مبنای قانون مجازات عمومی - نخستین قانون نامه کیفری - که جنبه رسمی و اجرایی - البته به صورت آزمایشی تا پایان دوره پهلوی - پیدا کرد، قرار گرفت.

به این ترتیب می‌توان گفت که ایران، به دنبال انقلاب مشروطه و تصویب قانون اساسی و تنظیم و تصویب قانون‌های مجازات، مدنی، آین دادرسی و... در پرتو اصول قانون اساسی، صاحب حقوق مدنی یا حقوق موضوعه گردید و بدین سان، جزء نخستین کشورهای منطقه است که وارد عصر حقوق مدرن شد. حال اگر حقوق کیفری را به یک درخت تشییه کنیم، تنۀ اصلی آن، حدود یک سده عمر دارد. این تنۀ از جمله تشکیل شده از: قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و قانون موقتی اصول محاکمات جزایی (۱۳۹۱)؛ اصلاحات و تحولات بعدی مرتبه با این دو قانون در واقع شاخ و برگ‌های این تنۀ را تا سال ۱۳۶۰

- 
۱. از مفهوم این ماده استنباط می‌شود که جرایم به سه دستهٔ جنایت، جنحه و خلاف تقسیم بندی می‌شوند. قانون اصول محاکمات جزایی (۱۳۹۱.ش)، چهار سال زودتر از قانون ماهوی نصرت الدوّله به تصویب رسید که بعدها با تصویب در کمیسیون حقوقی مجلس جامه قانون به تن کرد، بر خلاف قانون جزای عرفی که هیچ گاه در مجلس تصویب نشد.
  - ۲- نصرت الدوّله فیروز علاوه بر تنظیم قانون جزای عرفی، کتاب «اصول حقوق جزا» را نیز نوشت. او در این اثر به بررسی "مبنای اصول حقوق جزا و بررسی مکاتب حقوق کیفری می‌پردازد. به عنوان مثال، در قسمت اول کتاب خود به بررسی "مبنای حق مجازات دادن" و "مبنای مجازات در قوانین قدیمه" پرداخته است. او مجازات را چنین تعریف می‌کند: «جازات به کار بردن قوه و زور است از راه قانون بر علیه یک نفر؛ یعنی: تهدیدی است نسبت به عموم افراد جامعه، یا به عبارت دیگر نسبت به مجرمین احتمالی. این تهدید وقتی عملی شده و از قوه به فعل می‌آید که جرمی واقع و مجری موجود گردد... .

تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

موضوعی که می‌توان مطرح و بررسی کرد این است که، چرا حقوق مدرن ایران از حقوق فرانسه که جزء خانواده حقوق نوشته (Civil Law) است، اقتباس کرده و الهام گرفته است؟ در پاسخ می‌توان چند دلیل را مطرح کرد:

حقوق دانان وقت ایران از جمله تصریت الدوله و سپس علی اکبر داور - وزیران دادگستری وقت خود - تحصیلات عالیه را در فرانسه و سویس که هم خانواده حقوق فرانسه است انجام داده بودند و بنابراین با گُدھای ناپلئون و حقوق دانان فرانسوی آشنا شدند. به همین جهت دولت‌های وقت، به عنوان نمونه، از مشاوره‌های قاضی فرانسوی، آدولف پرنی<sup>۲</sup>، برای تنظیم قانون نامه‌های کیفری و قوانین دیگر و نیز تدریس در مدرسه عالی حقوق ( محل تربیت قضات آینده که در مهر ۱۲۹۸ خورشیدی تأسیس شد) استفاده کرد؛ وانگکهی، فرانسه در مقایسه با انگلستان رویکردهای استعماری و مداخله جویانه به ایران نداشته است و بدین سان، فرهیختگان ایرانی وقت، نگاه مثبتی نسبت به فرانسه داشتند. دلیل دیگر این بود که، گُدھای قانونی ناپلئون در حوزه کیفری و مدنی در اوآخر سده نوزدهم و اوایل سده بیست میلادی، الگوی جنبش تدوین حقوق (Codification) و مدون کردن قوانین و مقررات در خاورمیانه، از جمله در عثمانی (ترکیه) و نیز در مصر بود.<sup>۳</sup>

۱. گفتنی است که قانون جزای عرفی ۱۲۹۵، قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و قانون موقعی اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۱ از قانون مجازات ۱۸۱۰ و قانون تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ فرانسه مشهور به گُدھای ناپلئون اقتباس شده است. برای اطلاعات بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **جایگاه کانون وکلای دادگستری و وکیل در جامعه حقوقی و قانون آینین دادرسی کیفری ایران، در: غلامی، حسین «به کوشش»، علوم جنایی تطبیقی - مجموعه مقالات نکوداشت نامه دکتر سیلویا تلنباخ، نشر میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵، ص ۴۵۷ و بعد.**

## 2 . Francais Adolphe Perny.

۲. همچنین رک: هریسی نژاد، **کمال الدین، تأملی در عوامل تأثیرپذیری حقوق نوین ایران از نظام حقوقی رومی - زرمنی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، ص ۳۶۹ و بعد.**

## فوآیند تاریخی پیدایش حقوق کیفری موضوعه در ایران

متن حقوقی که شامل مقررات جزایی هم می‌شد ← قانون نامه گشت ← سال ۱۲۵۸ خورشیدی

(دوره قاجار)



قانون اساسی مشروطه و متّم آن ← سال‌های ۱۲۸۵ و ۱۲۸۶ خورشیدی

(دوره قاجار)



قانون مؤقتی اصول محاکمات جزایی (قانون آین دادرسی کیفری) ← سال ۱۲۹۱ خورشیدی

(دوره قاجار)



قانون (قانون نامه) جزای عرفی (فیروز میرزا فیروز) ← اسفند ماه سال ۱۲۹۵ خورشیدی

(دوره قاجار)



قانون مجازات عمومی ← سال ۱۳۰۴ خورشیدی

(دوره پهلوی)



تحولات بعدی مرتبط با دو قانون جزایی ماهوی و شکلی، مانند تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط،

اقدامات تأمینی و تشکیل دادگاه‌های اطفال بزمکار در دوره پهلوی اول و دوم صورت گرفت.

## **فصل اول: ویژگی‌های حقوق کیفری مدرن**

یکی از منابع نظری مهم حقوق کیفری مدرن را به طور کلی رساله جرایم و مجازات‌ها (سال ۱۷۶۴ میلادی)، به قلم سزار بکاریا، می‌دانند. حقوق کیفری مدرن دارای ویژگی‌هایی است که موجب تمایز آن از حقوق کیفری تاریخی می‌شود. ناگفته پیدا است که اصول امروزی حقوق کیفری در قانون‌نامه‌های باستانی موضوعیت نداشته، لیکن، برای سهولت آموزش مطالب، مفاد این قانون‌نامه‌ها را در پرتو اصول حقوق کیفری امروزی بررسی می‌کنیم.

### **۱.۱. تخصصی شدن حقوق**

در حقوق کیفری مدرن قوانین و مقررات کیفری از مقررات رشته‌های دیگر حقوق، جدا می‌شوند؛ مقررات کیفری شکلی و ماهوی نیز به نوبه خود از یکدیگر تفکیک می‌شوند و در مجموعه‌های مستقل از هم به تصویب می‌رسند. بدین‌سان، قانون (قانون‌نامه) مجازات از قانون مدنی، قانون تجارت و... جدا شد و قانون آیین دادرسی کیفری از قانون مجازات عمومی منفک می‌گردد. به این ترتیب، قوانین از یکدیگر به لحاظ موضوعی، ماهیتی و نیز شکلی، مستقل، مدون و گُدبندی (Codification) و منجر به تدوین حقوق می‌شوند. حال آن که به عنوان مثال، در قانون‌نامه حمورابی مقررات ناظر به امور مدنی، تجاری، کیفری و... در کنار هم و در مواد مختلف، بدون دسته‌بندی، آورده شده است، به طوری که حدود ۹۰ ماده‌این قانون‌نامه، جنبه کیفری دارند. حقوق کیفری امروزی مبتنی بر اصول کیفری قانون اساسی است که قوانین عادی در پرتو آن‌ها و طی یک فرآیند خاص قانونگذاری به تصویب و اجرا گذاشته می‌شود.

### **۱.۲. اصول‌مندشدن حقوق**

دوّمین خصیصه حقوق کیفری مدرن این است که در هر قانون (قانون‌نامه)، قانونگذار یک سلسله قواعد و اصول کلی یا عمومی و مشترک را برای آیین دارسی کیفری، در قانون آیین دادرسی کیفری و حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی، در قانون مجازات تعریف و پیش‌بینی می‌کند. به عبارت دیگر، حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و آیین دادرسی کیفری، تحت اصول مشترک خود، که در آغاز هر قانون احصاء و تعریف می‌گردند، اجرا می‌شوند. این اصول و تعاریف در

حوزه حقوق کیفری عمومی، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از ماده ۱ الی ۲۱۶ و در حیطه آین دادرسی کیفری، در محدوده قانون آین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، از ماده ۲ الی ۷ و مواد بعدی - به مناسبت به عنوان مثال مواد ۸، ۱۰ و ۱۴ - را شامل می شود. به این ترتیب، در قانون مجازات اسلامی در کتاب اول «کلیات»، بخش اول آن مواد عمومی، فصل اول تعاریف، فصل دوم قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان و... اصولی کلی مانند اصل قانون مندی جرایم و مجازات‌ها، اصل سرزمنی بودن قوانین کیفری، اصل عطف بمقاصد قوانین کیفری ماهوی، اصل تفسیر مضائق قوانین کیفری و سپس تعریف، شرایط و موانع مسئولیت کیفری، تعریف جرم و مجازات و... آورده شده است که بر همه جرایم و مجازاتها اعمال می شود.

بدین سان، چنانچه قانونگذار در قوانین خاص مانند قانون مبارزه با پوششی، قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، قانون تجارت الکترونیکی و ... به جرمانگاری و کیفرگذاری مبادرت ورزد که خارج از قانون مجازات اسلامی است، آن جرایم و مجازاتها از منظر اصول عمومی قاعده‌تاً تحت حاکمیت اصول عمومی قانون مجازات اسلامی قرار دارد. قانون مجازات اسلامی، به عنوان قانون مادر تلقی می شود، مگر آن که آن قانون خاص، برای جرم، مجازات، مسئولیت کیفری و... قواعد خاص خود را پیش‌بینی کند که اصطلاحاً به آن‌ها، قواعد و مقررات افتراقی<sup>۱</sup> گفته می شود. به عنوان مثال، قانون مبارزه با مواد مخدر، به طور کلی، تکلیف خود را از قانون مجازات اسلامی جدا کرده است. این قانون، خاص است که آین دادرسی، جرایم، مجازاتها، قواعد تکرار جرم و... خاص خود، مانند قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ را دارد؛ اما، اگر این استثناء، کنار نهاده شود، در سایر قوانین، برای مثال مقررات ناظر به مجازاتها، عفو و مسئولیت باید به اصول عمومی قانون مجازات‌ها رجوع شود. این امر در حوزه دادرسی کیفری نیز با تکیه بر قانون آین دادرسی کیفری مجری است؛ حال آن که در قوانین باستانی مانند

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره افتراقی شدن سیاست جنایی، دیباچه در: لازر، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ پنجم، بهار ۱۳۹۵؛ رک: پاک نیت، مصطفی، مبانی و آثار افتراقی شدن دادرسی کیفری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، اسفند ۱۳۹۴.

قانون حمورابی، قوانین هیتی‌ها، اشنونا و... اصول عمومی، تعاریف و قواعد ناظر بر جرایم و مجازات‌ها وجود ندارد.

### ۳.۱. تفکیک حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی

ویژگی دیگر حقوق کیفری مدرن این است که، مقررات و اصول عمومی کیفری از مقررات حقوق کیفری اختصاصی شامل جرایم، ارکان اختصاصی هر جرم، ضمانت اجراهای کیفری جدا پیش‌بینی می‌شود. جرایم بر حسب معیارهایی چون موضوع جرم، موقعیت مرتكب یا بزه دیده طبقه‌بندی و نظام حقوقی آن با توجه به اصول عمومی قانون مجازات مشخص می‌شود. افزون بر جرایم تعریف و پیش‌بینی شده در قانون مجازات، حقوق کیفری اختصاصی شامل آن دسته از اعمال و رفتارهایی می‌شود که در قوانین خاص نیز جرم‌انگاری و برای آن‌ها کیفرگذاری شده است. در قوانین باستانی، همان گونه که اشاره شد، قانون مجازات به طور مستقل وجود ندارد، بلکه مواد کیفری در کنار مقررات مربوط به رشته‌های دیگر حقوق آمده، اصول کلی کیفری هم وجود ندارد، بدین‌روی، تفکیک حقوق کیفری عمومی از حقوق کیفری اختصاصی در این قانون‌نامه‌ها منتفی است.

### ۴.۱. تعریف جرم

در حقوق کیفری مدرن، افزون بر یک تعریف کلی از جرم، برای هر جرم یک تعریف خاص آورده شده، به طوری که قاضی در پرتو آن تعریف و تعیین ارکان اختصاصی آن جرم، اقدام به انطباق عمل ارتکابی با تعریف قانون می‌نماید، یعنی تعیین مصدق عملی منطبق با جرم بر عهده او گذاشته شده است. به عنوان مثال، قانونگذار سرقت را به طور کلی تعریف می‌کند، ولی تشخیص عمل ارتکابی و اتهام از نظر انطباق آن با سرقت را به مقام قضایی واگذار می‌کند؛ ولی، در قانون‌نامه‌های باستانی به تعداد سرقت‌های ارتکابی، با توجه به موضوع سرقت‌ها، ماده اختصاص داده شده است و اثری از یک تعریف کلی برای سرقت نیست. به عنوان مثال در قانون‌نامه حمورابی، بیش از سی و پنج نوع سرقت در مواد مختلف، آن هم نه به صورت پی در پی، جرم‌انگاری و کیفرگذاری شده است.

## ۵. تفکیک جرایم بر اساس ماهیت

خاصیّة دیگر حقوق کیفری مدرن، طبقه‌بندی جرایم و مجازاتها بر حسب موضوع جرم و مصلحت و ارزشی که جرم علیه آن واقع می‌شود، است. قانونگذار جرایم را به جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و... تقسیم‌بندی و بر حسب شدّت یا ضعف مجازات و نوع کیفری که برای جرایم پیش‌بینی شده است، جرایم را به عنوان مثال، به جرایم جنایی، جنحه‌ای، جرایم خلافی یا به جرایم حدی، قصاصی، دیوی و تعزیری تقسیم می‌کند. کیفرها در حقوق کیفری مدرن، از یک سو شناور، یعنی دارای کمینه و پیشینه هستند و بدین‌روی مجازات ثابت در این حقوق اصولاً موضوعیت ندارد و از سوی دیگر، متنوع هستند، به طوری که قاضی می‌تواند یک یا چند مجازات را از میان آن‌ها انتخاب کند و بدین‌سان، دست به شخصی کردن مجازات بزند. حال آن که در مقررات باستان، مجازاتها عمدتاً بدنی و ثابت هستند و طبقه‌بندی جرایم بر حسب نوع یا میزان کیفر، مطرح نیست. بنابراین شخصی کردن مجازاتها (شامل اشخاص حقیقی و حقوقی) هم دیگر معنای ندارد. اصل فردی کردن و شخصی کردن مجازاتها در واقع از دستاوردهای حقوق کیفری مدرن در پرتو یافته‌های مطالعات جرم‌شناسی است. در حقوق کیفری تاریخی، به عنوان مثال در پاسخ به جرم قتل، قتل با سبق تضمیم یا قتل ناگهانی قاعده‌تاً هیچ تفاوتی از نظر کیفر در نظر گرفته نشده است، حال آن که در حقوق کیفری مدرن میان این قتل‌ها تفاوت می‌گذارند و انگیزه را در مواردی مداخله می‌دهند و در نتیجه قانونگذار ضمانت اجراء‌ای کیفری متفاوتی پیش‌بینی می‌کنند.

## ۶. برابری در برابر مجازاتها

حقوق کیفری مدرن در پرتو آورده‌های حقوق بشر و حقوق شهروندی، طبقاتی نیست، یعنی همه در مقابل آن برابر هستند؛ تعلق نژادی، قومی، دینی، طبقاتی در جرایم و مجازاتها تأثیری ندارد. موقعیت اجتماعی مرتكب یا بزه دیده - قاعده‌تاً - در وضعیت کیفری او تأثیری ندارد. البته قانونگذار به عنوان مثال، برپایه معیار سن و به دلایل علمی صغار را از کبار تفکیک می‌کند و بنابراین دو نوع حقوق کیفری شکلی و ماهوی مطرح می‌شود:

## ۱- حقوق کیفری بزرگسالان

### ۲- حقوق کیفری کودکان و نوجوانان

بدین سان، چه از منظر حقوق کیفری ماهوی و چه از نظر آیین دادرسی کیفری، حقوق کیفری مدرن برای صغار بزهکار حکم و آیین متفاوتی تعیین می‌کند. بدین ترتیب، امروزه بر پایه معیار سن حقوق کیفری اصطلاحاً افتراقی شده است.

نکته مهم این که، هنگامی که سخن از حقوق کیفری مدرن در میان می‌آوریم، به معنای نفی میراث کیفری بشریت، یعنی مقررات کیفری باستانی، مقررات دینی و... نیست؛ حقوق کیفری مدرن بخشی از میراث کیفری بشریت را با توجه به تحولات صورت گرفته، مدون، اصولمند و ضابطه مند کرده است. حقوق کیفری مدرن، همان طور که اشاره شد، از جمله بر پایه اصولی که بکاریا در نیمة دوم سده هجدهم در کتاب خود بررسی و تحلیل کرد بنا گذاشته شده است. به همین جهت در حوزه حقوق گرفی و موضوعه، وی را رهبر انقلاب کیفری و اثر او را منشور انقلاب کیفری نامیده‌اند،<sup>۱</sup> همان‌گونه که پدر جرم‌شناسی را، سازار لمبروزو و منشور جرم‌شناسی را، کتاب انسان/ مرد بزهکار تلقی کرده‌اند.<sup>۲</sup>

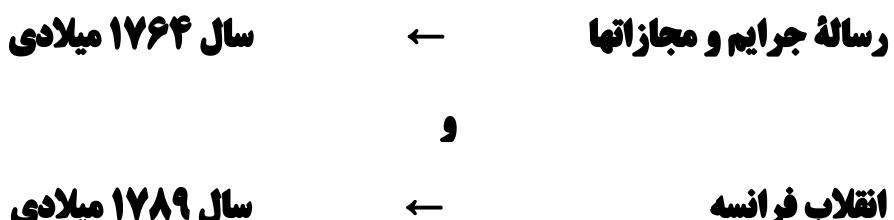
بکاریا، همان طور که در جلسات قبل هم اشاره شد، در سال ۱۷۶۴ رساله جرایم و مجازات‌ها را منتشر کرد. او فردی اشراف زاده بود. در جوانی و در زمان مداخله آباء کلیسای کاتولیک در حوزه عدالت کیفری، کتاب خود را در واقع در اعتراض به عدالت کیفری کلیساً نوشت، به نظر بکاریا عدالت کیفری کلیساً ضابطه‌مند و اصولمند نبود و منجر به نوعی بی‌عدالتی و عدم رعایت حقوق مردم می‌شد.<sup>۳</sup> این کتاب نه ماه پس از انتشار، به زبان فرانسه برگردانده شد. جالب آن که مطالب و اصول آن

۱. بنگرید به: پرادرل، ژان، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ دهم، ۱۳۹۴، ص ۴۲ به بعد.

۲. برای مطالعه بیشتر ر. ک به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *جرائم‌شناسی در آغاز هزاره سوم دیباچه ویراست دوم - سوم - چهارم، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۵*، ص ۱۳ به بعد.

۳. درباره حقوق کلیساً ر. ک: محقق داماد، سید مصطفی، *حقوق جزای شرعی کلیسای کاتولیک*، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹ - ۳۰، ۱۳۷۹، ص ۲۹ و بعد.

مورد توجه انقلابیان فرانسه قرار گرفت، به طوری که در مطالبات خود اجرای آن اصول از جمله خواستار گشایش یک عدالت کیفری عادلانه و انسانی را مطرح کردند.



رساله جرایم و مجازاتها مشتمل بر چهل و دو فصل است. بکاریا در این کتاب، حقوق کیفری را، به عبارتی، نظامبخشی<sup>۱</sup> کرد.<sup>۲</sup> نظام مند کردن و نظم بخشیدن به حقوق کیفری یعنی جرم‌انگاری و کیفرگذاری و دادرسی کیفری را تابع اصول معینی درآوردن. اصول حقوق کیفری امروزی به طور غیرمستقیم حدود یکصد و چهل سال بعد، از طریق قانون نامه جزای عُرفی ۱۲۹۵ (۱۳۳۵ق) نصرت الدوله فیروز و قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ که مقتبس از قانون نامه کیفری فرانسه بود، وارد حقوق کیفری ایران شد، به این معنا که پس از انقلاب مشروطه، قانونگذار ایرانی به هنگام تدوین و تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ خورشیدی، به قانون مجازات (کُد ناپائون) ۱۸۱۰ فرانسه رجوع کرد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مانند قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به دو بخش عمومی و اختصاصی تقسیم شده؛ لیکن، با توجه به مضامین فقه کیفری امامیه، تلفیقی از اصول حقوق عُرفی موضوعه و فقه امامیه در آن وارد شده است؛ به عنوان مثال، در کنار مجازاتهای جدید و شناور بین حدائق و حد آکثر، مجازاتهای ثابت و بدنبی پیش‌بینی شده است؛ یا اصل قانونمندی جرم و مجازات در پرتو ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی به نوعی به "اصل قانونمندی - شرعمندی" تبدیل شده است؛ در مواردی وضعیت کیفری جنس مؤنث و شخص غیرمسلمان با جنس مذکور و وضعیت فرد مسلمان متفاوت شده است؛ آشکال تاریخی کیفر مرگ مانند سنگسار و به صلیب کشیدن نیز در کنار به دار آویختن برای

## 1. Systemization of Criminal Law

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی براساسی سازی حقوق کیفری، در: گرجی، علی اکبر «به کوشش»، در تکاپوی حقوق عمومی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۹۸۸ به بعد.

جرائم، پیش بینی شده است؛ ادله جرم نیز در جرائم شرعی حکم خاصی دارد. بدین سان، حقوق کیفری ایران در پرتو اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۱ به این سو از دو منطق فقهی و حقوقی پیروی می کند.

## فصل دوم: اهمیت مطالعات تاریخ حقوق کیفری

تاریخ حقوق کیفری اگرچه به عنوان یک درس اختیاری در دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی ارائه می شود ولی، برای دانشجوی حقوق که قاضی، وکیل، مشاور حقوقی و استاد آینده می شود، فوایدی دارد:

۱) حقوق کیفری ماهیتی

- حقوق کیفری عمومی

- حقوق کیفری اختصاصی

۲) حقوق کیفری شکلی، آین دادرسی کیفری، سازمان و تشکیلات قضایی و ضابطان.

این دو گونه حقوق کیفری، به ترتیب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تفصیل، تعریف و ضابطه مند شده است، به گونه‌ای که ۲۱۶ ماده نخست قانون مجازات، بخش کیفری عمومی و از ماده ۲۱۷ به بعد، بخش کیفری اختصاصی را تشکیل می دهد. البته باید متذکر شد، جرایم حدی، قضایی و دیوی در مواردی تابع قواعد خاص خود می باشد که قانونگذار در فصل های مربوط، در قسمت حقوق کیفری اختصاصی قانون مجازات آورده است. حال آن که از نظر اصول قانونگذاری، قواعد عمومی ماهوی و شکلی ناظر به حدود، قضایی و دیات نیز باید در قسمت حقوق کیفری عمومی قانون مجازات و قسمت مربوط در قانون آین دادرسی کیفری آورده می شد.

بدین ترتیب، حقوق کیفری شکلی شامل آین دادرسی کیفری و سازمان و تشکیلات قضایی می شود.

ادله اثبات جرم، اجرای احکام، دو درجه‌ای بودن رسیدگی، حقوق متهم، محکوم علیه، شاکی و جامعه، تشریفات دادرسی، اعمال و اجرای مجازاتها و... در آین دادرسی کیفری بررسی می شود. بررسی چگونگی جرایم، کیفرها و مسئولیت کیفری، از یک سو و شیوه دادرسی و تشکیلات قضایی، از سوی

دیگر، در درس تاریخ حقوق کیفری جالب است.

## ۱۰.۲ جرایم

آیا همه جرایم در طول عمر بیش از چهار هزار ساله حقوق کیفری همواره ثابت بوده‌اند؟ مطالعه تاریخی جرایم در حقوق کیفری این امکان را فراهم می‌کند تا تحولات اجتماعی، فرهنگی و باورهای جوامع بشری که حمایت از آن‌ها به عهده حقوق کیفری گذاشته شده است، بررسی شوند. مطالعات تاریخ حقوق کیفری این امکان را فراهم می‌سازد تا منشاء پیدایش برخی جرایم که امروزه نیز همچنان در قوانین پیش‌بینی شده است و تحولاتی که پیدا کرده‌اند، مطالعه شوند.

به عنوان مثال، در قانون نامه حمورابی انواع سرقت با توجه به موضوع سرقت یعنی سرقت محصولات کشاورزی، سرقت اموال معبد، سرقت حیوانات و... جرم انگاری شده است؛ اما، آیا امروزه موضوع و مال مورد سرقت همچنان همان موارد است؟ بی‌تردید، پاسخ منفی است. سرقت عبارت از ربودن مال غیر است که همچنان در قانون مجازات موضوعیت دارد؛ اما، اولاً، نحوه ارتکاب آن و ثانياً موضوع بزه سرقت یعنی اموال ربودنی متحول و افزایش یافته است، به طوری که امروزه سرقت‌های سایبری،<sup>۱</sup> سرقت‌های ادبی،<sup>۲</sup> سرقت‌های هنری، سرقت برق و... جرم انگاری شده است که این خود، بیان‌گر تحول ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و فنی و به طور کلی تمدن بشری در بستر تاریخ نیز است. بدین سان، مطالعات جرایم

۱. برای مطالعه بیشتر ر. رک به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی، دیباچه در: پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم، بهار ۱۳۹۵؛ ر. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره جرم‌شناسی سایبری «گفتگو»، مجله تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۳۶، شهریور ۱۳۸۸ ص ۷ و بعد؛ ویلیامز، ماتیو، بزه‌کاری مجازی: بزه، انحراف و مقررات گذاری بر خط، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و محبوبه منفرد، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱؛ جیشانکار، کی «ویراستار»، جرم‌شناسی فضای مجازی: کشف جرایم اینترنتی و رفتار مجرمانه، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴؛ ابوذری، مهرنوش، جرم‌شناسی جرایم سایبری، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵؛ عالی‌پور، حسن، حقوق کیفری فناوری اطلاعات، انتشارات خرسندي، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵؛ سالاری، مهدی، حقوق کیفری اختصاصی: سرقت تعزیری و رایانه‌ای «حاوی مباحث استدلالی، حقوقی و فقهی»، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۲. ر. رک: آلبیز، جی اس، سرقت و کلامبرداری مالکیت فکری، ترجمه و تحقیق: حمیدرضا دانش‌ناری و سید امین روح‌الامینی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳؛ استی، سانا، حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری (در ایران و بررسی تطبیقی آن با آمریکا و قراردادهای بین‌المللی)، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۶.

در نخستین مقررات کیفری این فرصت را فراهم می‌سازد تا سیر تحول ارزش‌ها، اعتقادها، باورها و درجه اهمیت آنها را از گذرنگاری‌ها و کیفرگذاری‌ها در حقوق کیفری بررسی کنیم؛ از گذرنگاری‌ها در مطالعات تاریخی جرایم، مصلحت و ارزش مورد حمایت در جرم‌انگاری و کیفرگذاری‌ها روشن می‌گردد، مانند آن که قانونگذار در بزه سرقت به دنبال حمایت از حق مالکیت و در بزه قتل در جهت پاسداری از حق حیات، به عنوان یکی از حق‌های ذاتی انسان، برآمده است. حال سؤال این است که آیا قانونگذار همچنان با وضع جرایم جدید به دنبال حمایت از افراد است یا نظم عمومی و امنیت حاکمیت؟ آیا به عنوان نمونه، جرم‌انگاری‌های سرقت امروزه همان معنا و مفهومی را دارد که در گذشته داشته است؟ سرقت در مقطعی از تاریخ حقوق کیفری شامل ربودن اموال همسه‌ریان، هم قبیله‌ای‌ها یا هم طایفه‌ای‌ها می‌شده است. بنابراین، ربودن اموال متعلق به بیگانه، یا ربودن اموال قبیله‌مجاور، سرقت محسوب نمی‌شده است، بلکه نوعی مهارت، لیاقت و دلیل بر شهامت مرتكب بوده و گاه در برخی جوامع، ارتکاب سرقت برای پسران و جوانان، نوعی آزمون برای ورود به جامعه و شرط کنشگر اجتماعی شدن و به عبارتی "مرد شدن" تلقی می‌شده است.

امروزه جرایم چندی، همان‌طور که گفتیم، وارد قلمرو حقوق کیفری شده‌اند که حاکی از تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بشر است. در گذشته قتل، با توجه به موقعیت و مقام بزه‌دیده، عنوان خاصی داشته است؛ مانند شاهکشی، پدرکشی، مادرکشی، فرزندکشی و... این وصف‌گذاری مستقل برای تأکید بر حمایت حقوق کیفری از آن بزه‌دیده خاص به لحاظ موقعیت اجتماعی و معنوی او بوده است؛ ولی، امروزه، این وصف‌گذاری کیفری منتفی است؛ صرف حق حیات یک ارزش مشترک بشری است و نه جایگاه اجتماعی و معنوی شخص. بنابراین، قانونگذار سلب حیات را با عنوان قتل، جرم‌انگاری و کیفرگذاری می‌کند. در مقابل، مطالعات تاریخی جرایم نشان می‌دهد که جادوگری همواره جرم بوده و کیفر مرگ داشته است، یعنی به رغم گذرنگ زمان و تحولات پیش گفته، این عمل از نظر اجتماعی - اعتقادی ناپسند تلقی می‌شده است. شایان ذکر است که در پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، «سحر و جادو» در کنار «بدعت»، به عنوان مصاديق جرایم حدی پیش‌بینی شده بود.

مطالعات تاریخی حقوق کیفری نشان می‌دهد که سِحر و جادو و ساحران و جادوگران به دو گونه سیاه و سفید تقسیم می‌شدند. جادوگری سفید برای خوشبختی و کامیابی دیگری صورت می‌گرفته است که این نوع ساحری معمولاً واجد وصف مجرمانه نبوده و آن را امری ایجابی و مثبت تلقی می‌کردند. ولی، زمانی که هدف سحر و جادو، بدبختی و نابودی دیگری بوده، جادوگری سیاه نام داشته که نوعاً کیفر سلب کنندهٔ حیات را در پی داشته است. آنچه مهم است، این که، چنین عملی در طول تاریخ از نظر عُرفی و مذهبی همواره موضوع جرم‌انگاری بوده است.

به این ترتیب، مطالعات تاریخی جرایم از یک سو، ثبات و استمرار بعضی جرایم مانند قتل را نمایان‌گر می‌کند و از سوی دیگر، نوع مصلحت و ارزش سیاسی، اقتصادی، دینی و... را که مورد حمایت حقوق کیفری است، مشخص می‌کند و سرانجام، نسبی بودن پاره‌ای جرایم را در طول تاریخ نشان می‌دهد.

## ۲.۰۲. ضمانت اجراءها

مفهوم مهم دیگر در حقوق کیفری، ضمانت اجراءای آن است. ضمانت اجرا در حقوق کیفری جنبهٔ قهرآمیز دارد، به طوری که موضوع آن، تنیه بدنی انسان، دارایی او، آزادی یا حیات و سایر حق‌های او است مانند کیفر سلب کنندهٔ حیات، کیفر سلب و محدود کنندهٔ آزادی، شلاق، کیفر مالی، سلب حق یا حقوق مدنی و سیاسی؛ شدیدترین و قهرآمیزترین ضمانت اجراءا، در حقوق کیفری پیش‌بینی می‌شود، به طوری که رشته‌های دیگر حقوق نیز به مناسبت، از ضمانت اجرای کیفری استفاده می‌کنند (مانند ترک نقهه در حقوق مدنی و ورشكستگی در حقوق بازرگانی).

به این ترتیب، ضمانت اجراءای کیفری یعنی امروزه مجازاتها و اقدامات تأمینی، وجه تشخّص حقوق کیفری نسبت به سایر رشته‌های حقوق است. حال سؤال این است که آیا مجازاتها در طول تاریخ حقوق کیفری متحول بوده یا ثابت؟ در حوزهٔ جرایم، همان طور که قبل‌اهم گفته شد، همواره تعدادی از بزه‌ها به عنوان هسته‌ای اصلی حقوق کیفری اختصاصی موضوعیت دارند. اعمالی چون قتل، ضرب و جرح و تجاوز جنسی از جمله بزه‌های کیفری هستند که همواره با خصیصهٔ مجرمانه پیوند و قرابت دارند، چنان‌که قانونگذار امروزی نیز نمی‌تواند این پدیده‌ها را از دایرهٔ جرم‌انگاری خارج سازد؛ زیرا، مالکیت، حیات و

تمامیت معنوی - اخلاقی انسان و انسانیت همواره محترم است و بحث جرم‌زدایی از آن‌ها متفقی است. در کنار این «جرائم تاریخی»، و به تعییر جرم‌شناسان، «جرائم طبیعی»، جرائم جدیدی، به لحاظ ظهور ارزش‌های جدید که گاه عنوان "جرائم قراردادی" یا به تعییر جرم‌شناسان "جرائم ساختگی" نام‌گذاری شده است، به حقوق کیفری اختصاصی اضافه شده است. بدین‌سان، در حوزه جرائم ثبات، استمرار و در عین حال نسبیت مطرح است.

اما در خصوص پایداری و ثبات کیفرها در تاریخ حقوق کیفری، باید گفت که، براساس مطالعات، کیفرها بیش از آن که موضوعیت داشته باشند، طریقت داشته‌اند، یعنی مجازات در طول تاریخ حقوق کیفری وجود داشته، اما گونه و میزان آن متغیر بوده است. بدین‌سان، مجازات‌ها همواره در حال تحول بودند، به طوری که امروزه - به عنوان مثال - به جای کیفر سلب کنندهٔ حیات که به موجب آمار عفو بین‌المللی<sup>۱</sup> در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵، تعداد یکصد و چهل کشور آن را قانوناً یا عملیاً از زرادخانه کیفری خود حذف کرده‌اند، جبس جایگزین شده است. طریقت داشتن مجازات‌ها به این معنا است که کیفر همواره لازم است، لکن نوع و میزان آن بسته به زمان و مکان متغیر است، چنان‌که کیفر سالب آزادی که در مقایسه با اعدام، جدید است، گاه به عنوان جایگزین کیفر مرگ و گاه به عنوان کیفر مستقل پیش‌بینی می‌شود. اعدام در مقررات بین‌النهرین باستان نیز وجود داشته، اما سلب آزادی به معنای کیفر، به طور خاص در زرادخانه کیفری باستان موضوعیت نداشته و عمده‌تاً از حدود دو سدۀ پیش به عنوان مجازات وارد حقوق کیفری شده است.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، کیفرهای اجتماعی مانند خدمات عمومی به عنوان جایگزین جبس موضوعیت یافته است؛ اما، سؤال این است که آیا خدمات عمومی (عام المنفعه) به عنوان جایگزین زندان، کیفر سدۀ بیست و یکم به شمار می‌آید یا این که در طول تاریخ شکلی از خدمات عمومی به عنوان ضمانت اجرای کیفری وجود داشته است؟ بدین‌سان، مطالعات تاریخی این امکان را فراهم می‌سازد تا به تبارشناصی کیفرها و به طور کلی، انواع آن‌ها، کارکردهای آن‌ها و... ضمانت اجراءات کیفری پردازیم.

مطالعات تاریخی حقوق کیفری نشان می‌دهد<sup>۱</sup> که خدمات عمومی یا کار به نفع جامعه در گذشته تحت عنوان بیگاری یا اعمال شاقه مطرح بوده است.<sup>۲</sup> به عنوان مثال، در برده‌هایی از تاریخ، تجارت دریایی، حفر معادن یا فتح و آباد کردن مستعمرات با نیروی بازوی محاکومان کیفری صورت می‌گرفته است؛ زیرا، عمدۀ پاروزنان کشتی‌های تجاری را مجرمان تشکیل می‌دادند. از نیروی بازوی مجرمان به سود جامعه و دولت بهره‌برداری اقتصادی می‌شده است، چنان‌که حفر کان‌ها و استخراج مواد کانی با استفاده از نیروی بازوی محاکومان انجام می‌شده است. کار رایگان "اجباری" به نفع جامعه و نهادهای عمومی به عنوان ضمانت اجرا مرسوم بوده است.

به این ترتیب، در بحث ضمانت اجراهای کیفری آن‌چه واجد اهمیت است، این که مجازاتها به چه نحو تغییر شکل داده‌اند، علت تغییر چه بوده است؟ آیا تناسب میان جرم و مجازات و انسانی بودن مجازاتها همواره رعایت می‌شده است؟ آیا مجازاتها، علاوه بر کار کرد سزاده‌ی، کار کردهای بازدارندگی و اصلاحی - درمانی بزهکار را نیز لحاظ می‌کرده است؟

امروزه اصل شخصی بودن مجازاتها در نظام عدالت کیفری موضوعیت پیدا کرده است. برپایه این اصل، شخصی که مرتكب جرم شده است باید خود متحمل مجازات گردد و نه دیگری؛ نکته مهم‌تر آن که، هدف از اجرای مجازاتها در گذشته عمدتاً سزاده‌ی بوده است؛ اما، سؤال این است که عذاب و رنج کیفری لزوماً جنبه جسمانی با اعمال و اجرای شلاق و قطع عضو داشته یا آن‌که در قالب ضمانت اجراهای ترمیمی یا جبران خسارت بزه‌دیده نیز نمود پیدا می‌کرده است؟ متهمن، به عنوان مثال محاکوم می‌شود به این که، به جای حبس و یا شلاق، به مدت دو ماه، خدمات عمومی رایگان به قرار ۲۰ ساعت در هفته در یک سازمان یا نهاد عمومی ارائه دهد. آیا این مجازات هم رنج و عذاب در پی دارد؟ در پاسخ باید بیان داشت که خدمات عمومی رایگان، در مقایسه با کیفر مرگ یا شلاق یا قطع عضو، آن رنج و فشار را برای

۱. برای مطالعه بیشتر رک به: سلیمانی، حسین، **مطالعه تاریخی - کیفرشناسی کیفرهای بدنی**، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مهرماه ۱۳۹۳.

۲. برای مطالعه بیشتر رک به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **کیفرهای جامعه‌دار دیباچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی**، انتشارات مجد، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.

مرتکب ندارد؛ ولی، از آنجایی که این ضمانت اجرا، به مرتکب تحمیل می‌شود، برای او محدودیت آور و بنابراین عذاب آور است؛ در اینجا نوع عذاب آوری و رنج دادن، بدین سان، تغییر ماهیت داده است.

از جمله مجازاتهای معمول حقوق کیفری تاریخی، به عنوان نمونه، این بوده که مرتکب قتل محکوم می‌شد با بیوہ مقتول ازدواج کند و در واقع خانواده مقتول را تا آخر عمر سرپرستی، تأمین و اداره کند.

این پاسخ، در ظاهر امر سزاده‌نده و رنج آور نیست؛ اما، در حقیقت یک تکلیف تحمیلی است؛ زیرا، قاتل مکلف می‌شد از خانواده‌ای که در اثر جرم قتل بی‌سرپرست شده تا پایان عمر، نگهداری کند. بنابراین، مجازاتهای از نظر شکل و محتوا و میزان رنج و فشار و محدودیت آشکال گوناگونی به خود گرفته است که مطالعات تاریخی ضمانت اجراهای این جنبه‌ها - به عنوان مثال، بدن مرتکب، آزادی مرتکب، دارایی مرتکب یا ترکیبی از آن‌ها و نیز میزان هریک و چگونگی اجرای هریک از آن‌ها - را آشکار می‌سازد.

## ۳.۲. مسئولیت کیفری

با مطالعه تاریخی برخی مقررات حقوقی باستان مانند مقررات یونان، مشاهده می‌شود که در سده هفتم پیش از میلاد، به ابتکار دراگن،<sup>۱</sup> سردار آتنی (یونان) که مقررات زیادی نیز وضع کرد، حیوانات یا اشیاء متهم یا مسبب قتل یا جرح انسان محاکمه می‌شدند؛ در مقاطعی از تاریخ حقوق کیفری، کودکان و نوجوانان و دیوانگان نیز دارای مسئولیت کیفری بودند؛ به عبارت دیگر، در کنار انسان‌های بالغ و عاقل، تابعان یا سوژه‌های حقوق کیفری محسوب می‌شدند. به این معنا که اگر شاخه درختی در اثر وزش باد بر فردی آسیب وارد می‌ساخت، آن شاخه را محاکمه و محکوم می‌کردند، چنان‌که حیوانات نیز به نوعی مسئولیت کیفری داشتند.

ناگفته پیدا است که امروزه این قبیل مسئولیت‌ها موضوعاً منتفی است. اما مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که اخیراً وارد حقوق کیفری ایران شده است در واقع موجب ورود اشخاص حقوقی به حقوق کیفری شده است که قصد و نیت نمی‌توانند داشته باشند و بنابراین قابلیت انتساب عمل مجرمانه به چنین اشخاصی از نظر ارکان سنتی مسئولیت کیفری قابل تصور نیست؛ ولی اغلب قانونگذاران این مقوله را به

لحوظ حضور و شرکت گسترده این اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و زندگی امروزی، به طور قراردادی پذیرفته‌اند. حقوق کیفری به موازات پذیرش این نهاد جدید، ناگزیر کیفرهای خاص اشخاص حقوقی را نیز پیش بینی و تعریف کرد که از یک سو، تحولات مسئولیت کیفری و از سوی دیگر، تحولات مجازاتها و تولد کیفرشناسی اشخاص حقوقی را نشان می‌دهد. نکته مهم دیگر در مطالعه تاریخی این که آیا شخصی / فردی بودن مسئولیت کیفری در مقررات کیفری، همواره پیش‌بینی و رعایت می‌شده است؟

## ۴.۲ آین دادرسی کیفری

مطالعات آین دادرسی کیفری، تشریفات دادرسی، سازمان و تشکیلات قضایی در تاریخ، نسبت به حقوق کیفری ماهوی روی هم رفته کمتر انجام شده است.<sup>۱</sup> به گواهی تاریخ، تشریفات دادرسی پیچیده نبود و ادله اثبات جرم همیشه عقلانی نبودند، بلکه سده‌ها در کنار ادله اصطلاحاً عقلانی یعنی اقرار، گواهی و سوگند، از دلیل دیگری با عنوان اورDALی یا اورDALی یا به تعبیر فارسی آزمایش/یزدی استفاده می‌شده است.

امروزه در ادله کیفری، شاکی و به تعبیر فنی بزه‌دیده و دادستان باید براساس مدارک، شواهد و ادله مجرمیت متهم را اثبات کند؛ ولی، در اورDALی، فرد متهم شده، عموماً خود باید با شرکت در یک آزمون روی هم رفته سخت، بی‌گناهی خود را به منصه ظهور بگذارد. به عبارت دیگر، بار اثبات دلیل از دوش بزه‌دیده (شاکی) بر عهده خود متهم گذاشته می‌شود، مانند عبور از حلقة آتش یا نوشیدن آب جوش یا غوطه‌ور کردن دست در سطل یا تشت آب جوش و برداشتن سکه از کف آن و... .

عده‌ای از تاریخ‌دانان حقوق کیفری بر این عقیده‌اند که، به رغم روش بودن نتیجه چنین آزمون‌ها یا مسابقاتی، این آزمایش تابع نوعی عقلانیت بوده است. هدف در واقع آن بوده است که فرد متهم شده، با تعیین نوع اورDALی یا آزمایش توسط دادگاه و نیز شدت و سختی آن آزمون، خود به ارتکاب عمل خود

۱. رک: لنگی، آندره و لوییگر، آرت، *تاریخ آین دادرسی جنایی*، ترجمه و تألیف: محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵؛ آشوری، محمد، *آین دادرسی کیفری*، انتشارات سمت، تهران، جلد اول، چاپ نوزدهم، ویراست پنجم، ۱۳۹۵.

قبل از شرکت در آزمون و اجرای اورDALی، اقرار نماید. در واقع، تهدید اورDALی، خود، متهم را وادر می کرده است که واقعیت را بگوید. عقیده دیگر درباره اورDALی آن بود که وقتی قاضی، با فقدان ادله عقلانی مانند اقرار، سوگند و گواهی روپرتو بوده، ولی خود با راههای مختلف علم حاصل می کرده است که فرد متهم، مجرم است یا مجرم نیست، برای مستند کردن حکم خود، به آن نوع اورDALی متول می شده که نتیجه آن، همانا شکست یا پیروزی متهم در آزمون بوده و در نتیجه، برائت یا مجرمیت او ثابت می شده است؛ از این رو، نوع اورDALی، زمان و مکان اجرای آن تابع نظر قاضی و نوع حکمی بود که می خواسته صادر کند (برائت، مجرمیت - محکومیت کیفری).

بررسی نوع سوگند، شیوه ایان سوگند، انواع شهادت، چگونگی ادای شهادت، تعداد شاهدان، اقرار و انواع آن و نحوه اقرار نیز در مطالعات تاریخ آین دادرسی کیفری مهم است. ناگفته پیدا است که مطالعه تشکیلات قضایی، شرایط قضاوت و پلیس هم، در تاریخ حقوق کیفری موضوعیت دارد. بدینسان، مطالعات تاریخ حقوق کیفری می تواند منشاء نهادهای حقوق کیفری، کارکردهای حقوقی - اجتماعی آنها و همزمان ثبات، استمرار و یا تحول آنها را برای ما روشن کند و همچنین، اجازه می دهد در صورت وجود ابهام در نهادهای حقوق کیفری امروزی با مطالعات تاریخی و منشاء تاریخی آنها از نظر زمان و مکان، گونه و چگونگی اجرا و... ابهام را رفع نماییم.

### فصل سوم: خاستگاه کنترل اجتماعی جرم

اصولاً سؤال این است که منشاء و چگونگی کنترل جرم در طول تاریخ حقوق کیفری چگونه بوده است؟ تحولات چگونگی کنترل جرم یا مقابله با بزهکاری چیست؟ چگونه بشر اجتماعی در آغاز، آعمال خلاف عرف و مقررات اجتماعی را مجازات کرده؟ اهمیت این سؤال از آن جهت است که در همه جوامع همواره در صدی از اعضاء با ارتکاب جرم، خلاف مقررات و لوازم همیستی مشترک عمل می کنند. زمانی که جامعه دچار بحران های اجتماعی و اقتصادی شود، بر تعداد چنین اعضا ای افزوده می شود. حال باید دید تحولات حقوق کیفری از نظر تاریخی در برخورد با این اعضاء چگونه بوده است؟

## ۱.۳ انتقام‌گیری خصوصی

اولین مرحله مقابله با جرم یا کنترل جرم معمولاً و عموماً، انتقام‌گیری خصوصی است. انتقام بزه‌دیده باید از بزهکار ستانده شود؛ ولی، این انتقام‌گیری اصول‌مند و ضابطه‌مند نبوده است. چه بسا به عنوان انتقام‌گیری از بزهکار، اقدام‌هایی فراتر از جرم ارتکابی نسبت به او صورت می‌پذیرفت و آثاری فراتر از پیامدهای جرم ارتکابی مرتكب ایجاد می‌کرد. چنانچه بزه‌دیده خود قادر به انتقام‌جویی از بزهکار نبود و یا به قتل رسیده بود، بستگان او، به عنوان یک تکلیف قبیله‌ای و خانوادگی، باید این کار را می‌کردند؛ جامعه محلی که عبارت از خویشان و اولیاء بزه‌دیده بودند، تکلیف داشتند تا جرم ارتکابی را بدون پاسخ نگذارند.

بنابراین، در دوره انتقام‌جویی از بزهکار، بحث تناسب میان جرم ارتکابی و انتقام‌جویی (پاسخ‌دهی) اغلب اوقات رعایت نمی‌شده و گاه این پاسخ‌دهی انتقام‌جویانه به جرم توسط بزه‌دیده، منجر به کارزار میان دو طایفه، قبیله یا دو خانواده می‌شد که خود، انتقام‌جویی متقابل را بر می‌انگیخته است. به دیگر سخن، انتقام‌جویی از یک جرم توسط بزه‌دیده یا قبیله او به انتقام‌جویی متقابل توسط بزهکار یا طایفه، قبیله یا خانواده او می‌انجامیده و بدین سان دوربی وقفعه خشونت پدیدار می‌گشته، چنان که گاه نابودی دو خانواده یا طایفه و قبیله را سبب می‌شده است.

هر انتقام‌جویی، کینه و مطالبات جدیدی را پدیدار می‌ساخت که در پرتو این تسلسل انتقام‌جویی در جوامع انسانی و استمرار آن، گاه اضمحلال جوامع و جنگ‌های داخلی، نتیجه آن بود. در این کارزار انتقام‌جویانه میان قبایل، عده‌ای با داعیه حمایت از بزه‌دیده و دسته‌ای با هدف پشتیبانی از بزهکار بقاء جامعه را تهدید می‌کردند. البته بعضی انسان‌شناسان حقوقی عقیده دارند که در انتقام‌جویی نیز اصولی به طور ضمنی (نانوشه) رعایت می‌شده است. به عنوان مثال، نوع رابطه میان بزهکار و بزه‌دیده - رابطه نسبی، خویشی - در انتقام‌جویی یا عدم انتقام‌جویی نقش داشته است.<sup>۱</sup>

۱. رولان، نوربر، انتقام‌جویی، کیفر و تکامل؛ رویکرد انسان‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و حسین بادامچی، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.

## ۲.۳. مراحل مهار تدویریجی انتقام خصوصی

در تحولات بعدی کنترل اجتماعی جرم<sup>۱</sup>، تعدیل انتقام جویی مطرح می‌شود. کیفیت انتقام جویی و سازوکار اجرای آن باید به گونه‌ای می‌شد که در حدود و چهارچوب جرم ارتکابی و متناسب با آن صورت می‌گرفت، به طوری که افراد دیگر را تحریک نکند و منجر به یک کارزار بین خانوادگی و طایفه‌ای نشود. به عبارت دیگر، باید تدبیری اندیشیده می‌شد که انتقام جویی هدایت شود و خشونتی که بنا است بر مجرم، به عنوان پاسخ به جرم، وارد شود، ساماندهی و متوازن با بزه ارتکابی باشد.

- نخستین تدبیری که برای تعدیل انتقام جویی، به عنوان پاسخ به بزه، اندیشیده شد، این بود که جامعه برای بزه دیدگان مهلتی تعیین کرد که فقط طی آن مهلت مقرر، امکان پاسخ‌دهی انتقام جویانه نسبت به مرتكب بزه وجود داشته باشد. از این رو، پس از انقضای مدت مقرر، بزه دیده یا خانواده او فرصت و حق انتقام جویی را از دست می‌دهند؛ بدین صورت است که به نوعی، نهاد مرور زمان ظهور می‌کند و نخستین جلوه هدایت و تعدیل انتقام جویی که منتهی به کاستن از میزان خشونت‌ها می‌شود، شکل می‌گیرد.

به این ترتیب، اگر بزه دیده یا اولیاء او در فرصت تعیین شده، نسبت به پاسخگویی به بزه ارتکابی اقدام نکنند، انتقام جویی، دیگر منتفی است و چنانچه به این اقدام مبادرت ورزند، در واقع، مرتكب رفتار مجرمانه شده‌اند. بنابراین، مرور زمان یعنی حق مجرم بر فراموش شدن و حق جامعه بر فراموش کردن جرم، با گذر زمان موجب زدودن تسلسل خشونت و خشونت متقابل می‌شود. مرتكب حق دارد که پس از گذشت مدتی فراموش شود، بتواند دوباره در جامعه زیست و کار کند و گذشته مجرمانه او فراموش شود.

- اما گام دوم برای مهار خشونت و کارزار ناشی از اجرای حق انتقام جویی میان اولیاء بزه دیده و بزه‌کار و خانواده او، این بود که برای بعضی جرائم، بزه‌کار مکلف شود که به بزه دیده مال یا پول مسترد و تأثید نماید که نوعی دیه بود. بنابراین، می‌توان گفت که رد مال یا پول به بزه دیده جای انتقام جویی را

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص کنترل اجتماعی جرم ر.ک به: نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، سیاست جنایی «سیاست کیفری عمل گرا - عوام گرا»، تقریرات درس سیاست جنایی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهیه و تنظیم: زینب باقری نژاد، سال تحصیلی ۹۰ - ۱۳۸۹ در: ابراهیمی، شهرام «به کوشش»، مباحثی در علوم جنایی - مجموعه تقریرات استاد علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست هفتم، آذرماه ۱۳۹۱، قابل دسترس در:

می گرفته است که جلوه‌ای دیگر از مهار خشونت انتقام‌جویانه به شمار می‌آید؛ زیرا، تکلیف ردّ مال به بزه‌دیده توسط بزه‌کار باعث می‌شود که رابطه خشونت آمیز ناشی از ارتکاب جرم به رابطه مبادله و تبادل تبدیل شود؛ زیرا، بزه‌دیده یا اولیاء یا خانواده او با بزه‌کار یا خانواده او در مواردی می‌توانستند بر سر نوع مال، میزان یا مبلغ پول گفتگو کنند. (به نوعی، عدالت ترمیمی)

- در گام بعدی، جوامع برای پیشگیری از ورود مشکلات در فرآیند توافق بین بزه‌دیده و بزه‌کار درباره مبلغ یا میزان یا نوع شیء یا مال یا پول، نوع و مقدار آن‌ها را از پیش تعیین می‌کردند (مقدّر)، به گونه‌ای که طرفین جرم باید از مقررات مربوط پیروی کنند. ولی در جرایمی که تمامی جامعه جریحه‌دار گشته و آسیب می‌بیند و بزه‌دیده جرم، به عبارتی نظم عمومی و جامعه است مانند توهین به مقدسات، خیانت به کشور و توهین به مقام سلطنت، ضمانت اجرای عمومی که همان‌کفر باشد برای دفاع از جامعه و حاکمیت، پیش‌بینی و اعمال می‌شده است. بدین‌سان، در این مرحله است که مجازات در معنای عمومی آن مطرح می‌شود.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همه جرایم، مجازات به معنای حقوقی واژه ندارند، لیکن دارای ضمانت اجرا هستند؛ ولی، این ضمانت اجرا لزوماً مجازات نیست. به عنوان مثال، در قتل عمد قانونگذار ضمانت اجرایی به نام قصاص نفس پیش‌بینی کرده است. قصاص نفس مجازات نیست، زیرا، قصاص نفس، پاسخ اولیاء دم - که جزء جامعه مدنی هستند - به قاتل است (البته با مداخله و نظارت دستگاه قضایی) و نه پاسخ جامعه و حاکمیت. در حالی که، به عنوان مثال، برای توهین به مقدسات دینی یا تجاوز جنسی یا کلاهبرداری، انواع مجازات پیش‌بینی شده است که به نام جامعه و برای حفظ نظم عمومی اعمال می‌شود. در جرم قتل، چنانچه اولیاء دم از پاسخ خود به مرتکب منصرف شوند، ضمانت اجرای قتل یعنی قصاص ساقط می‌شود.<sup>۱</sup> اما در جرایمی که بزه‌دیده آن جامعه، اخلاقیات، باورهای اجتماعی و اعتبار

۱. البته قانونگذار در این موارد، مطابق برخی مواد مانند ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات) مقرر کرده است: وقتی که قصاص نفس ساقط شود، به قاضی اجازه داده تا مرتکب را به سه الی ده سال حبس محکوم کند که خود یک مجازات عمومی است.

بین‌المللی یا امنیت<sup>۱</sup> کشور است، مجازات عمومی معنا پیدا می‌کند.

پاسخ اوایله دم به قتل یا ضرب و جرح ← از گونه جامعوی، در قالب قصاص یا دیه است.

و

پاسخ جامعه به جرم ← از نوع دولتی، در قالب کیفرهای سلب حیات، سلب آزادی، جریمه و... است.

مجازات ضمانت اجرایی است که به نام جامعه و برای جامعه علیه بزهکار اعمال می‌شود. چنان‌که بزه‌دیده و شاکی از آثار آن مستقیماً بهره‌ای نمی‌برد، مانند کیفر سالب آزادی. بنابراین در این معنا دیه، دیگر مجازات نیست، لیکن جریمه یک کیفر است (کیفر نقدی).

- شیوه تعقیب مرتكبان آن دسته از جرایمی که بزه‌دیده آن‌ها اشخاص حقیقی بودند، به اختیار و ابتکار بزه‌دیده / شاکی بوده، به این معنا که با متهم کردن شخصی، خود باید دلایل مجرمیت او را ارائه می‌کرد که روش اتهامی نام‌گرفت.

- آن دسته از جرایمی که بزه‌دیده آن جامعه، باورها، اعتقادات و اخلاقیات مردم به عنوان یک کل بوده یعنی جنبه عمومی داشته با نظام تفتیشی، تعقیب و محاکمه شده است.

تاریخ دانان حقوق، روش اتهامی را به دولل یا کارزار قضایی تشبیه کرده‌اند، به این معنا که اتهام‌زننده (شاکی) و فرد متهم شده دلایلی که خود و علیه یکدیگر در برابر مقام قضایی مطرح می‌کنند. قاضی و هیأت منصفه اظهارات طرفین را استماع می‌نمایند و سپس به صدور حکم مبادرت می‌ورزند. چنان‌که دادگاه‌های متشكل از هیأت منصفه در عصر نوین نیز بر این اساس رسیدگی می‌کنند: از یک سو، شاکی و دادستان ادعاهای اتهامات را مطرح می‌کنند و از سوی دیگر، متهم دفاعیات خود را بیان می‌کند و در نهایت هیأت منصفه، مجرمیت یا برائت را اعلام می‌کند و دادگاه (قاضی) تصمیم کیفری می‌گیرد

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص تأمین امنیت رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از حق بر تأمین تا حق بر امنیت، دیباچه در: رضوانی، سودابه، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۰ و بعد.

(کیفرگزینی - کیفردهی).

با گذرازمان، روش مختلط دادرسی پدیدار گشت، مرحله تحقیق و تعقیب از مرحله دادگاه، رسیدگی ماهوی یعنی قضاوت، تفکیک شد و با ایجاد دادسرای روش تفتیشی در مرحله تحقیقات به کار گرفته شد.

## فصل چهارم: مقررات کیفری قانون نامه حمورابی

قانون یا قانون نامه حمورابی مشتمل بر ۲۸۲ ماده<sup>۱</sup> است که بدون تفکیک موضوعی مقررات از یکدیگر در کنار هم آورده شده است. در این قانون، علاوه بر موارد خاص کیفری، تعدادی از مواد مربوط به مقررات مدنی، بازرگانی، کشاورزی و... است.<sup>۲</sup> بنابراین، قانون حمورابی صرفاً کیفری نیست، بلکه تنها حدود یک سوم مواد آن واجد خصیصه کیفری است که در میان سایر مواد و بدون نظم خاصی از منظر ماهیّت، توزیع و انشاء شده است.

به تعبیر پاره‌ای تاریخ دانان حقوق، ۲۸۲ ماده قانون حمورابی شامل احکامی می‌شود که حمورابی در مقام رسیدگی به دعاوی، با رعایت عدالت و در اجرای مأموریتی که خداوند آفتاب به وی، به عنوان پادشاه، سپرده بود، صادر کرده است. عده‌ای دیگر معتقدند که این موارد در واقع، مکتوب گُرف شبه قضایی حاکم در زمان قوم آموریت که حمورابی پادشاه آن بوده است، می‌باشد و عیناً توسط کاتبان دربار حمورابی ثبت شده است؛ سرانجام، برخی تاریخ دانان حقوق اعتقاد دارند که قانون نامه حمورابی اعتبار حقوقی نداشته، بلکه بیشتر ارزش ادبی دارد، یعنی کاتبان دربار گُرف و آداب و رسوم قضایی جاری میان مردم یعنی فرهنگ شبه قضایی را با نشر زیبا مکتوب می‌کردند و با کاتبان دربارهای دیگر به نوعی مسابقه ادبی می‌دادند. به هر حال مقررات قانون نامه حمورابی، فرهنگ حقوقی - قضایی عصر خود را معرفی می‌کند.

قانون نامه حمورابی، یک مقدمه، متن اصلی یعنی ۲۸۲ ماده قانونی و یک مؤخره دارد. در مقدمه این

۱. گفتنی است که متن مواد یا بندهای ۶۶ تا ۹۹ مخدوش و پاک شده است.

۲. به عنوان مثال در ماده ۴۵ قانون نامه حمورابی آمده است که: اگر کسی مزرعه‌اش را به یک کشاورز اجاره دهد، و اجاره مزرعه‌اش را دریافت کند، و سپس ادد (خداوند طوفان) مزرعه را نابود کند یا سیلابی محصول را ( بشوید و ) ببرد، خسارت به عهده کشاورز است.

قانون، خداوند آفتاب یا منبع الهام مقررات، حمورابی و قوم آموریت را به اجرا و تبعیت از مقررات این قانون دعوت می کند و اعلام می دارد که صلاح، رستگاری و خوشبختی آن قوم در گرو رعایت این مقررات است. بخشی از مقررات جنبه ارشادی، اخباری و اخلاقی دارد، یعنی ضمانت اجرا ندارد. در این قانون، علاوه بر مقررات ماهوی تعدادی از مواد جنبه شکلی یعنی آیین دادرسی و به مراجع رسیدگی اختصاص دارد.

قانون حمورابی بر ستوانی سنگی نقش بسته بود که باستان شناسان فرانسوی در اوخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل قرن بیستم - اوخر سالهای ۱۸۰۰ و اوایل سالهای ۱۹۰۰ میلادی - در شوش، جنوب غربی ایران، از دل خاک استخراج کردند. تا پیش از کشف و ترجمه متن این قانون نامه، مورخین حقوق، به ویژه تاریخ دانان غربی، تولد تمدن حقوقی را در یونان و روم باستان، یعنی خاور، اعلام می کردند؛ زیرا، همان گونه که در جلسات قبل هم گفته شد، از وجود این قانون نامه و لوح های دیگری که به تدریج تا اواسط سده بیستم در منطقه بین النهرین کشف و ترجمه شد اطلاعی نداشتند.

الواح حاوی مقررات در خاور (شرق) باستان یعنی در عراق، جنوب ترکیه و غرب و جنوب غربی ایران جملگی - همان طور که در جلسات قبل هم اشاره شد - در نیمه نخست قرن بیستم، با تلاش باستان شناسان فرانسوی، آلمانی و تما میزانی ترک شناسایی شدند. لوح سنگی حاوی مقررات حمورابی بیش از ۲/۵ متر طول و ۱/۵ متر عرض دارد و اصل این سنگ نوشته هم اکنون در موزه لوور پاریس و بدائل آن در موزه ملی ایران باستان به نمایش گذاشته شده است.

حمورابی چهل و دو سال سلطنت کرد و این قانون در بیست و دو سال آخر سلطنت او به تدریج تنظیم شده است. قانون نامه (Code) یا قانون حمورابی در میان قانون نامه های باستانی از جمله مفصل ترین آن ها است و منبع الهام و اقتباس قانون نامه های دیگر در بین النهرین محسوب می شود. (قانون نامه هیتی ها که به نوبه خود نیز قانون مفصلی به شمار می آید از ۲۰۰ ماده یا بند تشکیل شده است). در بالای لوح سنگی ای که مقررات حمورابی بر آن نقش بسته شده، تصویر موجودی مشاهده می شود - ظاهراً خداوند آفتاب - که در حال اعطاء یک لوح به شخصی زانو زده است که ظاهراً حمورابی است.

قوم عاموریت یا آموریت، قومی که تحت حکومت حمورابی زندگی می‌کردند، جامعه‌ای طبقاتی را تشکیل می‌دادند و بر حسب این که افراد به کدام طبقه تعلق داشتند از حقوق متفاوتی برخوردار بودند. مانند طبقه بردگان، که در گذشته انسان به شمار نمی‌آمدند، بلکه به اندازه یک مال ارزش داشتند و جزء میراث مالی متوفی به شمار می‌آمدند. از این‌رو، از منظر حقوقی بردگان شبیه انسان بوده و نه خود انسان و از حقوق انسانی برخوردار نبود.

بدین سان، در مقررات قانون نامه حمورابی، هرگاه مرتكب یا بزه‌دیده، بردگان، غلام یا کنیز بود از حقوق متفاوتی نسبت به اعضاء طبقات دیگر جامعه برخوردار بود. به این ترتیب، بردگان یا کنیزان جزء اموال مولای خود محسوب می‌شدند و در صورتی که برده‌ای یکی از برده‌های شخص دیگری را به قتل می‌رساند، صاحب برده قاتل باید یک برده به صاحب برده مقتول مسترد می‌کرد. بدین سان، اصل تساوی در برابر قوانین کیفری - مجازات - رعایت نمی‌شده است. باید اشاره کرد که فرزندان بردگان اعمّ از کنیز و غلام نیز برده زاده می‌شدند. بنابراین، بردگی ارثی بوده و تحت شرایطی، به عنوان یک امتیاز یا پاداش، گاه از طبقه بردگان خارج و آزاد می‌شده و به فردی آزاد تبدیل می‌شده است و به طبقه مسکینو و اشراف - که دو طبقه دیگر در جامعه حمورابی بودند - راه می‌یافتد و دارای امتیاز و اعتبار آن دو طبقه می‌شد.

یک طبقه در جامعه حمورابی، طبقه عاملو (املو) یا به تعبیر امروزی طبقه اشراف شامل روحانیون، درباریان یا صاحبان ثروت، مکنت و مال یا نظامی‌ها بوده که از حقوق ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. چنانچه فردی در این طبقه بزه‌دیده یا مرتكب بزه واقع می‌شد، اگر میان بزه‌دیده و مرتكب برابری در طبقه وجود داشت، حکم یکسان بوده، اما اگر یک برده، مال متعلق به طبقه عاملو را به سرقت می‌برد، مجازات شدیدتری برای او لحاظ می‌شد. طبقه دیگر، مسکینو بوده، بین طبقه بردگان و طبقه اشراف.<sup>۱</sup>

اکنون لازم است بررسی کنیم که آیا اصول حقوق کیفری امروزی در قانون نامه حمورابی مطرح بوده است؟ ناگفته پیدا است - همان طور که پیشتر هم ذکر شد - برای سهولت در آموزش، مقررات کیفری

۱. رک: آشوری، محمد، *عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی*، در: *عدالت کیفری - مجموعه مقاله‌ها*، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص به بعد؛ همچنین رک: بادامچی، حسین «متترجم»، *قانون حمورابی*، انتشارات نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.

باستانی را در پرتو این اصول کیفری امروزی مطالعه می‌کنیم، این اصول در مقررات کیفری باستان موضوعیت نداشته است.

## ۱۰. تساوی در بواب مجازاتها

در مواد ۲۰۹ تا ۲۱۴ قانون حمورابی بیان شده بود که هرگاه شخصی مرتكب ضرب و جرح زن بارداری شود و آن زن جزء طبقه آزاد یا اشراف بوده و جنین او سقط شود مرتكب باید ده - شیکل «شیقل» نقره به ولی‌دم بپردازد و چنانچه این ضرب و جرح موجب مرگ زن شود، مجازات مرگ برای او لحاظ می‌شود. حال اگر زن باردار، کنیز باشد و این صور حادث شود، چنانچه مرتكب، فردی آزاد باشد باید دو شیکل «شیقل» نقره بپردازد و اگر کنیز فوت کند، مرتكب باید ثلث نقره را تأديه نماید. بدین سان، مجازات مرتكب، اعدام نخواهد بود. ماده ۲۱۸ قانون حمورابی مقرر می‌دارد: اگر پزشکی با چاقوی برنزی شقیقه یک اویلوم را روی یک اویلوم انجام دهد و باعث فوت آن اویلوم شود، یا با چاقوی برنزی صاحب یک اویلوم را بشکافد و باعث کوری چشم آن اویلوم شود، آنها (قضات) دست او را قطع می‌کنند. براساس این ماده عضوی از اعضاء بدن مرتكب که مقصّر است، یعنی دستی که باعث نابینایی شده، مجازات می‌شود. حال اگر پزشک برده‌ای را معالجه کند و برده فوت نماید، مسترد کردن یک برده به صاحب یا مولای آن برده، مجازات پزشک است؛ زیرا، برده مالیت داشته و بنابراین به جای قطع انگشتان پزشک، باید برده مسترد کند.

در قانون نامه حمورابی نوع مجازاتها، عمدتاً علیه بدن مرتكب بوده است، مجازات‌های سال آزادی وجود نداشته و به ندرت جبران خسارت مطرح است. مجازات‌ها نیز ثابت بودند. حال آن‌که در حقوق کیفری مدرن، مجازات‌ها برای یک جرم - همان‌طور که در جلسات اول کلاس گفته شد - متنوع و دارای بیشینه و کمینه است. قانونگذار کیفرگذاری را برعهده دارد و کیفردهی یا کیفرگزینی برپایه مجازات‌های تعیین شده در قانون در اختیار قاضی است. مقابله به مثل، نوعی قصاص، در مقررات حمورابی پیش‌بینی شده است. به عنوان نمونه ماده ۲۰۰ قانون حمورابی مقرر کرده است که: اگر یک اویلوم دندان ایلومی دیگر را که هم‌مرتبه او است بشکند، آنها (قضات) دندان او را خواهند شکست. یعنی به نوعی مقابله مثل

انجام می‌شود.

## ۲۰۴. شخصی بودن مجازاتها

در حقوق کیفری امروزی - همان طور که قبل‌اً هم گفته شد - دو موضوع مهم تحت عنوان‌های اصل شخصی بودن مجازاتها و اصل شخصی کردن مجازاتها وجود دارد. فردی یا شخصی کردن مجازات، یعنی تعیین و صدور "مجازات مناسب‌تر به حال متهم". به عنوان مثال، چند متهم به علت اتهام مشابهی محاکمه می‌شوند. قاضی می‌تواند در مرحله تعیین مجازات، برای یک متهم جریمه، دیگری، حبس و متهم دیگر تبعید و برای آخری تعویق صدور حکم صادر کند. این اقدام قاضی، با توجه به جهات تخفیف و اوضاع و احوال جرم و ویژگی‌های مرتکب و گاه بزه‌دیده صورت می‌گیرد؛ ولی، به موجب اصل شخصی بودن کیفر، مرتکب جرم، خود باید رنج و عذاب مجازات را متحمل شود. از این رو، در حقوق ایران و در اوایل انقلاب، نهاد عاقله بحث‌های زیادی را در حوزه اصل شخصی بودن مجازاتها برانگیخت.<sup>۱</sup>

به این ترتیب، اصل شخصی بودن مجازاتها و نیز اصل شخصی کردن کیفرها از دستاوردهای حقوق کیفری مدرن است که از منظرهای مختلف مانند حقوق بشر و جرم‌شناسی قابل بررسی است. ولی باید افزود، زمانی که بزهکار مجازات می‌شود، پیامدهای جانبی و غیرمستقیم برای خانواده و افراد تحت تکفل او، امری اجتناب‌ناپذیر است.

در قانون حمورابی در چند مورد اصل شخصی بودن نقض شده است، مانند موردی که به موجب ماده

۱. در این خصوص رک: زمانی فرد، مهرداد، استثنایات وارد بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، مجله پژوهش‌های علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۲۰، مرداد ۱۳۹۲؛ رک: حیدری، عباسعلی، نگاهی به مسئولیت عاقله در پرداخت دیه، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۸۴؛ حیدری، عباسعلی، نگاهی به مسئولیت عاقله در پرداخت دیه، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۸۴؛ احمدی، ذکر الله، نهاد عاقله در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱؛ حسین‌جانی، بهمن و مظاہری تهرانی، مسعود، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹؛ جباری، مصطفی، ضمان عاقله، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.

۱۲۳۰ چنانچه معماری خانه‌ای را بنا کند و آن خانه فرو بزید، اگر فرزند صاحب خانه زیر آوار کشته شود، فرزند معمار به قتل می‌رسد و اگر مالک در اثر ریزش کشته می‌شد، شخص معمار کشته می‌شود یا در ماده ۱۱۶ این قانون نامه آمده است که: اگر گروگان در خانه گروگان گیرنده، در اثر ضرب و جرح یا سوء استفاده جسمانی فوت کند، ولی گروگان این امر را علیه تاجریش (منظور طلب کار) ثابت خواهد کرد، اگر قربانی پسر شخص بود، آن‌ها پسروی را می‌کشند؛ اگر برده شخصی بود، ۲۰ شیقل تقره خواهد پرداخت. در این ماده رفتار حقوقی متفاوت برپایه تعلق طبقاتی افراد را نیز شاهد هستیم.<sup>۲</sup>

### ۳.۴. قانونمندی

در تحولات جدید، اصل قانونمندی نه تنها در حوزه حقوق کیفری ماهوی، بلکه در حقوق کیفری شکلی یعنی آین دادرسی کیفری نیز مورد توجه قانونگذاران واقع می‌شود. چنان‌که در ماده ۲ قانون آین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ براین اصل تأکید شده است: دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوا را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.<sup>۳</sup> در این ماده، در واقع، دو اصل قانونمندی و تساوی بیان شده است. فرآیند کیفری و تأسیس و کار مراجع و تشکیلات قضایی باید مبنی بر قانون باشد تا اقدام‌های قضایی - شبه قضایی خودسرانه انجام نشود یا به موجب آین نامه و بخشنامه، مرجع قضایی ایجاد نگردد.

این قاعده به صراحت در مقررات حمورابی پیش‌بینی نشده و ماده‌ای به طور مستقیم و غیرمستقیم به

۱. به دلیل این که مواد ۲۲۹ و ۲۳۱ باید به همراه یکدیگر ذکر شوند، از این‌رو، هر سه ماده تبیین می‌شود. ماده ۲۲۹ قانون حمورابی: اگر معمار برای کسی خانه‌ای بسازد اما کارش را خوب انجام ندهد، (پس) خانه‌ای که ساخته است فرو بزید و باعث مرگ صاحب خانه شود، آن معمار کشته خواهد شد.

۲۳۰ قانون حمورابی: اگر باعث مرگ پسر صاحب خانه شود، آن‌ها پسر معمار را خواهند کشت. ماده ۲۳۱ قانون حمورابی: اگر باعث مرگ برده صاحب خانه شود، برده‌ای مشابه آن برده به صاحب خانه خواهد داد.

۲. همچنین رک: مواد ۲۰۹ و ۲۱۰.

۳. برای اطلاعات بیشتر رک: موسوی، سید پوریا، مبانی و آثار حقوقی - جرم‌شناختی اصل قانونی بودن دادرسی کیفری؛ موضوع ماده ۲ قانون آین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه مفید، زمستان ۱۳۹۵.

اصل قانونمندی جرم و مجازات و مراجع قضایی اختصاص داده نشده است. در واقع، بخشی از مقررات قانون نامه حمورابی به احصاء جرایم و مجازاتها (حقوق کیفری اختصاص) مربوط می‌شود (حدود یک سوم)، در نهایت این که ممکن است قانون نامه موجود - همان طور که قبلًا هم گفته شد - مکتوب آداب و رسوم و گرفتاری جاری بین مردم یا شامل احکامی است که حمورابی به مناسبت رسیدگی به دعاوی و اختلاف‌های کیفری و حقوقی صادر کرده و اعتبار قانون به خود گرفته است.

#### ۴.۰۴. مجازاتها در قانون نامه حمورابی

در قانون حمورابی، همان گونه که بارها اشاره شد، کیفرها عمدتاً بدنی است. در اعمال مجازات‌ها بر مرتکب جرم، بدن وی و عضو مقصّر بدن وی - به عنوان مثال دست یا چشم - و نه شخص انسان مجازات می‌شد که کیفرهای بدنی از جمله شامل آشکال مختلف کیفر مرگ شده است. در کنار اعدام یا کیفر مرگ ساده، کیفرهای مرگ اصطلاحاً مشتملند، یعنی همراه با رنج و عذاب، چون غرق کردن و سوزاندن و... موضوعیت داشت. به طور کلی، تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که مجازات‌های بدنی که در رأس آن‌ها، کیفر مرگ قرار دارد، سده‌ها اعمال شده است؛ اما، در کنار کیفر مرگ ساده، آشکال مشدد کیفر مرگ که، همراه با زجر و عذاب است وجود داشت. به این معنا که از محکوم علیه سریعاً و به یک باره سلب حیات نمی‌شد، بلکه فاصله زمانی میان شروع اعمال مجازات تا حادث شدن مرگ، مدتی می‌گذشته است؛ به این ترتیب، محکوم در واقع متحمل مجازات مضاعف یعنی رنج، عذاب و شکنجه، از یک سو و سلب حیات، از سوی دیگر می‌شد. حال آن‌که فقط یک حیات به جامعه «بدهکار» بوده است. به همین جهت است که امروزه در بسیاری از کشورهایی که کیفر مرگ پیش‌بینی و اجرا می‌شود، مانند آمریکا، راحت و سریع‌ترین روش ممکن مانند اتاق گاز یا صندلی الکتریکی انتخاب می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. در قانون حمورابی کیفر مرگ نوعاً با عبارت کشته خواهد شد به اجرا در می‌آمد. ولی، در برخی مواد این قانون در خصوص کیفیت اجرای این کیفر مصادیقی را ذکر کرده است که در ذیل چند مورد از آن ذکر می‌گردد:

الف» ماده ۲۱ از قانون حمورابی: اگر کسی (با حفر سوراخ) از خانه‌ای سرقت کند، آنها وی را در مقابل همان سوراخ می‌کشند و آویزان می‌کنند.

ب» ماده ۱۰۸ از قانون حمورابی: اگر زن میکده دار بابت بهای آبجو غله قبول نکند، و نفره را براساس وزنه‌های سنگین ←

اگر بخواهیم سیاهه کیفرها را در قانون نامه حمورابی احصاء و بررسی کنیم: کیفر سلب حیات که با قید "کشته خواهد شد" آمده، شامل به آب انداختن (مواد ۱۲۹، ۱۳۳ ب و ۱۵۵) و در آتش سوزاندن (مواد ۲۵، ۱۱۰ و ۱۱۷)<sup>۱</sup>؛ شلاق در مواد ۱۲۷ و ۲۰۲ (شست ضربه)؛ تراشیدن موی سر (ماده ۱۲۷)؛ تبعید (ماده ۱۵۴)؛ به میخ کشیدن (ماده ۱۵۳)؛ قطع اعضاء بدن شامل: قطع زبان (ماده ۱۹۲) درآوردن چشم (مواد ۱۸۶ و ۱۹۳)؛ قطع دست (مواد ۱۹۵، ۲۱۸، ۲۲۶ و ۲۵۳ برای سرقت) قطع گوش (مواد ۲۰۵ و ۲۸۲)؛ و قطع پستان (ماده ۱۹۴)؛ قصاص عضو (مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۲۰۰)؛ پرداخت خسارت، دیه، رد مال یا برده (مواد ۲۴، ۱۱۶ و ۱۹۸)؛ محروم شدن از ارث (مواد ۱۵۷ و ۱۶۹).

همان گونه که در جلسات پیشین هم اشاره شد، با توجه به طبقاتی بودن اعضاء جامعه در قانون حمورابی، مجازات مقابله به مثل یا به تعبیر امروزی قصاص نیز، تابع تعلق طبقاتی و جنس مرتکب بوده است. از این رو، بر حسب اینکه متهم و بزه‌دیده عضو کدام دسته از طبقات اجتماعی و از چه جنسی باشد، نوع پاسخ متفاوت بوده است. ضمانت اجرایی شبیه دیه به شرحی که گفته شد نیز در قانون حمورابی با لحاظ طبقاتی بودن جامعه پیش‌بینی شده است.

رد مال یا پول به بزه‌دیده یا اولیاء دم در واقع رابطه خشونت و تنفس آمیز میان مرتکب و بزه‌دیده را به رابطه مذاکره و گفتگوی ترمیمی تبدیل می‌کند. در حقیقت، دیه نوعی ضمانت اجرای ترمیمی می‌شود که مرتکب و بزه‌دیده درباره آن گفتگو کنند می‌کند و به توافق می‌رسند تا میزان مبلغ یا نوع کالا یا شبیه که در قانون مشخص شده را پذیرند (ضمانت اجراهای کیفری توافقی). البته ضمانت اجرای قصاص هم می‌تواند نوعی ضمانت اجرای ترمیمی تلقی شود چون ممکن است زمینه گفتگو را میان

---

→(یعنی سنگین تر از استاندار) دریافت کند، بدین سان مقدار آبجوی (داده شده) را در برابر مقدار غله (دریافت شده) کاهش دهد، آنها این اتهام را علیه زن میکده دار ثابت خواهند کرد، سپس آنها او را به آب می‌اندازند.  
ج» ماده ۱۱۰ از قانون حمورابی: اگر یک ندیتو یا انتو که در صومعه زندگی نمی‌کند، (در) میکده را باز کند یا برای آبجو به میکده وارد شود، آنها آن زن را در آتش می‌سوزانند.  
د» ماده ۱۲۹ از قانون حمورابی: اگر همسر کسی (=زوجه یی مردی) در حال همبستری با مرد دیگری دستگیر شود آنها را می‌بنند و در آب می‌اندازند.

۱. در قانون نامه حمورابی، حدود ۳۴ مورد کیفر سالب حیات پیش‌بینی شده است.

بزهکار و بزه دیده و اولیاء دم به منظور اجتناب از قصاص فراهم می کند. ضمانت اجراهای و کیفرهای ترمیمی در واقع بیشتر برای تأمین نیازها و خواسته های بزه دیده توسط بزهکار پیش بینی می شود. (ضمانت اجراهای بزه دیده مدار).

اشاره به این نکته ضروری است که کیفرهای ترمیمی، نمودی از توافقی شدن عدالت کیفری به شمار می آیند. توافقی شدن عدالت کیفری یعنی این که مقام قضایی در پرتو توافق میان بزه دیده و بزهکار حکم خود را صادر می کند. به عبارت دیگر، در توافقی شدن عدالت کیفری مقام قضایی برای صدور حکم تحت شرایطی، تابع نظر کنشگران جرم یعنی بزه دیده و بزهکار است؛<sup>۱</sup> اما، از میان کیفرهای اجتماعی پیش بینی شده، می توان به کیفر خدمات عمومی رایگان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره کرد که حقوق کیفری را به عبارتی "قراردادی" کرده است. در تعیین پاسخ کیفر خدمات عمومی، دادگاه زمانی می تواند متهم را به انجام کار معین محکوم کند که محکوم علیه رضایت خود را در تعیین این نوع پاسخ اعلام کرده باشد. از این رو، اگر محکوم علیه از انجام کار تحمل کیفر خدمات عمومی استنکاف کند، قاضی، کیفر اصلی یعنی حبس را به اجرا می گذارد. بنابراین، در این گونه موارد کیفر خدمات عمومی رایگان، بدیل مجازات حبس است. بدین ترتیب، خدمات عمومی مصدق عدالت کیفری قراردادی شده یا قراردادی شدن عدالت کیفری میان مقام قضایی و متهم است. تبصره ۳ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می دارد: ... در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می شود؛ زیرا، در حقوق کیفری، برخلاف حقوق مدنی، مقام قضایی است که پس از محاکمه یا تعقیب، خود تصمیم می گیرد و نظر متهم را جوییا نمی شود؛ اما، امروزه، در مواردی، به طوری که گفته شد، مقام قضایی به مذاکره با متهم برای کسب رضایت او درباره صدور حکم می پردازد.

بر این اساس، برای مواردی که جنبه یا مصدق قراردادی شدن عدالت کیفری را به خود گرفته اند ضمانت اجرا پیش بینی شده است. چنان که ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می دارد: چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی

۱. در خصوص توافقی شدن رک: نیازپور، امیر حسن، توافقی شدن آین دادرسی کیفری، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.

دادگاه، برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد.

توافقی شدن عدالت کیفری ← کلکتو و مذکره میان متهم و بزه دیده برای تعیین سرنوشت اختلاف کیفری میان خوده با نظرات مقام قضایی ← عدالت کیفری اتفاق

## ۹

قواره‌ای شدن عدالت کیفری ← مذکره میان متهم و مقام قضایی برای تعیین سرنوشت پرونده کیفری و موقبیت کیفری متهم ← عدالت کیفری معمولی



در مواردی، چنانچه بزهکار فراری، معسر یا ناشناخته باشد چه سازوکاری برای تأمین خسارت بزه دیده اندیشیده شده است؟ امروزه بحثی در پرتو مطالعات بزه دیده‌شناسی<sup>۱</sup> در حقوق کیفری وارد گشته که جلوه‌هایی از آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز آمده شده است و آن، تکلیف دولت بر جریان خسارت بزه دیده است، زمانی که مرتکب در دسترس نیست یا توانایی جبران خسارت بزه دیده را ندارد، اگرچه دولت مرتکب تقصیری در ارتکاب جرم نشده است - بحث شخصی بودن مسئولیت کیفری - اما به عنوان مثال در حقوق فرانسه تکلیف دارد که در جرایم علیه اموال تا سقف معینی و در جرایم علیه اشخاص بدون تعیین میزان، به صورت موقت خسارت بزه دیده را تأدیه نماید و او را از حالت عسرت و تنگdestی برها ند و پس از شناسایی بزهکار و تمکن و شناسایی دارایی او، مبالغی را که به بزه دیده پرداخت نموده است در قالب طرح یک دعوای حقوقی از وی بازپس ستاند. در فقه اسلامی که حقوق کیفری ایران نیز ملهم از آن است، در مواردی چند از قبیل آن که اگر جسدی در شوارع یافت شود، فردی در اثر از حام کشته شود، دیه مقتول از خزانه عمومی یا بیت‌المال تأدیه خواهد شد.<sup>۲</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، *دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم*، نشر میزان، تهران، دو جلد، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۳.

۲. در این راستا موادی در قانون مجازات اسلامی وجود دارد که در ذیل به چند مورد آن اشاره می‌شود:

در قانون حمورابی سرقت، یک جرم بزرگ (Capital Crime) محسوب می‌شود که مجازات بزرگی Capital Punishment به نام کیفر سلب کنندهٔ حیات (اعدام) برای آن پیش یینی شده است. در ماده ۳۲ قانون حمورابی آمده است که: اگر کسی مرتكب سرقت (به عنف) شود و سپس دستگیر شود، آن کس کشته خواهد شد؛ ولی، در قانون نامه حمورابی، تحت شرایطی از یک سو، طبق ماده ۲۳<sup>۱</sup> دولت «حاکم شهر» خسارات مال باخته ناشی از سرقت را به عهده می‌گیرد و از سوی دیگر، برابر ماده ۲۴: اگر جان کسی (در حین سرقت به عنف از دست رفته است)، شهر و حاکم شهر یک مینای نقره به خویشان وی پرداخت خواهد کرد. آنچه که از این ماده مستفاد می‌شود، پرداخت نوعی خسارات یا دیه توسط حاکمیت به بزه‌دیده (ولیاء دم) است. در حقوق ایران، افزون بر پرداخت دیه توسط خزانه عمومی (دولت) به بزه‌دیده یا ولیاء دم - همان‌گونه که قبلًا اشاره شد - برابر با اصل ۱۷۱ قانون اساسی<sup>۲</sup> و ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲<sup>۳</sup> دولت تحت شرایطی خسارات بزه‌دیدگان را - تحت شرایطی - می‌پردازد.

→ الف) ماده ۴۸۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: در موارد وقوع قتل و عدم شناسایی قاتل که با تحقق لوث نویت به قسامه مدعی علیه برسد و او اقامه قسامه کند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر موارد لوث چنانچه نویت به سوگند متهم برسد و طبق مقررات بر عدم انجام قتل سوگند بخورد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.  
ب) ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.

۱. ماده ۲۳ قانون حمورابی مقرر می‌دارد: اگر سارق به عنف دستگیر نشود، کسی که قربانی سرقت به عنف شده است، در برابر خدا (وقوع سرقت به عنف و خسارتموارده را) اثبات می‌کند؛ سپس شهر و حاکم شهری که در حوزه و قلمرو ایشان سرقت به عنف اتفاق افتاده است، خسارتموال به سرقت رفته او را پرداخت می‌کند.

۲. اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصص طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارتم به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

۳. ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: حکم به مجازات یا اقامات تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتمی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسؤولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارتم از بیت‌المال جبران می‌شود.

## ۵.۴ جرایم در قانون نامه حمورابی

جرائم پیش بینی شده در قانون حمورابی را می توان به عبارت امروزی، جرایم عليه اشخاص و اموال تقسیم کرد که در حوزه جرایم عليه اموال - همان گونه که در جلسات قبل هم گفته شد - بیشترین مواد به جرم سرفت اختصاص داده شده است. مجازات سرفت علاوه بر مرگ، قطع ید هم می باشد. به عنوان مثال، در ماده ۲۵۳ این قانون آمده است که: اگر کسی کس دیگر را برای مراقبت / اداره کردن مزرعه اش اجاره کند، اثبات غله را به او بسپارد، گاوها را به او بسپارد و برای کشت و زرع با او قرارداد بیند، اگر آن شخص بندر یا مواد غذایی را سرفت کند و اموال مسروقه در دست وی توقيف شود، آن ها دست او را قطع خواهند کرد. بدینسان، سرفت کارگر از اموال کارفرما مجازات شدیدتری داشته است و به نوعی کیفیات مشدده به شمار می آمده است؛ ضمناً، آن دست مرتکب سرفت، مقصو تلقی شده، و قطع می شده است یا به موجب ماده ۲۲: اگر کسی مرتکب سرفت به عنف شود سپس دستگیر شود، آن کس کشته خواهد شد.<sup>۱</sup>

مواد چندی در قانون حمورابی - به تعبیر امروزی - به بزههای اقتصادی تخصیص یافته است. از جمله جرایم مربوط به اوزان، بهای کالا، تقلب در کالا، احتکار، عدم عرضه کالا، کم فروشی، گران فروشی و....<sup>۲</sup> به طوری که می توان برپایه مقررات قانون حمورابی و قوانین باستانی دیگر مانند قانون نامه امور نمور، بیان داشت که مقررات کیفری اقتصادی (حقوق کیفری کسب و کار)، قدیمی ترین مقررات

۱. همچنین به عنوان نمونه رک: مواد ۶، ۷، ۸، ۲۵۳ و ۲۶۵.

۲. در این راستا موادی چند از قانون حمورابی ذکر می گردد:

الف» ماده ۱۰۴ قانون حمورابی مقرر می دارد: اگر تاجری به عامل، غله، پشم، روغن، یا هر کالایی را برای توزیع و فروش بدهد، عامل به طور مرتباً نقره (یعنی پول حاصل) از هر معامله را به تاجر باز می گرداند؛ عامل باید هر نقره ای که به تاجر می پردازد، رسید کتبی دریافت کند.

ب» ماده ۱۰۵ قانون حمورابی بیان می دارد: اگر عامل کوتاهی کند و بابت نقره ای که به تاجر پرداخت می کند، رسید کتبی نگیرد، در محاسبات نهایی نقره ای که بدون اخذ رسید کتبی پرداخت شده باشد، با حساب نمی آید. ج» در ماده ۱۰۶ قانون حمورابی آمده است: اگر عامل از تاجر نقره بگیرد ولی بعداً (دریافته نقره از) تاجر را انکسار کند، آن تاجر باید در حضور خدا و (با آوردن) شهود ثابت کند که عامل نقره گرفته است، و عامل سه برابر نقره ای را که گرفته است به تاجر خواهد داد.

کیفری است. به این معنا که هم پایه حمایت از تمامیت جسمانی اشخاص، حمایت از نظام اقتصادی آن جامعه بسیار مهم بوده است. به عنوان نمونه در ماده ۱۰۸ قانون حمورابی آمده است که: اگر زن میکدهدار بابت بهای آبجو غله قبول نکند، و نقره را براساس وزنه های سنگین (یعنی سنگین تر از استاندارد) دریافت کند، بدینسان مقدار آبجوی (داده شده) را در برابر مقدار غله (دریافت شده) کاهش دهد. آنها این اتهام را علیه آن زن میکدهدار ثابت خواهند کرد، سپس آنها او را به آب میاندازد. در همین مقوله در ماده ۱۰۹ نیز آمده است: اگر زن میکدهداری (هست) که در خانه او بزهکاران اجتماع می کند، و او آن بزهکاران را دستگیر نمی کند و به دربار معرفی نمی کند، (یعنی زمینه تعقیب و محاکمه آنها را فراهم نمی کند) آن زن میکدهدار کشته خواهد شد. این ماده حاوی دو نکته است: از یک سو، حمایت از امنیت و سلامت محیط کسب و کار و امنیت مشتریان و مراجعان و از سوی دیگر، نوعی ترک فعل مبتنی بر عدم گزارش یا عدم دستگیری و معرفی بزهکاران است.

در کنار حمایت کیفری از کسب و کار، قانون نامه حمورابی به حمایت کیفری از محیط زیست نیز می پردازد و حقوق حیوانات را نیز پاسداری می کند. به عنوان نمونه، براساس ماده ۵۹: اگر کسی در باع کسی دیگر، بدون اجازه مالک باع، درختی را قطع کند، سی شیل (شکل) نقره پرداخت کرد. در برابر ماده ۲۲۵: اگر وی (دامپیشک) جراحی مهمی را روی گاو یا خر انجام دهد و باعث مرگ او شود، یک چهارم قیمت آن را به صاحب گاو یا خر خواهد پرداخت.

مواد چندی در قانون حمورابی مربوط به اختفاء و خرید و فروش اموال مسروقه<sup>۱</sup> و فراری دادن بر دگان است، زیرا برده جزء اموال مولی یا صاحب برده به شمار می آمد و فراری دادن، نوعی ورود خسارت مادی محسوب می شود و در مواردی، کیفر مرگ برای آن لحاظ شده است.<sup>۲</sup>

۱. اگر کسی اموال متعلق به خدا یا دربار را سرقت کند، آن کس کشته خواهد شد و آن کسی که اموال مسروقه را از دست وی دریافت کرده نیز کشته خواهد شد (ماده ۶)؛ اگر کسی نتوانست فروشنده ای که مال مسروقه را به او فروخته است یا شهودی که در حضور ایشان، مال را خریده است، به دادگاه بیاورد، امالک مال مسروقه توانست شهودی را بیاورد که مال مسروقه وی را شناسایی کنند، در این صورت، ان خریدار سارق است، او کشته خواهد شد (ماده ۱۰).

۲. ماده ۱۵ قانون حمورابی مقرر می داشت: اگر کسی باعث شود که غلام دربار یا کنیز دربار یا غلام یک مشکنوم یا کنیز یک مشکنوم از دروازه شهر بیرون برود، او کشته خواهد شد. همچنین به عنوان نمونه رک: مواد ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰.

در حوزه حقوق کیفری پزشکی، یعنی جرایمی که توسط پزشکان و در حوزه پزشکی ارتکاب می‌یابد، نیز مواد چندی در قانون نامه حمورابی به آن اختصاص یافته است. مانند مواردی که پزشک به هنگام درمان، موجب نابینایی فردی می‌شد، پزشک را نایينا می‌کردند و اگر بزه دیده، برده بود پزشک باید خسارت می‌پرداخت.<sup>۱</sup>

در حوزه جرایم جنسی،<sup>۲</sup> جرایم علیه خانواده یا جرایم علیه نکاح، در قانون حمورابی، زنای ساده، زنای محضنه، رابطه نامشروع، زنای با محارم، زنای به عنف و... جرم انگاری و کیفرگذاری شده است. بدین‌سان، قانون حمورابی نکاح و علقة زوجیت را محترم می‌شمرد و به این ترتیب زنای محضنه یا به طور کلی، رابطه خارج از علقة زوجیت را مذموم و بنابراین قابل مجازات می‌دانسته است. به عنوان نمونه، اگر همسر کسی (یعنی زوجه مردی) در حال همبستری با مرد دیگری دستگیر شود، آن‌ها را می‌بندند و در آب می‌اندازد (ماده ۱۲۹)؛ یا به موجب ماده ۱۳۳ ب: اگر آن زن، پاکدامنی خود را حفظ نکند و به خانه مردی دیگر وارد شود، آنان تقصیر آن زن را ثابت خواهند کرد و او را به آب خواهند انداخت، یا «اگر کسی بعد از فوت پدرش با مادرش همبستری کند، هر دوی آن‌ها را خواهند سوزاند (ماده ۱۵۷).

## ۴.۶. ادله اثبات جرم

همان گونه که در آغاز نیمسال نیز گفته شد، جادوگری در قانون نامه حمورابی جرم انگاری شده است و به عنوان یک جرم بزرگ یعنی جنایت، مجازات بزرگ یعنی کیفر سالب حیات برای آن پیش‌بینی شده است. به عنوان مثال براساس ماده ۱۳۲، اگر همسر کسی به علت مردی دیگر انگشت اتهام به سوی او بلند شده است، اما در حال همبستری با مرد دیگری دستگیر نشده است، برای خاطر شوهرش، اوردالی

۱. به عنوان نمونه رک: ماده ۲۱۸ قانون حمورابی مقرر کرده بود: اگر پزشک با چاقوی برنزی جراحی مهمی را روی یک اویلوم انجام دهد و باعث فوت آن اویلوم شود، یا با چاقوی برنزی شقیقه یک اویلوم را بشکافد و باعث کوری چشم آن اویلوم شود، آن‌ها دست او را قطع می‌کنند.

۲. به عنوان مثال رک: ماده ۱۳۰ قانون حمورابی که مقرر می‌داشت: اگر کسی همسر باکره کس دیگری را که هنوز در خانه پدرش اقامت دارد، از الله بکارت کند، و آن‌ها وی را در حال همبستری با آن زن دستگیر کنند آن مرد کشته خواهد شد؛ آن زن آزاد خواهد شد.

رودخانه را انجام خواهد داد؛ یا در ماده ۲ پیش‌بینی شده است که: اگر کسی، کس دیگری را به جادوگری متهم کرد، ولی نتوانست اتهام او را اثبات کند، شخصی که اتهام جادوگری به او وارد شده به رودخانه می‌رود و اوردالی را انجام می‌دهد؛ اگر رودخانه وی را گرفت و مغلوب کرد، اتهام زننده وی خانه او را تصاحب خواهد کرد؛ اما، اگر رودخانه آن شخص را تبرئه کرد و او به سلامت گذشت، کسی که به وی اتهام جادوگری وارد کرده، کشته خواهد شد. شخصی که اوردالی رودخانه را انجام داد، خانه اتهام‌زننده خود را تصاحب خواهد کرد.

بدین‌سان، در کنار سوگند، اقرار و شهادت، قانون نامه حمورابی امکان توسل قاضی را به اوردالی که عمدتاً غوطه‌ور شدن یا راه رفتن در آب می‌باشد، پیش‌بینی نموده است.

### فصل پنجم: مقررات کیفری قانون نامه هیتی‌ها؛ صفات اجراهای، جواہیم و ادله

الواح گلی که مقررات هیتی‌ها برآن‌ها ثبت شده است در اوایل سده بیستم یعنی سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ توسط باستان‌شناسان آلمانی در جنوب شرقی ترکیه، در نزدیک مرز با ایران و عراق از دل خاک استخراج شد. به این ترتیب، بیش از پنج سال پس از کشف لوح سنگی حمورابی در جنوب غربی ایران توسط باستان‌شناسان فرانسوی، این بار باستان‌شناسان آلمانی موفق شدند که در شمال بین النهرين دو لوح گلی را کشف کنند که مشتمل بر ۲۰۰ بند یا ماده بود که حدود دوازده ماده آن مخدوش است. بعضی از تاریخ دانان حقوق اعتقاد دارند که هیتی‌ها مقررات دیگری داشته‌اند که الواح مربوط به آن‌ها از بین رفته است.

هیتی‌ها قومی هندو و اروپایی بودند که در آناتولی (ترکیه) و شمال عراق زندگی می‌کردند.<sup>۱</sup> در تورات، کتاب مقدس یهودیان، از قوم حتی یا حتی نیز یاد شده است. در الواح دوگانه هیتی‌ها، بعضی مواد در دو نسخه إنشاء شده است. مانند ماده ۴۶ الف و ماده ۴۶ ب. این امر بدین معنا است که نسخه اول قانون هیتی‌ها به سال ۱۶۵۰ تا سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد مربوط می‌شود و نگارش اول این قانون

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: هافنر، هری، **قوانين هیتی‌ها؛ قانون نامه‌ای از آسیای صغیر**، ترجمه فرناز اکبری رومی، انتشارات حقوقی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.

برای آن دوره سلطنتی است که بر هیتی‌ها حکومت می‌کرده است؛ اما، نگارش یا نسخه دوم این قانون به سال ۱۵۰۰ تا سال ۱۱۸۰ پیش از میلاد نگارش یافته و بدین سان مفاد قانون در دوره پادشاهی دیگر، بازبینی شده است.

آنچه قابل ذکر است این که ضمانت اجراهای در نسخه دوم قانون نامه هیتی‌ها خفیف‌تر شده است. به عنوان مثال، اگر در نسخه اول این قانون ضمانت اجرای یک جرم، ۲۰ شیکل (شقل) نقره بود، در نسخه دوم به ۱۰ شیکل (شقل) تقلیل یافته است. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، قانون نامه حمورابی ۲۸۲ ماده داشت که حدود ۳۵ ماده آن مخدوش است،<sup>۱</sup> حال آن که قانون هیتی‌ها، ۲۰۰ ماده دارد. قانون حمورابی نسبت به قانون هیتی‌ها، مواد بیشتری به جرایم اختصاص داده است. در قانون نامه حمورابی حدود ۹۲ ماده و در قانون هیتی‌ها، حدود ۱۸ ماده به جرم انگاری و کیفرگذاری‌ها اختصاص داده شده است. در قانون حمورابی ضمانت اجراهای جرایمی چون سرفت و... خیلی سنگین‌تر از قانون هیتی‌ها است. به طور کلی در قانون حمورابی حدود ۳۴ مورد کیفر سلب کنندهٔ حیات و قانون هیتی‌ها، حدود ۱۰ مورد اعدام پیش‌بینی شده است. مجازات قطع عضو در قانون حمورابی در چندین مورد ذکر شده،<sup>۲</sup> در حالی که در قانون هیتی‌ها فقط یک مورد قطع عضو وجود دارد.<sup>۳</sup> در قانون هیتی‌ها کیفر اعدام در یک مورد یعنی تخریب کشت زارها یا مزرعه دیگری و در سایر موارد درباره جادوگری و نزدیکی با انواع حیوانات است که این امر به آن معنا می‌تواند باشد که امری مبتلا به و شایع در جامعه آن عصر بوده است.<sup>۴</sup>

جامعه هیتی نیز یک جامعه طبقاتی بوده، نظام برده‌داری در آن رایج بوده و نظام سلطنتی حکمرانی

۱. این خدشه از ماده ۶۵ الی ۹۹ قانون حمورابی وجود دارد. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک به: همان منع.

۲. به عنوان مثال در ماده ۱۹۵ قانون حمورابی آمده است که: اگر پسری پارش را کشک بزند، آن‌ها دست وی را قطع می‌کنند.

۳. بر اساس ماده ۹۹ قانون هیتی‌ها: هرگاه برده‌ای خانه‌ای را به آتش کشید، مالکش باید خسارات واردہ را جبران نماید و گوشها و دماغ برده بریده خواهد شد و به مالکش برگردانده می‌شود اما اگر مالک از جبران خسارت امتناع کند، برده را از دست خواهد داد.

۴. به عنوان مثال در ماده ۱۸۷ قانون هیتی‌ها مقرر شده است: اگر مردی با ماده گاوی آمیزش کند، رابطه‌ای غیرمعجاز بوده و کشته خواهد شد. او را به محکمه پادشاهی می‌برند و خواه پادشاه دستور قتل او را داده یا جانش را بیشخد، حق حضور در محضر پادشاه را نخواهد داشت (مبدأ که اشخاص دربار را بی حرمت و آلوهه سازد).

می کرده است، به طوری که مقام سلطنت دارای قداست خاصی بوده است. پادشاه یا مقام سلطنت یا حاکم به عنوان سایه خداوند آن زمان بر روی زمین، مأمور اجرای ۲۰۰ ماده قانون هیتی‌ها - درست همانند قانون حمورابی - بوده است. قانون هیتی‌ها حکایت از این دارد که جادوگری - ساحری رایج بوده است؛ زیرا، جرم انگاری شده و کیفر مرگ هم برای ان پیش بینی شده است.. ماده ۴۴ (ب) قانون نامه هیتی‌ها مقرر می‌دارد: هرگاه کسی مراسم تطهیر را نسبت به شخصی انجام دهد، باید ترتیب بقا یای سوزانیه شده آن را بدهد. اما اگر آن بقا یا را در خانه شخص دیگری بگذارد، این امر جادوگری تلقی شده و به دادگاه شاهی ارجاع خواهد شد. ساحری یک جنایت است. ارجاع به دادگاه شاهی به آن معنا است که ضمانت اجرای آن، کیفر مرگ است یا به موجب ماده ۱۱۱، هرگاه کسی خاک رُس را به منظور سحر و جادو شکل دهد، این امر جادوگری است و به محکمه پادشاهی ارجاع خواهد شد (جادوی سیاه).<sup>۱</sup>

همچنین درباره تجاوز جنسی، ماده ۱۹۷ قانون هیتی‌ها مقرر می‌دارد که: هرگاه مردی زنی را در کوهستان بدام انداخته و به او تجاوز کند، مرد مجرم خواهد بود، اما اگر آن زن را در خانه اش بدام اندازد، در این صورت زن مجرم محسوب شده و کشته خواهد شد. هرگاه همسر آن زن متوجه عمل آنها شود، می‌تواند بدون این که مرتکب جرمی شده باشد آنها را بکشد.<sup>۲</sup>

از مصاديق دیگر اعدام، همان طور که قبل از بررسی شد، در ماده ۱۲۱ قانون هیتی‌ها آمده است:

هرگاه مرد آزادی گاوآهنی را بدلزد و صاحبیش آن را پیدا کند می‌تواند گردن سارق را... و توسط احشام کشته خواهد شد. چنان که در ماده ۱۶۶ این قانون با این بیان ذکر شده است: هرگاه کسی بر کشته دیگری دانه پاشد، به گردنش گاوآهن خواهد بست. آنها دو دسته گاو فراهم می‌کنند، یک دسته از یک جهت و دسته دیگر در جهت دیگر می‌چرخند، متهم و گله کشته خواهند شد و شخصی که ابتدا اثاث بذر پاشیده است، تمامی محصول را درو خواهد کرد.

- 
۱. همچنین رک ماده ۱۷۰ قانون نامه هیتی‌ها که مقرر می‌دارد: اگر مرد آزادی، ماری بکشد و در همان حال نام دیگری را ببرد، باید ۴۰ شکل (شیقل) نقره بپردازد و اگر برده باشد، کشته خواهد شد (جادوگری سیاه).
  ۲. ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده (مصوب ۱۳۷۵)، ابراز می‌دارد: هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبي مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.

در ۲۰۰ ماده قانون هیتی‌ها، ضمانت اجراهایی چون استرداد مال، پرداخت غرامت، استرداد برده یا حیوانات نیز برای جرایم چندی پیش‌بینی شده است.<sup>۱</sup> در کنار ضمانت اجراهایی چون قطع عضو و مرگ که کیفر به معنای واقعی کلمه هستند، ضمانت اجراهای زیادی که جنبه ترمیمی و بزه‌دیده‌دارند درنظر گرفته شده‌اند. بر این پایه، جرایم در قانون هیتی‌ها غالباً جنبه خصوصی دارند. به این ترتیب، قانون هیتی‌ها در مقایسه با قانون حمورابی دارای ضمانت اجراهای خیلی ملایم‌تری است که بیشتر جنبه جبرانی دارند. بدون تردید، ویژگی‌های متفاوت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دو جامعه حمورابی و هیتی‌ها را می‌توان در مقررات کیفری آن‌ها از نظر نوع جرایم و کیفرها، مشاهده کرد.<sup>۲</sup>

به عنوان "جمع بندی مطالب" باید گفت که، اصل قانونمندی و سایر اصل‌های حقوق کیفری امروزی در قانون‌نامه هیتی‌ها نیز موضوعیت نداشته است؛ از آنجا که هیتی‌ها یک جامعه طبقاتی بودند، اصل برابری مجازات‌ها و ضمانت اجراهای رعایت نمی‌شده است؛ حمایت کیفری از بزه دیده برجسب این که متعلق به چه طبقه‌ای است، متفاوت بوده است. به عنوان نمونه، به موجب ماده ۱۵ قانون هیتی‌ها: هرگاه کسی گوش شخص آزادی را پاره کند، باید ۱۲ شیکل نقره به او پرداخته و از اموال خود، خسارات واردۀ به وی را جبران نماید. حال آن که بر اساس ماده ۱۶: اگر گوش مرد یا زن برده‌ای را پاره کند، باید سه شیکل (شیقل) نقره به او بپردازد.

در مقررات هیتی‌ها جرایم قتل (به عنوان مثال مواد ۲، ۳ و ۴)، نقص عضو (به عنوان مثال مواد ۷ و ۸)، سقط جنین (ماده ۱۷)، آدم ربایی (ماده ۱۹)، جادوگری (ماده ۴۴ ب) انواع سرقت شامل سرقت احشام، حیوانات و محصولات کشاورزی و سرقت‌های دیگر (به عنوان نمونه مواد ۴۹، ۵۷، ۸۵، ۱۰۸، ۱۲۴ و ۱۴۳)، جرایم جنسی مانند تجاوز جنسی (ماده ۱۹۷)، زنای با محارم (ماده ۱۸۹)، زنای محضنه (قسمت

۱. به عنوان مثال در ماده ۱۷۴ قانون هیتی‌ها مقرر شده است: هرگاه افرادی با یکدیگر منازعه کنند و یکی از آنها کشته شود، دیگران باید بعنوان غرامت یک برده بپردازنند.

۲. گفتنی است که در این نیمسال، جرایم و مجازات‌ها در آئین و مقررات عبرانی - با تکیه بر آیات تورات (کتاب عهد عتیق) - نیز بررسی و تدریس شد؛ ولی، فرصت تنظیم و گردآوری تقریرات و یادداشت‌های کلاس فراهم نشد. در این مورد رک: سلیمانی حسین «متجم»، **عدالت کیفری در آئین یهود**، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

اخير ماده ۱۹۷)، رابطه جنسی مرد با حیوانات (مانند مواد ۱۸۷ و ۱۸۸)، جرایم زیست محیطی (مواد ۱۰۴ و ۱۰۵) و ۱۱۳)، اخته کردن گاو میش، اسب نَر و گوسفند نَر (مواد ۶۰، ۶۱ و ۶۲) که بر حسب این که مرتکب یا بزهديده آزاد یا برده است، ضمانت اجرای متفاوت تعیین شده است. بدین سان، در قانون نامه هیتيها به مانند قانون نامه حمورابي به جاي ارائه تعریف کلی از قتل، سرقت، جادوگري و... انواع سرقت، قتل و جادوگري به صورت موردی احصاء و جرم انگاری، پاسخگذاري یا ضمانت اجراگذاري شده است.

قصاص نفس و قصاص عضو در مقررات هيتيها وجود ندارد؛ ضمانت اجراهای کيفري شامل اعدام در مورد رابطه جنسی با حیوانات، تجاوز جنسی، زنای محسنه، جادوگري و... قطع دماغ و گوش برده سارق فقط يك مورد (ماده ۹۵) و جبران خسارت و رد مال، حیوان یا برده به بزهديده توسط مرتکب جرایمي چون سرقت، قتل و سقط جنين که سه چهارم ضمانت اجراهای در قانون نامه هيتيها تشکيل می دهد یا به عنوان مثال، هرگاه کسی مرد یا زنی را در حین مرافعه به قتل برساند، باید برای او مراسم تدفين ترتيب داده و چهار نفر مرد یا زن به عنوان غرامت بدهد و از اموال خود خسارات وارد را به وی جبران کند (ماده ۱)؛ هرگاه کسی مرد یا زن بردهای را در جريان دعوا به قتل برساند، باید برای او مراسم تدفين ترتيب داده و دو نفر مرد یا زن به عنوان غرامت بدهد و از اموال خود خسارات وارد را به وی جبران کند (ماده ۲)؛ هرگاه کسی فرد آزادی را کور کند یا دندان او را بشکند، سابقاً ۴۰ شيكيل نقره پرداخت می شد، ولی امروزه باید ۲۰ شيكيل نقره پردازد و از اموال خود خسارات واره را به وی جبران کند (ماده ۷)؛ هرگاه کسی مرد یا زن برده ای را کور کند یا دندان او را بشکند باید ۱۰ شيكيل نقره پردازد و از اموال خود خسارات وارد را به وی جبران کند (ماده ۸)؛ همچنین براساس ماده ۵۷ اين قانون نامه: هرگاه کسی گاو میش یا گاو نری را برباید، سابقاً سی گاو به عنوان غرامت می داد؛ اما، امروزه سارق باید پانزده گاو بدهد.

بدین سان، کارکرد عمدۀ ضمانت اجراهای کيفري هيتيها، ترميمی - جبراني بوده تا تنبه‌ي و قهرآمیز؛ سزا دادن از گذر اعمال خشونت در قالب کيفر در موراد محدودی موضوعیت داشته است.

## فصل ششم: مقررات کیفری یونان

بخش آخر کلاس در این نیمسال باید به بررسی مقررات کیفری در باختر (غرب) باستان یعنی حقوق یونان، حقوق رُم و حقوق اقوام اروپایی غیریونانی - غیر رُمی یعنی فرانک‌ها، ژرمن‌ها، ساکسون‌ها و... که به اقوام بَرَبَر نام‌گذاری شده بودند، اختصاص داده می‌شد. ولی، با توجه به ضيق وقت، فقط مقررات کیفری حقوق یونان بررسی می‌شود

حقوق کیفری یونان که در واقع، شامل قوانین و مقررات حاکم در آتن بوده است - زیرا، مقررات مجری در آتن معرف مقررات کیفری جاری در سایر شهرهای یونان بود - ویژگی مذهبی داشته، چندان که ارتکاب قتل موجب تباہی و پلیدی و تعفن در جامعه، می‌شده است؛ مرتکب قتل، این پلیدی را به دیگران منتقل می‌کرده است، به همین جهت بود که محاکمه قاتل در فضای باز صورت می‌گرفته، این امر موجب می‌شده که قضات و شرکت کنندگان در جلسات، با قاتل در زیر یک مکان مسقّف روبرو و در نتیجه، آلوده به وی نشوند.

محل و چگونگی برگزاری دادگاه‌های صالح برای ضرب و جرح و قتل، یعنی جرایم اصطلاحاً خونین، جنبه مذهبی حقوق کیفری آتن را نشان می‌دهد؛ آثروپاژر، "عادلانه‌ترین" دادگاه محسوب می‌شده که قتل با سبق تصمیم، ایراد ضرب و جرح با قصد قتل، ایجاد حریق عمدی در خانه‌ای که ساکنان آن حضور دارند و مسموم کردن را، رسیدگی می‌کرده است. دادگاه‌فِتیس<sup>۱</sup>، بر حسب نوع قتل یا مرتکب یا بزه‌دیده، در مکان‌های مختلف تشکیل جلسه می‌داده است؛ قتل غیرعمد و قتل عمد فرد ییگانه در محل پالادیون<sup>۲</sup>؛ ارتکاب قتل "مشروع" یعنی مرگ در جریان جنگ یا بازی و مسابقات ورزشی یا در پی تحریک، در محل دلفی‌نیون<sup>۳</sup> محاکمه می‌شده است؛ قاتلانی که محکوم می‌شدند؛ ولی، به لحاظ مصالحه با اولیاء‌دم یا گذشت آنان، از آتن تبعید می‌شدند و دوباره مرتکب قتل شده‌اند، در محل فرجی آتیس<sup>۴</sup> - کنار دریا - محاکمه می‌شدند، دادگاه در ساحل برگزار می‌شده و مرتکب در زورقی که در

- 
1. Ephetes.
  - 2 . Palladion.
  - 3 . Delphinion.
  - 4 . Phreattys.

چند قدمی ساحل قرار داشته به دفاع از خود می‌پرداخته است؛ زیرا، ورود به آتن برای این قبیل متهمان ممنوع بوده است. چنانچه دادگاه آنان را تبرئه می‌نمود، دورباره تبعید می‌شدند و چنانچه مجرمیت آن‌ها، به چهت اتهام جدید قتل، احراز می‌گردید، کیفر مرگ صادر می‌شده است. دادگاه پریتانه<sup>۱</sup>، صالح به رسیدگی به اتهام قاتل ناشناس و حیوانات و اشیایی بوده است که موجب مرگ انسان شده‌اند. محکومان این دادگاه و قاتل ناشناخته در صورت دستگیری، به خارج از مرز هدابت و اخراج یا در دریا انداخته می‌شدند.

کیفرهای صادره از دادگاه آنروپاژر<sup>۲</sup>، شامل اعدام، تبعید (برای قتل) و مصادره اموال در صورت ارتکاب ضرب و جرح می‌شده است؛ دادگاه پلا دیون<sup>۳</sup>، کیفر تبعید موقت بدون مصادره اموال را مورد حکم قرار می‌داده است.

در مورد مرتکب قتل، نخستین اقدام قضایی "طرد و اخراج" او از جامعه بوده تا دیگران آلوده به پلیدی و نجاست او نشوند (رویکرد مذهبی مقررات آتن به جرم قتل). در همین چارچوب والدین مقتول مکلف بودند که با نصب نیزه‌ای بر سر گور مقتول به مردم اطلاع دهند که قاتلی در بین آنان حضور دارد. این امر سبب می‌شد تا روحانی بزرگ محل از ورود متهم در مکان‌های مقدس، تا روز محاکمه جلوگیری کند.<sup>۴</sup>

در جرایم غیر از جرایم علیه اشخاص (جرائم قتل و ضرب و جرح)، دادگاه‌های مردمی (هلیه) صلاحیت رسیدگی داشتند که با حضور اعضاء هیئت منصفه «ژوری» تشکیل می‌شد؛ هر سال از ده طایفه آتن، به قید فرعه، شش هزار عضو ژوری که "هلیاست" نام داشتند انتخاب و در ده منطقه تقسیم می‌شدند؛ گاه، اتفاق می‌افتد که در محاکمات جرایم مهم هر شش هزار هلیاست (اعضاء ژوری) در دادگاه شرکت کنند؛ ولی معمولاً کسری از این شش هزار نفر در محاکمات شرکت می‌کردند، مانند محاکمه سقراط که حدود ۳۵۰ هلیاست در آن حضور داشتند؛ علت بالا بودن تعداد اعضاء ژوری در

---

1 . Prytanee.

2 . Aeropage.

3 . Palladion.

۴ . هریک از این دادگاه‌ها تحت ریاست ربّ نوع - الوهیت خاص خود، به رسیدگی و صدور حکم می‌پرداخته است.

واقع، به نوعی برای پیشگیری از فساد و تطمیع و تهدید آنان و نیز مشارکت آحاد مردم در رسیدگی قضایی بود؛ اعضاء هیأت منصفه معادل نصف دستمزد روزانه خود - برای شرکت در محاکمات - حق الزحمه دریافت می کردند.

اما، نوع آین دادرسی در دادگاه‌های مردمی، اتهامی بود؛ وقتی جرم جنبه عمومی داشته هر شهروند، حق اتهام زدن به دیگری را دارا بوده است؛ یک مقام قضایی (دولتی) اتهام را دریافت می کند؛ مأموریت او این است که اتهامات واهی را از اتهامات معتبر تفکیک نماید و پرونده را اصطلاحاً معد رسیدگی در دادگاه هلیاست نماید. بدین منظور، پیامد اتهام واهی را به اتهام زننده (شاکی) اعلام می نماید و از او می خواهد که سوگند یاد کند که تا قبل از محاکمه از اتهام صرف نظر نکند. ضمناً این قاضی موضوع اتهام را نیز آگهی عمومی می کند تا مردم ببینند و ترغیب به اقامه گواهی درباره آن اتهام بشونند.

در دادگاه هلیاست که با حضور اعضاء هیأت منصفه، مقام قضایی، اتهام زننده، متهم شده و مردم تشکیل می شود، اتهام زننده دلایل خود را ارائه و گواهان خود را معرفی می کند و فرد متهم شده، از خود دفاع می کند، به طوری که نوعی کارزار یا دوئل قضایی صورت می گیرد. سپس دادگاه رأی خود را درباره مجرمیت متهم، بدون شور، به طور مخفی اعلام می کند؛ در جرایمی که ضمانت اجرای کفری آن در قانون مشخص شده، قاضی حکم به مجازات مربوط را صادر می کند؛ ولی در جرایمی که با برآورد و نظر دادگاه هلیه، مجازات تعیین می شود، اتهام زننده (شاکی) و فرد متهم شده که حال مجرمیت او احراز و بنابراین محکوم شده، هریک مجازات مورد نظر خود را به دادگاه اعلام می کنند؛ دادگاه مکلف است یکی از این دو کیفر را صادر نماید. کیفرهایی که دادگاه هلیه می توانسته تعیین و صادر کند: کیفر مرگ، تبعید، محرومیت از حقوق مدنی «مرگ مدنی»، تازیانه، مصادره و جریمه بوده است.

در این چهارچوب، چگونگی محاکمه سقراط قابل بررسی است. سقراط توسط یکی از شهروندان آتنی، به فساد کشاندن و منحرف کردن جوانان و کفرگویی متهم شد و سپس به همین اتهام محاکمه گردید. سقراط، در جریان محاکمه، برای دفاع از خود، در برابر اتهامات وارد، به نوعی نظام اجتماعی - سیاسی - مذهبی حاکم در آتن را به باد انتقاد و اعتراض گرفت و به عبارتی، "اعتراض نامه‌ای" علیه نظام

سیاسی حاکم قرائت کرد. اظهارات او باعث ناراحتی اعضاء هیأت منصفه شد؛ زیرا، فراتر از دفاع از اتهامات خود، از یک حقیقت دفاع کرد: سقراط مخالف جزئیت سیاسی - مذهبی بود و اعتقاد داشت که انسان‌ها با طرح سؤال و مسئله، خود باید با ذهنی زاینده، بارور و بالنده به دنبال پاسخ باشند و پذیرش و پیروی بدون قید و شرط نظر مطلق یک شخص، در هر مقامی که باشد، درست نیست؛ برای سؤالی که به ذهن انسان خطور کند، خود انسان باید تحقیق و تلاش کند تا به پاسخ دست یابد و نه از آن پاسخ راهکاری که دیگری به عنوان مقام بالای سیاسی - مذهبی ارائه داده و می‌دهد.

این نگرش سقراط منجر به اتهام "کفرگویی" علیه او شد و به این ترتیب او را به اتهام به فساد کشاندن و گمراه کردن عقیدتی جوانان محاکمه کردند و چون در جریان دفاع از خود، نسبت به حاکمیت ایرادهای اساسی می‌گرفت، ایرادهایی که به عبارتی حاکمیت برنمی‌تابید. به هنگام تعیین مجازات، اتهام‌زننده، مجازات اعدام و سقراط، به لحاظ اعتراض و عدم قبول نظام سیاسی و قضایی حاکم، مجازاتی پیشنهاد نکر؛ اما، به اصرار مردم و دوست‌داران خود، سرانجام پرداخت جزای نقدی معادل ۳۰ مین نقره را پیشنهاد کرد. هیأت منصفه نهایتاً مجازات اعدام پیشنهادی شخص اتهام‌زننده را انتخاب کرد و در نهایت او محکوم به نوشیدن ماده سمی "شوکران" شد که بعدها به "شوکران" معروف گردید؛ زیرا، عقاید سقراط که در مقطعی، نوعی اتهام کیفری محسوب شد، بعد از اعدام او، به عین فضیلت و یک ارزش تبدیل شد و موجب تحول اخلاق سیاسی، اجتماعی و مذهبی جامعه آتن گردید. به عبارتی دیگر، سقراط قربانی شد،<sup>۱</sup> اما اخلاق جامعه و اخلاق حکمرانان و نحوه حکمرانی در جامعه آتن و سپس یونان متتحول شد.

این پرونده، سخن‌amil دورکیم را به ذهن متبار می‌کند. دورکیم بیان می‌کند که جرم یک پدیده نرمال و بهنجار است؛ و یکی از دلایل این بهنجاری، عمومیت داشتن جرم در همه جوامع است؛ هیچ

۱. این موضوع در درس جامعه شناسی جنایی، به هنگام مطالعه دیدگاه‌های دورکیم، درباره بهنجار بودن جرم و کارکردهای اجتماعی آن، بیشتر بررسی می‌شود. برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص، و مطالعه دقیق سایر کارکردهای جرم، رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تغیرات درس جامعه شناسی جنایی (جامعه شناسی جرم)*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری‌پور، سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، قابل دسترس در:

مکان و زمانی را نمی‌توان یافت که عاری از جرم باشد. بنابراین عمومیت جرم ممکن است ناشی از این واقعیت باشد که جرم دارای کارکردهای اجتماعی است؛ یکی از این کارکردهای این است که، جرم و مرتكب آن، در جامعه را متحول می‌کنند، در واقع، تلنگری به باورها، آداب و رسوم، عقاید و اندیشه‌های غالب و رفتار سیاسی حکمرانان و حکومت وارد می‌کنند. ارتکاب جرم، گاه نوعی اعتراض به آن‌ها باید تلقی شود؛ بدین‌سان، بزهکار نیز مانند فرد نابغه که می‌تواند با یک اندیشهٔ نو یا یک اختراع یا انگارش مطلبی نو جامعه را متحول می‌کند، با رفتار مجرمانه ارتکابی، به نوبهٔ خود و به عبارتی، می‌تواند جامعه را به فکر بازیبینی وضع موجود، باورها، ارزش‌ها و نحوه مدیریت و سازمان دهی خود، وا دارد. سقراط، در بحث ما، به اتهام ارتکاب عمل جرم‌انگاری شده در آن مقطع زمانی، محاکمه و اعدام شد؛ اما، از درون کیفر مرگ و محاکمه‌وی، تحول فکری بزرگی به وجود آمد که منتهی به تحول نظام سیاسی، اجتماعی و... جامعه‌آتن، یعنی در واقع جامعه یونان آن عصر شد. بدین‌سان، جرم، می‌تواند به طور کلی دارای کارکردهای سیاسی - فرهنگی - اقتصادی در جامعه باشد.

# پیوست‌ها

**پیوست شماره ۱**

**تحولات تاریخی قتل در فراش**

## تحولات تفینی قتل در فراش

### ماده ۷ قانون اور-نمور:

اگر همسر مرد جوانی، به ابتکار و پیش قدمی خود، نزد مردی رود و با او نزدیکی کند، آنان زن را خواهد کشت؛ مرد آزاد می شود.<sup>۱</sup>

---

### ماده ۱۲۹ قانون حمورابی:

اگر همسر کسی (=زوجه مردی) در حال همبستری با مرد دیگری دستگیر شود آنها را می بندند و در آب می اندازند. اگر ارباب زوجه (=شوهر) بگذارد همسرش زنده بماند، شاه می گذارد که بندهاش (=تبعه اش) زنده بماند.

### ماده ۱۳۰ قانون حمورابی:

اگر کسی همسر باکره کس دیگری را که هنوز در خانه پدرش اقامت دارد، از الله بکارت کند و آنها وی را در حال همبستری با آن زن دستگیر کنند آن مرد کشته خواهد شد، آن زن آزاد خواهد شد.<sup>۲</sup>

---

### ماده ۱۹۷ قانون هیتی‌ها:

هرگاه مردی زنی را در کوهستان بدام انداخته و به او تجاوز کند، مرد مجرم خواهد بود اما اگر آن زن را در خانه اش بدام اندازد، در این صورت زن مجرم محسوب شده و کشته خواهد شد. هرگاه همسر آن زن متوجه عمل آنها شود، می تواند بدون این که مرتکب جرمی شده باشد آنها را بکشد.

---

### ماده ۲۵۳ قانون جزا عرفی نصرت الدوّلة فیروز ۱۲۹۳ خورشیدی:

هرگاه یکی از زوجین قاتل دیگری شود معذور نخواهد شد. مگر اینکه در مورد خطر جانی از طرف مجنی

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به: وستروک، ریموند و دیگران، آغاز قانون‌گذاری تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان، به کوشش حسین بادامچی، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۳۴.

۲. بنگرید به: قانون حمورابی، ترجمه و تألیف از متن آکدی توسط حسین بادامچی، انتشارات نگاه معاصر تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹.

علیه واقع شود و قتل را هم در همان حین خطر مرتکب شده باشد ولی هرگاه شوهری زن خود را در منزل خود با مرد اجنبی در هر حال مواقعه مشاهده نماید و مرتکب قتل زن یا شخص زانی شود معذور است.

#### **ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی معوب ۱۳۰۴ خورشیدی:**

هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود معاف از مجازات است. هرگاه، کسی به طریق مزبور دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی بیند در حقیقت هم علاقه زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود از یک ماه تا شش ماه به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر این ماده مرتکب جرح یا ضرب شود به حبس تأدیبی از هشت روز تا دو ماه محکوم می‌شود.

---

#### **ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی معوب ۱۳۷۵ (تعزیرات و مجازات‌های بازدارند):**

هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.

## پیوست شماره ۲

**اصل تراز در قانون اساسی مشروطه و اصول مربوط به شورای  
نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**

# قانون اساسی مشروطه ایران ۱۲۸۵ خورشیدی و متمم آن مصوب سال ۱۲۸۶ خورشیدی

## اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه

«**مصطفی سال ۱۲۸۶ خورشیدی برابر با ۱۶ ذی القعده الحرام ۱۳۲۴ قمری»<sup>۱</sup>**

مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرا الله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدينین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باین طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسلام بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم فرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و غور رسی نموده هریک از آن مواد معونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده با زمان ظهر حضرت حجت عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود.

## اصول مشابه اصل قراز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

### اصل چهارم

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

## اصول مربوط به شورای نگهبان

### اصل نود و یکم

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود.

۱- قابل دسترس در پایگاه اطلاع رسانی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی به نشانی زیر:

[http://rc.majlis.ir/fa/law/show/133414,19/10/1394, 11:06.](http://rc.majlis.ir/fa/law/show/133414,19/10/1394, 11:06)

- ۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.
- ۲- شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای ملی معرفی می شوند و با رای مجلس انتخاب می گردد.

اصل سابق: اصل نود و یکم: به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود:

- ۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با رهبر یا شورای رهبری است.

- ۲- شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله شورای عالی قضایی به مجلس شورای ملی معرفی می شوند و با رای مجلس انتخاب می گردد.

### اصل نود و دوم

اعضاءی شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضاءی هر گروه به قید قرعه تغییر می یابند و اعضاءی تازه ای به جای آنها انتخاب می شوند

### اصل نود و سوم

مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضاءی شورای نگهبان.

### اصل نود و چهارم

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداقل طرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر بیند برای تجدید نظر به مجلس باز گردداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

### اصل نود و پنجم

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می تواند از مجلس شورای اسلامی حداقل برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

### اصل نود و ششم

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضاءی شورای نگهبان است.

### اصل نود و هفتم

اعضاءی شورای نگهبان به منظور تسريع در کار می توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه ای فوری در دستور کار مجلس قرار

گیرد، اعضاءی شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

### اصل نود و هشتم

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

### اصل نود و نهم

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

### اصل سابق: اصل نود و نهم:

شورای نگهبان نظارت بر انتخاب رئیس جمهور، انتخابات مجلس شورای ملی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

---

## قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴/۱۰/۲۳

ماده ۱ - مجازاتهای مصربه در این قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر و در محاکم عدیه مجری خواهد بود و جرم‌هایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود بر طبق حدود و تعزیرات مقرر در شرع مجازات می‌شوند.

ماده ۲ - هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست مگر آن‌چه که به موجب قانون جرم شناخته شده.

ماده ۲۷۹ - اگر کسی قبل از تصویب و انتشار این قانون مرتکب عملی شده باشد که موافق این قانون جنحه یا جنایت تشخیص شده است در مورد تعقیب و بر طبق قانون مجازات می‌شود که او لاً نسبت به آن عمل مرور زمان بر طبق مقررات این قانون حاصل نشده باشد و ثانیاً برای عمل مذبور شرعاً هم حدی معین شده باشد.

### ماده واحده قانون تفسیر قسمت اخیر ماده ۲۷۹ مجازات عمومی مصوب ۸ مرداد ماه ۱۳۰۶ شمسی

قسمت اخیر ماده ۲۷۹ قانون مجازات عمومی از تعقیب قاتلین و مختلسین اموال دولتی و اشخاصی که فعل سند و تزویر نموده و قبل از تصویب و انتشار قانون مذبور مرتکب جرایم مذبور شده‌اند مانع نمی‌باشد.

نکته:

قانون نامه کُنت (۱۲۹۵ خورشیدی) و قانون نامه جزای عُرفی نصرت الدوّله فیروز (۱۲۵۸ خورشیدی) بیش از یک سده پیش با نثر فارسی، واژه‌های حقوقی، شیوه قانون نویسی و شیوه جرم‌انگاری (وصف گذاری کیفری) و کیفر گذاری رایج در عصر خود نگاشته و تنظیم شده است. از این‌رو، از نظر زبان‌شناسی حقوقی و نیز نحوه جرم‌انگاری - کیفر گذاری قابل مطالعه تطبیقی با زبان‌شناسی حقوقی و شیوه توصیف گذاری - بزه انگاری کیفری و ضمانت اجراء گذاری در حقوق امروزی است.

### پیوست شماره ۳

# قانون نامه کُنت

ساده تخط مطاع ہایون خطاب بحضرت اشرف اشرف اسد اعظم نایب السلطنه امیر کبیر دامت سعکت<sup>۱</sup>

(مصوب بخششہ هستم شوال ۱۲۹۶ ہجری قمری، برای بادوم مهرماہ ۱۲۵۸ ہجری خورشیدی)

﴿خطاب ب﴾ نایب السلطنه؛ این کتابچہ قانونی کنت را خوادم تمام اسیار بتعاده و درست یکد و فقره

رایا کم وزیاد کردیم ملاحظہ کنید ہمین کتابچہ و ہمین دسخط را در مجلس اول دارالشوری که منعقد شود بدهد

قرار است کنند وزرا ہم این کتابچہ را مصنوع کرده بدهند یکنت او ہم بدھد چاپ کرده مستشرقانند و از تاریخ

امضاء وزراء مشغول اجراء این قوانین بوده ذرہ تخلف نشود ہے این قوانین صحیح و محل ایراد نیست و

لزوماً انشاء باید مجری شود و ہمین دسخط را بدھ کنت ملاحظہ نماید بداندا قواعد را پسندیده ایم۔ سه ع ۱۲۹۶

۱- ضمیمه در ۴ سیفی فمی «تفرشی»، مرتضی، نظم و نظمیه در دوره قاجار، تهران، انتشارات یساولی «فرهنگسرای»، ۱۳۶۲، ص

.۳۱۹-۲۹۴

بسمه سبحانه و تعالی

دستگاه پلیس دستگاه اجراییست و مراقبت اجرای جمیع قوانین که از طرف دولت بدایرۀ پلیس القا  
میشود بعهدۀ اوست

پلیس مأمور است بر انتظام ولايت و نکاحداری مردم یعنی تکلیف پلیس است در تمام تفصیلات و  
وقوعات کلیه و جزئیه تحصیل اطلاعات لازمه

پلیس مستقیماً و بلا فاصله تعلق با علیحضرت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه و حکمران دارالخلافه دارد.

پلیس مأمور است بر اینکه مراقبت نماید تا در مملکت بی‌نظمی و بی‌عدالتی واقع نشود و پلیس مکلفست  
بر اینکه مواظبت کرده نگذارد احدی حق احدی را مستقیماً یا بواسطه مجبوراً ببرد و غصب نماید مقصود  
از این حقوق عادیه یومیه است نه مطلق دعاوی و فقط اموریست که بمغاظه و فریب و خُدّعه الوده باشد  
که حل آن تکلیف پلیس است

پلیس باید ملاحظه نماید اتفاقات و وقایع عمومی را و همیشه باید در شکوه و ترقی ولايت مراقبت  
نماید. پلیس لازم است توجه در آذوقه و مأکولات مردم داشته باشد و بداند حبوبات را کیها جمع و انبار و  
حبس مینمایند تا در سال گرانی بکار آید

پلیس مأمور است بر اینکه هر کسی که باشد شرارت و دزدی و منازعه نماید و یا کسی سکه قلب بزند  
یا فتنه و فساد نماید یا خط و مهر بسازد باید تسلط در گرفتن آنها داشته باشد پلیس لازم است ملاحظه  
حالت منتبان خانواده سلطنت عظمی را نماید

پلیس مجبور است از اینکه همیشه با اهالی نظام متفق و همدست باشد و همچنین اهالی نظام نیز باید با  
پلیس کمال اتحاد را داشته باشند

پلیس لابد است از اینکه هر وقت از اهل نظام خلافی سر بزند او را گرفته صورت واقعه را پُرت کردد

نزد رئیس نظام بفرستد که او را تنبیه نماید

پُلیس مکلفست بر آنکه اشخاص مقصّر را دستگیر نموده تنبیه نماید تقصیرشان بهر درجه بوده باشد  
مگر خانواده سلطنت عظمی را که درینصورت باید موافق امر مخصوص شاهنشاه رفتار نماید و باید  
عدالت و حقائیق را منتشر سازد و احکام و قوانین شریعت مطهّره را معمول و مجری بدارد و خیرخواهی  
اهمالی مملکت را از همه جهت ملاحظه نماید

رئیس پُلیس حق دارد خود را بلاواسطه تقدیم حضور مبارک نماید و هر کدام قبول و ممضی شد بعد  
پُلیس مجبور است بموقع اجرا گذارد

پُلیس باید مردم را محترم بدارد و مراقب باشد مردم را که همدیگر را محترم دارند و همچنین مردم  
مجبورند که پُلیس را محترم بدارند و پُلیس مجبور است از اینکه مواظبت احکام شریعت و قوانین مذهب  
را نماید و پُلیس باید مراقبت کند اسباب قحط و غلا و موجبات امراض فراهم نشود و دستورالعمل واصله  
از مجلس حافظالصحّه را معمول و مجری سازد

پُلیس باید تسلط داشته باشد بر اینکه هر کس خواسته باشد بدون حکم پادشاه برای مداخل خودش از  
مالیات زیادتر از مردم بگیرد ممانعت نماید و نگذارد

پُلیس باید در کمال دقّت مواظبت داشته باشد در خصوص نظافت و تمیزی شهر و وضع ساختن  
umarat و نظم و روابط کوچها و همچنین باید در باب آذوقه و آب مردم منتهای مواظبت را داشته باشد و  
همیشه باید احتیاط قحط و غلا را ملاحظه نماید و ایضاً در باب روشناشی شهر مسئول است و وقتیکه در  
شهر رئیس احتسابیه بوده باشد اجرای فقرات آتیه را پُلیس باید بریاست احتساب حکم نماید از قبیل خرید  
و فروش و نرخ اجناس که در قیمت آنها بهمدیگر ستمشريکی نکنند و خوبی و بدی گوشت و غیره و  
غیره و غیره و پُلیس تسلط دارد که رئیس احتساب را مجبور باجرای اینفقرات نماید

پُلیس مکلفست براینکه اعلیحضرت شاهنشاه را از همه چیز مستحضر و با اطّلاع دارد و جمیع  
تفصیلات را بلاواسطه بعرض پادشاه برساند

پُلیس مجبور است از اینکه توجه نماید صاحبان ادیان دین خودشان را محترم بدارند معلوم است هر

کس اطاعت قانون و نظم پلیس ننماید اطاعت حکم شاهنشاهی را نکرده است و هر کس از اطاعت پلیس

سرپیچید از اطاعت پادشاه سرپیچیده است

در مواد قتل چنانکه شریعت مطهره اسلام حکم فرموده است بالخلاف و بلااستئنا محاکمه میشود و در

قتل عمد و شبه عمد و قتل خطا احکام شارع مقدس مطاع و حتمی الاجرا خواهد بود

۱) کسی که بر خلاف پادشاه یا خانواده سلطنت حرف بزند و یا اینکه در ضد پادشاه و یا خانواده او

خيال بدرفتاري و تحریک بد در نظر داشته باشد بعد از تحقیق و ثبوت از یکسال الى پنجم سال بدرجه

قصیرات مقصّر با زنجیر محبوس خواهد شد

۲) کسی که کنکاش و خیالات و تحریک بد در حق دولت بکند و یا افtra و تهمت تحریرا و تقریرا

بدولت بزند بعد از ثبوت تقصیر او بر حسب حدود تقصیرات از یکسال الى پانزده سال محبوس خواهد

شد

۳) کسی دستخط و مهر و امضای پادشاه را بسازد باندازه تقصیرات او از ده سال الى بیست و پنجم سال

حبس خواهد شد و در مدت حبس دستهای او با دستبند آهن بسته و قفل شده کلیدان در خدمت پادشاه

یا رئیس پلیس خواهد بود

۴) کسی که پول قلب مملکت یا خارجه را سکه بزند و یا بسازد از ده الى بیست و پنجم سال با زنجیر

کردن محبوس خواهد شد و آن دستی که مرتكب اینگونه عمل خلاف شده است با آهن بسته خواهد شد

۵) کسی که قاطع طریق یا دزد باشد و یا رفاقت با آنها نماید چه شغل دائمی او باشد و یا اینکه اتفاقاً

رفاقت کرده باشد از راه ضرورت باندازه تقصیر او از یکسال الى پانزده سال حبس خواهد شد

۶) کسی که زهر بکسی بدهد و مسموم بمیرد حکم قاتل دارد و اگر تهمت قوی راجع باحدی باشد حبس مؤبد میشود و غیر دوازاز و طبیب که برای معالجات بعضی سمومات میفروشنده کس دیگر با اطلاع از قصد مرتكب زهری فروخته باشد چون شریک قتلست مستوجب یکسال الى پنجسال حبس خواهد بود

۷) کسی که تریاک میکشد از ششماه الى یکسال محبوس خواهد شد

۸) کسی که کتابی انتشار دهد که بر ضد مذهب یا دولت و ملت بوده باشد از پنجماه الى پنجسال حبس خواهد شد

۹) کسی که تهمت زند بکسی مكتوباً یا لسانا بدرجه تقضیر او از یکسال الى پنجسال محبوس خواهد شد و از پنجهoman الى یکصد تومان جزای نقدی خواهد داد

۱۰) کسی که ادوات و آلتی را مثل فانوس و غیره خراب نماید باندازه تقضیر او از ششماه تا پنجسال محبوس خواهد شد و از ده تومان تا دویست تومان جرمیه نقدی گرفته میشود و همچنین کسی که درختی را از خیابانهای شهر میرد و یا چشمها و یا سقاخانه را خراب نماید و یا راه آب و نهرها را برای دزدی آب خراب میکند و کسی که در کوچه و معتبر سوراخ درست نماید و فانوس کوچه را میشکند باندازه تقضیر او از یکماه الى دو سال حبس شده و از یکتومان الى ده تومان جرمیه گرفته میشود

۱۱) کسی که فریب بدهد و گول بزنده دولت را خواه بواسطه و خواه بلا بواسطه و یا باسباب چینی از یکسال تا ده سال حبس خواهد شد و باید تمامی آن وجهی که از آن قمر عاید او شده با تمام بضاعت او ضبط گردیده صرف ایتم و فقرا و ابئه خیریه شود

۱۲) کسی که با پول یا غیرپول اسباب چینی نماید کسی را بمهلکه و مخاطره بیندازد باندازه تقصیر او از یکسال الى پنجسال حبس خواهد شد در صورت ثبوت

۱۳) کسی که مرتکب فعل شنیع نسبت بدختری شود که هنوز بحدّ رشد و بلوغ نرسیده باشد بر حسب تقصیر او از پنجسال الى پانزده سال حبس خواهد شد و مجبور است که آن دختر غیر بالغ را معاش بدهد تا بحدّ بلوغ برسد و اگر میل پدر و مادر باشد او را میتواند بحاله نکاح خود درآورد

۱۴) کسی که دختر با کرمه بالغه را ضایع نماید باندازه تقصیر او از یکسال الى پنجسال حبس خواهد شد و یا اینکه باید برضایت پدر و مادر آن دختر را تزویج نماید و بقدر مکنت فاعل از سی تومان الى یکهزار تومان از او گرفته شده پدر و مادر دختر داده خواهد شد و اگر طفلی بعمل آید در صورتیکه آنس شخص دخت را تزویج ننماید برای طفل از یکقران الى پنجقران مخارج یومیه باید بدهد

۱۵) کسی مصدر فعل شنیع نسبت بزن شوهردار و در اداره نظمیه محاکمه شده بثبت برسد باندازه تقصیر او از یکسال الى پنج سال حبس خواهد شد و از ده تومان تا صد تومان جریمه خواهد داد

۱۶) کسی که تحریک بذذی بکند و یا گناه و تقصیر را بدینگونه مرتکب شود باندازه تقصیر او از یکسال تا ده سال حبس میشود

۱۷) کسی که بد میگوید و تمسخر میکند مذهب خود را برابر حسب حد تقصیر او از چهل و هشت ساعت الى ششماه حبس خواهد شد و از پنجتومان الى صد تومان جریمه گرفته میشود و این جریمه بحسب یکنفر از مجتهدین داده میشود که صرف مصارف مذهبی نماید

۱۸) کسی که آتش بخانه و مایملک کسی بزند از پنجسال تا ده سال بدرجه تقضیر حبس خواهد شد با زنجیر آهن

۱۹) کسی که زنی را جبراً از کوچه بکشد در صورت ثبوت از چهل و هشت ساعت الی یکماه حبس و از یکتومان تا ده تومان جریمه گرفته میشود

۲۰) کسی که جسارت نموده در ضد پادشاه اعلانات و نوشتجات در کوچه‌ها بچسباند هر کس بوده باشد و همچنین کسیکه مخالف مردم حرکتی کرده و اذیت برساند بر حسب حد تقضیر او از یکماه الی پنجسال حبس خواهد شد

۲۱) کسی که تغییر لباس برای اجرای نیت بدیکه دارد بکند مثل اینکه مردی بلباس زن درآید که داخل بخانها شود یا ارادل و او باش که ملبس بلباس اهل فضل و زهد شوند باندازه تقضیر از یکماه الی یکسال حبس خواهد شد و از پنجتومان الی ده تومان جریمه گرفته میشود

۲۲) هر کس لفظاً و یا عملاً بی احترامی در حق اهالی نظام و یا در حق کسیکه لباس رسمی دولتی در بر داشته باشد نماید و یا کتک به یکی از آنها بزند از چهل و هشت ساعت الی ششماه حبس خواهد شد و از یک تومان الی ده تومان جریمه خواهد داد

۲۳) هر کس لفظاً و یا ضربه در حق کسی بی احترامی نماید از چهل و هشت ساعت الی دو ماه حبس خواهد شد و بر حسب تقضیر از یک تومان تا ده تومان جریمه خواهد داد

۲۴) هر کس قولًا و یا فعلاً در حق وزیری و یا شخص بزرگی بی احترامی نماید باندازه تقصیر او از چهار روز تا دو سال حبس میشود و از پنجتومان تا صد تومان جریمه خواهد داد همچنین حکم سفرای خارجه نیز مثل وزرای دولت خواهد بود

۲۵) اگر یکنفر نوکر نسبت باقای خودش لفظاً یا یداً هتك حرمت نماید بعد از ثبوت باندازه تقصیر او از ده روز الی دو ماه حبس خواهد شد و از پنجهزار الی دو تومان جریمه خواهد داد

۲۶) کتابچه که برای نوکرها مقرر شده بود هر یک از نوکرهای موظف باید در دست داشته باشند و کلیه نوکر عبارتست از فراش قهوه چی آبدار پیشخدمت خادم اطاق آشپز شاگرد آشپز شربدار مهتر جلودار کالسکه چی ناظر با غبان و جمیع کسانیکه خدمت اطاقی را میکنند و خدمات شخصی را مینمایند و تقسیم این کتابچها برای تکمیل بصیرت و دانائی دایره پلیس بهالت اشخاص لازم است هر کس نوکر دارد برای صلاحیت امورات شخصی خودش و انتظام شهر باید نوکر را مجبور بداشتن کتابچه نماید چنانچه بعد ازین نوکرها کتابچه نداشته باشند از بیست و چهار ساعت الی چهار روز و هشت روز محبوس خواهد شد و از هزار دینار تا دو تومان جریمه نقدی گرفته میشود طبقه کارکنان و عمله جاتی که با آنها نوکر گفته نمیشود بر دو قسم است یکی عمال ادارات و دیگری کسانی که هستند که در جاهای متفرقه بخدمت و انتظامات و مباشری و غیره منصوب هستند علی العجاله آنها در سلک نوکر شمرده نمیشوند و دفتر و کتابچه لازم نخواهند داشت

۲۷) از نوکرهای مردم کسی که از خانه بیرون رفته و بدون اذن آقا خانه را خالی و تنها میگذارد از چهل و هشت ساعت تا یکماه حبس خواهد شد و از یکقران تا سه تومان جریمه خواهد داد

۲۸) نوکری که مواظبت و محافظت اسباب خانه را مینماید و در صورت خلاف آن از چهل و هشت

ساعت الی سه ماه حبس خواهد بود و از یکقران الی سه تومان جریمه خواهد داد

(۲۹) کسی که نمیخواهد در پیش کسی نوکری نماید نمیتواند فوراً بیرون برود باید هشت روز قبل باقای خودش خبر بدهد که آقا درینمدت نوکر دیگر پیدا نماید و همچنین آقا نیز حق ندارد بیکدفعه نوکر را بیرون نماید باید هشت روز قبل باو اطلاع بدهد که جای دیگر برای خود پیدا کند و لیکن در صورتیکه نوکر تقصیر کرده باشد آقا میتواند فوراً او را اخراج نماید و آنوقت لازم است نوکر را باداره پلیس بفرستد هر کس میخواهد نوکر خودش را عوض بکند مجبور است باداره پلیس اطلاع بدهد و آن نوکر هم باید خودش باداره بیاید و کتابچه اش را همراه بیاورد و هر کس تخلف بکند و نیاید بیست و چهار ساعت حبس و از یکتومان تا پنجتومان جریمه گرفته خواهد شد اینقره بجهت اینست که تغییر یافتن آقا و نوکر معلوم شده در دفتر ضبط و ثبت شود

(۳۰) وقتیکه کارگر و عمله اطاعت استاد خود را نکند اسباب و چیزی را که سپرده اوست ضایع نماید و بشکند بدروم تقصیر از چهل و هشت ساعت تا یکماه حبس خواهد شد و آنچه را که شکسته و ضایع نموده است غرامت گرفته میشود

(۳۱) اسبابی که بکاسب کاری میدهند درست نماید یا تعمیر کند یا پارچه داده باشند بدوزد اگر آنرا خراب نماید یا موافق سلیقه صاحبین نباشد از بیست و چهار ساعت الی یکماه حبس شده و مجبور خواهد بود که قیمت و غرامت آنرا بدهد اگر کهنه هم باشد باید در عوضش نو بدهد

(۳۲) کسی که در کوچها با ورق و قاپ و غیره قماربازی کند از چهل و هشت ساعت الی یکماه حبس خواهد شد و پولی که در جیب و بغل اوست بعنوان جریمه ضبط و تصرف خواهد شد

(۳۳) کسی که مست شده و در کوچه و بازار اغتشاش و بدمستی مینماید از چهار روز الی یکماه حبس شده و از پنجهزار الی پنجتومان جریمه خواهد داد

(۳۴) کسی که اسباب نزاع در قهوهخانه و چلوپزخانه و غیره بشود یا خودش منازعه نماید از چهل و هشت ساعت الی یکماه حبس شده از یکتومان الی ده تومان جریمه کرفته میشود اگر صاحب دکان هم در موقع منازعه فوراً بعمله پلیس اطلاع ندهد و منازعه را ابقا و امتداد دهد او نیز شریک جریمه و حبس خواهد بود و در مدت حبس او قهوهخانه یا دکان بسته خواهد شد

(۳۵) کسی که بحمام رفته در آنجا نزاع و عربده کند از بست و چهار ساعت الی یکماه حبس خواهد شد اگر صاحب حمام دخیل نزاع باشد از یکتومان الی ده تومان جریمه داده پانزده روز حمام بسته خواهد شد

(۳۶) کسی که داخل حمام میشود باید هر چه اسباب و پول در جیب و غیره دارد بحمامی نشان داده مخصوصاً بسپارد و همیشه لازم است شاهدی در میانه باشد و حمامی مسئول و ضامن اسبایست که شخص دارد باو سپرده است اگر آنرا دزد ببرد یا عیب بکند باید از عهده غرامت آن برآید از برای لباس واردین هم حمامی مسئول است هر کدام تخلف از این حکم نمایند از بیست و چهار ساعت الی پانزده روز حبس خواهد شد

(۳۷) اگر کاروانسرادر از واردین و سکنه کاروانسرا بداره پلیس اطلاع و روزنامه ندهد از بیست و چهار ساعت تا پنجره روز حبس و از یکتومان تا ده تومان جریمه خواهد داد

(۳۸) هر کاسبی چیز بفروشد که مورث تولید مرض یا کسالت مزاج بشود از چهل و هشت ساعت الی

یکماه حبس خواهد شد از یکقران تا پنجه‌تومان جریمه خواهد داد

(۳۹) هر کاسبی که چیز خوراکی میفروشد اگر کم فروشی نماید از یکسیر الی پنجسیر از پنجره‌روز تا  
یکماه حبس خواهد شد از یکتومان تا پنجه‌تومان جریمه خواهد داد

(۴۰) هر کس اسب در میان کوچه و بازار بدواند اعم از اینکه بکسی اذیت برساند یا نرساند از چهل و  
هشت ساعت الی یکماه حبس شده اسب او در دایره جلیله خواهد ماند تا صد و پنج قیمت اسب را باداره  
داده اسب را ببرد

(۴۱) هر کس در مسجدی با زن و یا بچه و غیره بغیر قاعده و خلاف حرکت نماید از هشت روز الی  
یکماه حبس خواهد شد و از یکتومان تا پنجاه تومان جزای نقدی گرفته در خدمت یکی از مجتهدین  
تسليم صندوق مذهبی خواهد شد

(۴۲) کسی در میان کوچه غوغای بیجهت مثل دیوانکان فریاد بزند و بی‌نظمی نماید از چهل و هشت  
ساعت الی ده روز حبس شده از یکقران تا پنجه‌تومان جریمه خواهد داد

(۴۳) هر کس منازعه و دعوا نماید از چهل و هشت ساعت تا یکماه باندازه تقصیرش حبس شده از  
پنجه‌ران الی پنجه‌تومان جریمه گرفته میشود

(۴۴) کسی که کثافت و زبیل میان کوچه میریزد و عوض اینکه بجای مخصوص زیل برد چهل و  
هشت ساعت حبس از یکقران تا یکتومان جریمه خواهد داد

(۴۵) کسی چیزی را بقیمتی بفروشد که ارزش نداشته باشد از قبیل نان و کاه و جو و هیزم ذغال و غیره  
که مایحتاج خلق است چهل و هشت ساعت حبس از یکتومنان تا پنجتومان جریمه خواهد داد

(۴۶) هر کس بطور غیرمستور بکوچه بیرون باید باندازه تقصیر او از چهل و هشت ساعت الی یکماه  
حبس خواهد شد

(۴۷) هر کس میمیرد و هر کس متولد میشود کسان آنها مجبور است باداره خبر بدند تا در دفاتر  
اموات و متولدین اسمی آنها ثبت و قید شود هر کس تخلف نماید چهل و هشت ساعت حبس از یک  
تومان الی پنجتومان جریمه خواهد داد

(۴۸) کسی که تزویج میکند یا طلاق میگیرد از طرف زن و شوهر باید باداره اطلاع بدهد تا در دفتر ثبت  
شود هر کس مخالفت کند یکروز حبس از یکتومنان الی پنجتومان جریمه خواهد داد

(۴۹) هر کس میخواهد بسفری خارج از ولایت ایران برود یا اینکه از سفر مراجعت کرده باشد باید  
باداره پلیس اطلاع بدهد اینکس مخالفت نماید بیست و چهار ساعت حبس شده و از یکتومنان الی  
پنجتومان جریمه خواهد داد و این بجهت اینست که آنها در دفتر ثبت شده وارد و صادر معلوم  
گردد

(۵۰) کسی که از شهر طهران بسفر چهار و پنجماه بیرون برود چه هنگام عزیمت و چه در مراجعت باید  
باده پلیس اطلاع بدهد تا در دفتر نوشته شود هر کس تخلف نماید بیست و چهار ساعت حبس از  
یکتومنان الی پنجتومان جریمه گرفته میشود

(۵۱) کسی که میخواهد خانه بسازد و بنای جدیدی نماید که این بنا در سمت کوچه و متعلق به معتبر است باید نقشه آنرا آورده باداره پلیس اطلاع بددهد تا معلوم شود چگونه میخواهد بسازد و در دفتر نوشته شود اگر کسی اطاعت ننماید بیست و چهار ساعت حبس از یکتومن تا پنجتومان جریمه خواهد داد

(۵۲) هر کس قهوه خانه جدید میخواهد باز کند یا دکان تازه دایر نماید هر نوع امتعه در آن میخواهد بفروشد مجبور است باداره پلیس اطلاع بددهد اگر خبر ندهد چهل و هشت ساعت حبس از یکتومن تا ده تومان جریمه گرفته خواهد شد

(۵۳) کسی که میخواهد خانه خود را عوض کند باید باداره پلیس اطلاع بددهد که ثبت شود و الا بیست و چهار ساعت حبس از یکتومن تا پنجتومان باید بددهد

(۵۴) هر کس چیزی در کوچه و بازار پیدا نماید از قبیل اسباب و اسلحه و یا اسب و قاطر و الاغ و سایر حیوانات باید آنرا باداره نظمیه آورده تسلیم نماید و در عوض بفراخور اندازه قیمت آنچیز انعامی خواهد گرفت و هر کس پیدا کرده نیاورد و بعد معلوم شود از شش روز الی یکماه حبس و مانند دزد با او رفتار میشود

(۵۵) هر کس چیزی گم کند لازمست باداره پلیس اطلاع بددهد که مشغول تفحص و پیدا کردن آنچیز باشند

(۵۶) هر گاه صاحب خانه و یا دکانی خانه و یا دکان خود را غفلت کرده باز بگذارد و چیزی بدلزدی برند بعد باید به پلیس عارض شود پلیس حرف او را جزو لاطایلات شمرده او را نخواهد شناخت و گوش نخواهد داد

(۵۷) کسی که اسباب خود را بدون هیچ محافظه و پاسبان مخصوص جائی میگذارد اگر اسباب او را  
برند پلیس ابدآ ضامن آن نیست اما تجسس دزد را خواهد کرد

(۵۸) کسی که بچه در کوچه پیدا نماید او را باداره پلیس بیاورد هر کس تخلف بکند بیست و چهار  
ساعت حبس و از یک تومان الی سی تومان جریمه خواهد داد

**پیوست شماره ۳**

**قانون نامه جزای عرفی نصرت الدوّله فیروز**

## قانون جزای عُرفی<sup>۱</sup>

پیشنهادی حضرت اشرف والا شاهزاده نصرت الدوّله وزیر عدليّة اعظم که در تاریخ سه‌شنبه پنجم جمادی‌الاولی ۱۳۳۵ [هجری قمری]، هیئت وزراء عظام دامت شوکت‌هم اجرای موقت آن را تصویب فرموده‌اند.

۱۲۹۵ خورشیدی (برابر با ۱۹۱۷ م.).

---

۲. قانون جزای عُرفی، تهران، مطبوعه «ناروس» طهران، بی‌تا، بی‌تا.

## قانون جزای عرفی

### قسمت اول

#### در مجازات و اثرات مترتبه بر آن و سایر احکام کلیه

### فصل اول

#### در مجازات جنایت و جنحه و خلاف

ماده ۱- مجازات جنایت بر دو قسم است: اول ترهیبی و تردیلی با هم.

دوم تردیلی فقط.

مجازات جنحه تأدیبی است.

مجازات خلاف تکدیری است (رجوع بفصل اول از باب سیم قانون اصول محاکمات جزائی).

ماده ۲- جزاهیه که هم ترهیبی و هم تردیلی است از اینقرار است.

۱) اعدام.

۲) حبس دائم با قید.

۳) حبس غیردائم با قید.

۴) حبس دائم در قلاع.

۵) حبس غیردائم در قلاع.

۶) حبس مجرد.

ماده ۳- جزاهی که فقط ترذیلی است از اینقرار است:

۱) اخراج از مملکت.

۲) محرومیت از حقوق اجتماعی (رجوع به ماده ۲۲).

ماده ۴- جزاهی تأدیبی از اینقرار است.

۱) حبس غیردائم در محبس تأدیبی.

۲) محرومیت موقت از بعض حقوق اجتماعی یا مدنی یا خانوادگی.

۳) حبس قابل ابتیاع.

۴) ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص.

ماده ۵- جزای تکدیری فقط حبس قابل ابتیاع است.

ماده ۶- هر کس محکوم به اعدام شد سر او را از بدن قطع می کنند.

ماده ۷- جنازه مقتولین به خانواده آنان در صورتی که تقاضا کنند تسليم میشود بشرط آنکه متعهد شوند که بدون تشریفات دفن نمایند.

ماده ۸- اشخاصی که محکوم بحبس دائم با قید شده اند در محبس مخصوص این نوع حبس در تحت قید و مشغول اعمال شaque خواهند بود و مطابق نظامنامه که بموجب فرمان پادشاه برای آنها ترتیب داده شده با آنها رفتار می شود.

ماده ۹- مدت محکومیت بحبس غیردائم با قید کمتر از سه و بیشتر از پانزده سال نخواهد بود.

ماده ۱۰- اشخاصی که محکوم بحبس در قلاع شده‌اند در قلعه که بموجب فرمان پادشاه معین می‌شود بدون قید محبوس خواهند گردید. شخص محبوس می‌تواند با اشخاصی که در داخل محبس می‌باشند و نیز با اشخاص خارج از محبس مطابق نظامنامه که بموجب فرمان پادشاه مقرر می‌شود مراوده نماید.

حبس در قلاع هرگاه غیردائم باشد مدت آن کمتر از سه سال و بیشتر از پانزده سال نخواهد بود جز در موردی که در ماده (۲۰) مقرر است.

ماده ۱۱- اشخاصی که محکوم بحبس مجرد شده باشند در حجرات مخصوص جداگانه بدون قید محبوس خواهند شد و از مراوات خارجی ممنوعند مگر موافق ترتیبات خصوصی مطابق نظامنامه محبس‌ها که بر طبق آن فرمان صادر می‌شود.

مدت حبس مزبور کمتر از دو سال و بیشتر از ده سال نخواهد بود.

ماده ۱۲- مدت کلیه جزاهایی که موجب سلب آزادی است از روزی محسوب می‌شود که شخص محکوم عليه بر حسب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده است.

ماده ۱۳- در صورتی که شخصی قبل از صدور حکم موقتاً توقيف شده باشد و بر حسب حکم محکمه جنحه یا جنایت محکوم بجزائی گردد که سلب آزادی می‌کند ایام توقيف موقت از مدت حبس کسر خواهد شد جز در موردی که محکمه معین نماید که کل یا بعض آن محسوب نگردد.

ماده ۱۴- شروع باجرای هیچ مجازاتی در اعیاد مذهبی و ملی و روزهای رحلت و شهادت معصومین و روزهای جمعه نمی‌شود.

ماده ۱۵- اجراء حکم اعدام درباره رجال در یکی از محلهای عمومی ناحیه که محکمه معین خواهد کرد و درباره انانث در محبس بعمل می‌آید.

ماده ۱۶- در صورتیکه زن محکوم به اعدام حامله باشد حکم محکمه پس از وضع حمل مجری خواهد گردید.

ماده ۱۷- محکومیت بحبس دائم و غیردائم با قید و حبس مجرد و حبس در قلاع و اخراج از مملکت موجب سلب حقوق اجتماعی است.

سلب حقوق اجتماعی از روزی شروع میشود که حکم محکمه قطعی و قابل اجرا شده است و در مورد احکام غیابی از زمان اعلان و اشاعه حکم و چسبانیدن صورت مصدق درب اقامتگاه محکوم علیه غایب است.

ماده ۱۸- اشخاصی که به حبس با قید یا حبس در قلاع یا حبس مجرد محکوم میشوند مادام که در تحت مجازاتند میتوانند یکنفر یا بیشتر از طرف خود برای اداره و اقامه امور زندگانی خود تعیین نمایند و لیکن شخصاً نمیتوانند در مایملک خود تصرفات خودسرانه نمایند.

ماده ۱۹- اشخاصی که محکوم با خراج از مملکت گردیده‌اند بتوسط مأمورین مخصوص و بر حسب حکم دولت بخارج از خاک ایران فرستاده خواهند شد.

مدت اخراج کمتر از دو سال و بیشتر از ده سال نخواهد بود.

ماده ۲۰- اگر شخصی محکوم با خراج از مملکت قبل از انقضای مدت مجازات بخاک ایران مراجعت نماید همین که هویت او معلوم شد محکوم خواهد شد بحبس در قلاع و مدت این محکومیت کمتر از باقیمانده مدت مجازات اولی و بیشتر از ضعف آن نخواهد بود.

ماده ۲۱- درباره کسانیکه محکوم بحبس غیردائم با قید یا حبس غیردائم در قلاع یا حبس مجرد میشوند حکم ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص بعد از انقضاء مدت حبس در مدتیکه زیاده از ده سال نباشد نیز

جایز است.

ماده ۲۲- محرومیت از حقوق اجتماعی متضمن نتایج ذیل است- اولاً عزل و اخراج محکومین از هر خدمت دولتی. ثانیاً محرومیت از حق رأی دادن و انتخاب کردن و انتخاب شدن و جزء هیئت منصفه بودن و کلیه از تمام حقوق ملی و سیاسی و استعمال کلیه نشانهای دولتی. ثالثاً عدم صلاحیت آنان از مصدق و ممیز شدن و همچنین عدم قبول شهادت آنان در معاملات. اظهارات این اشخاص در عدیله فقط برای مزید اطلاع خواهد بود. رابعاً محرومیت از قیامت و ولایت و وصایت مگر نسبت به اولاد خود. خامساً منوعیت از حمل اسلحه و داخل شدن در قشون ملی و استخدام در نظام مملکتی و شغل مدیری و معلمی مدرسه و روزنامه‌نویسی و استخدام در کلیه دوایر معارف بعنوان معلمی و ناظمی و یا مبصری.

ماده ۲۳- هر موردی که حکم بمحرومیت از حقوق اجتماعی بطور مجازات اصلی صادر گردد جمع مجازات مذبور با یکمدمت حبسی که متجاوز از سه سال نباشد نیز جایز است.

ماده ۲۴- خلاصه کلیه احکام صادره بر اعدام و حبس دائم یا غیر دائم با قید و حبس در قلاع و حبس مجرد و محرومیت از حقوق اجتماعی و اخراج از مملکت بطبع رسیده و حکم مذبور در کرسی ایالات و ولایات و در محلی که حکم در آنجا صادر گردیده و در محلی که جرم در آنجا واقع شده و در جاییکه حکم مذبور بموضع اجرا گذارده میشود و در محل اقامت محکوم عليه اعلان خواهد شد.

ماده ۲۵- اشخاصی که بواسطه ارتکاب به جنحه محکوم به حبس تأدیبی شده‌اند در محبس تأدیبی بدون قید محبوس میشوند و موافق نظامنامه محبس‌های تأدیبی از مشاغلی که برای محبوسین مقرر است هر شغلی را که بخواهند اختیار میکنند.

مدت حبس جنحه از شش روز الی سه سال است جز در مورد ارتکاب مجدد و موارد دیگری که قانون استثنای کرده و مجازات دیگر تعیین نموده است.

حبس یکروز ۲۴ ساعت و حبس یکماه سی (۳۰) روز است.

ماده ۲۶- یک قسمت از منافع کاری که مجبوس می‌کند برای مخارج عمومی محبس مقرر است و بقیه مخصوص بشخص محبس است که موافق نظامنامه محبس بهر مصرف میخواهد برساند.

ماده ۲۷- محاکم جنحه در بعضی از موارد میتوانند حکم محرومیت کل یا بعضی از حقوق اجتماعی و مدنی مفصله ذیل را صادر نمایند.

۱) انتخاب نمودن اعضای پارلمان و انجمنهای ایالتی و بلدی.

۲) منتخب شدن در موارد مذبوره.

۳) معین شدن و اشتغال بمشاغل هیئت منصفه یا بشغلی از مشاغل دولتی و ملتی.

۴) حمل اسلحه.

۵) قیم یا وصی شدن.

۶) مصدق بودن و شهادت دادن در عدیله یا در سایر موارد رسمی مگر اینکه اظهارات آنها فقط برای اطلاع باشد.

ماده ۲۸- محاکم جنحه حکم محرومیت مذبوره در ماده فوق را نخواهند داد مگر در مواردی که قانون تصریح نموده است.

ماده ۲۹- محاکومین در محاکم عدیله علاوه بر محرومیت‌های فوق ممکن است بموجب قوانین و نظامات دیگر دولتی از بعض حقوق دیگر نیز محروم شوند.

ماده ۳۰- در مواردی که محکمه جزا بموجب قانون درباره مقصیر حکم به حبس قابل ابیاع میدهد هرگاه محکوم بخواهد حبس خود را ابیاع نماید میزان آن از قرار روزی سی و دو قران است.

ماده ۳۱- محاکومیت به حبس قابل ابیاع مستلزم حرمان از حقوقی که لازمه حبس‌های دیگر است نیست.

ماده ۳۲- حبس تکدیری از جهت امور خلافیه بر حسب درجات و مراتب شخصیه کمتر از یکروز و بیشتر از پنجروز نخواهد بود و هر روز حبس را باید بیست و چهار ساعت تمام محسوب داشت.

ماده ۳۳- مجازات حبس تکدیری در امور خلافیه کلیه بمیل محاکوم قابل تبدیل بوجه نقدی است و میزان تبدیل بسته بنظر محکمه و درجات استطاعت مقصو و کیفیت تقسیر او است حداقل در ازای هر روز حبس دو قران و حد اکثر سی قران است و در کلیه موارد محکمه باید مبلغی را که حبس تأدیی با آن تبدیل میشود تحقیقاً معین کند.

## فصل دویم

در سایر احکامی که ممکن است در موارد خلاف و جنحه و جنایت صادر شود

ماده ۳۴- محاکومیت بمجازاتی که بر حسب قانون معین میشود مانع از تأديه خسارات (ضرر و زیان) نیست.

ماده ۳۵- در تمام امور جزائی محکمه مرجوعه باید حکم مخصوص صادر نماید هم درباره اشیائیکه دلائل جرم بوده و متعلق بجرائم محکوم است هم درباره اشیائیکه از جرم تحصیل شده و هم درباره اشیائیکه در حین ارتکاب استعمال شده یا برای استعمال معین شده بوده است.

ماده ۳۶- در صورت استرداد مال غیر هر گاه خسارتی بصاحب مال وارد شده باشد میتواند علاوه بر استرداد مال خود مطالبه خسارت از شخص مقصراً متعدی بنماید و تعیین مقدار خسارت در مواردی که قانون معین نکرده باشد بنظر محکمه است.

ماده ۳۷- اجراء حکمی که از محاکم جزائی صادر شده و موضوع آن مالی باشد از قبیل استرداد اصل مال و خسارت طرف و مخارج عدليه ممکن است بواسیله توقيف و حبس تا زمان تأديه بعمل آید مگر اينکه محکوم اعسار خود را ثابت کند و مدام که اعسار به ثبوت نرسیده توقيف خواهد بود. در صورت ثبوت اعسار و رهائی مدام که معسر است از او مطالبه نمی شود مگر آنکه ثانیاً ممکن شود.

## فصل سیم

### در مجازات تکرار جرم

ماده ۳۸- هرگاه کسی به حکم قطعی (قابل اجرا) محکوم به ارتکاب جنایتی شود و بعد از اجرای مجازات باز مرتكب جنایتی گردد مجازات ثانی او از قرار ذیل است.

اگر مجازات اصلی جرمی که ثانیاً مرتكب شده محرومیت از حقوق اجتماعی است محکوم با خراج از مملکت خواهد گردید.

اگر مجازات جرم ثانوی اخراج از مملکت باشد محکوم به حبس غیر دائم در قلاع خواهد بود.

اگر مجازات آن حبس مجرد باشد محکوم به حبس غیر دائم با قید خواهد بود.

هرگاه مجازات آن حبس غیر دائم در قلاع باشد از حد اکثر جزاء مزبور تا ضعف آن مجازات داده می شود.

و اگر مجازات جرم ثانوی حبس غیر دائم با قید است از حد اکثر جزاء مزبور تا ضعف آن مجازات داده می شود.

و هرگاه مجازات آن حبس دائم در قلاع باشد محکوم به حبس دائم با قید خواهد گردید.

و اگر کسی محکوم به حبس دائم با قید بوده و در ثانی مرتكب جرمی بشود که همان مجازات را داشته باشد جزای او اعدام است.

ماده ۳۹- هرگاه کسی بحکم محکمه نظامی بری یا بحری محکوم گردد و مجدداً مرتكب جنحه یا جنایتی شود در محاکم جزائی بمجازات جنحه و جنایت مکرره محکوم نخواهد گردید مگر اینکه محکومیت اولیه شخص بواسطه جنحه و جنایتی باشد که بموجب قانون جزای عمومی قابل مجازات بوده است.

ماده ۴۰- هرگاه شخصی از حیث ارتکاب جنایت بمجازات حبس محکوم گردد و بعد از اتمام مجازات مذکور یا رفع آن بواسطه مرور زمان قانونی (ماده ۴۳) در ظرف پنج سال مرتكب جنحه شود که مجازات آن حبس باشد بمجازات حد اکثر جزای قانونی محکوم خواهد گردید و ممکن است که ضعف جزای مذکور

درباره وی مقرر گردد بعلاوه ممکن است که محکوم علیه ممنوع شود از اقامت در محله‌ای که صورت آن قبل از آزادی مشار الیه از طرف دولت اعلام خواهد شد و مدت ممنوعیت کمتر از پنج و بیشتر از ده سال نخواهد بود.

ماده ۴۱- در صورتیکه شخصی بجرائم جنحه محکوم به حبس شود و در ظرف پنج سال بعد از اتمام مجازات مذکور یا رفع آن بواسطه مرور زمان (ماده ۴۳) ثانیاً جنحه که موجب حبس باشد گردد بطريق ماده قبل مجازات میشود.

هر گاه جنحه ثانی را بعد از پنج سال از اتمام مجازات اولی یا رفع آن بواسطه مرور زمان مرتکب گردد مجازات تکرار جرم نخواهد دید و مثل کسی مجازات میشود که فقط یکمرتبه مرتکب جرم شده باشد.

ماده ۴۲- مجازات تکرار جرم خلاف در موقع تعیین مجازات خلاف‌ها معین شده است.  
مجازاتهای مذکوره برای تکرار جرم خلاف درباره کسانی مقرر میشود که خلاف مجدد را در ظرف یکسال از محکومیت اول مرتکب شده باشند ولی هر گاه بیش از یک سال از زمان ارتکاب اول گذشته باشد مانند اشخاصی مجازات خواهند شد که در نوبت اول محکوم میشوند.

## فصل چهارم

### در اسقاط و تعلیق و تخفیف مجازات

ماده ۴۳- در موارد جرم‌هاییکه در این قانون مذکور است هرگاه کسی مرتکب خلاف یا جنحه یا جنایت شده و در مورد خلاف در ظرف یکسال شمسی و در مورد جنحه در مدت سه سال شمسی و در مورد جنایت در ظرف ده سال شمسی جرم او تعقیب نشده باشد دیگر تعقیب از مجرم نمی‌شود و اگر شروع به تعقیب مجرم شده ولی این تعقیب بجهتی موقوف مانده و مدت‌های مزبوره منقضی گردیده باشد دیگر اعاده تعقیب نخواهد شد. مبدأ مدت‌های مذکوره در صورت اخیره از روزی است که تعقیب متهم یا مقصوٰ موقوف شده است.

ماده ۴۴- هرگاه تعقیب خلاف یا جنحه یا جنایت بعمل آمده و حکم مجازات نیز صادر شده ولی بجهتی از جهات غیر مجری مانده حکم مجازات مزبور در مورد خلاف بعد از دو سال و در مورد جنحه بعد از پنجسال و در مورد جنایت بعد از بیست سال از روز صدور بلا اثر خواهد بود و دیگر مجری نخواهد شد لیکن نتایج آن از قبیل محرومیت از حقوق اجتماعی باقی خواهد بود.

ماده ۴۵- شخصی که بواسطه ارتکاب جنحه محکوم به جزای نقدی حبس شده که مدت آن زیاده از دو سال نیست در صورتیکه سابقاً مرتکب جنحه یا جنایت دیگری نشده باشد محکمه میتواند نظر باخلاق و احوال او با دلایل موجّهی که موجب تعلیق مجازات باشد اجرای مجازات را موقتاً موقوف بدارد مشروط بر اینکه از روز صدور حکم تعلیق تا پنجسال شخص محکوم مصدر جنحه یا جنایت دیگر نشود.

ماده ۴۶- در مورد ماده قبل هرگاه محکومی که محل رعایت فوق واقع شده در مدت پنجسال جنایت یا جنحه جدیدی مرتکب نشد محکومیت اولیه او مبلغی و کان لم یکن خواهد شد ولی اگر در مدت پنجسال مذکور مرتکب جنایت یا جنحه جدیدی شد بدلوآ مجازات اولیه مجری و بعد از آن مجازات جنایت یا جنحه جدید نیز درباره او اجرا خواهد گردید.

ماده ۴۷- تعلیق مجازات موجب تعلیق تادیه مخارج محکمه و یا ضرر و خسارت وارد نخواهد شد.

ماده ۴۸- هرگاه محرومیت از حقوق اجتماعی و ممنوعیت از بعضی از حقوق مزبوره بطور مجازات فرعی صادر شده باشد حکم تعلیق مجازات اصلی شامل مجازات فرعی نخواهد بود.

اما اگر محکومیت شخص بموجب ماده قبل ملغی شود مجازات فرعی هم از تاریخ الغای مجازات اصلی ملغی و مرتفع خواهد بود.

ماده ۴۹- حکم تعلیق مجازات باید از همان محکمه که حکم مجازات را داده توأماً صادر شود و رئیس محکمه باید بعد از تعلیق مجازات بمحکوم اطلاع بدهد که اگر بواسطه ارتکاب جنایت یا جنحه جدیدی محکوم شود مورد مجازات اولیه واقع شده و بمجازاتیکه بواسطه تکرار جنحه و ارتکاب جنایت مطابق مواد (۳۸) و (۴۰) و (۴۱) این قانون مقرر است محکوم خواهد گردید.

ماده ۵۰- محکومیت تعلیقی در دفتر مخصوص که راجع بمحکومیتها است ثبت خواهد شد.

ماده ۵۱- تعلیق مجازات شامل محکومین بمجازات جنایت و خلاف نیست.

ماده ۵۲- هرگاه هیئت حاکمه درباره اشخاصی که تقصیر ایشان محقق شده است تصدیق کنند که واقعه مفرون به کیفیات مخففه بوده است مجازات ایشان بطريق ذیل مقرر میشود.

اگر مجازات جنایت مزبوره اعدام باشد محکمه جنایت آنرا تبدیل بحبس دائم یا غیردائم با قید خواهد نمود. اگر حبس دائم با قید باشد محکمه آنرا تبدیل بحبس غیردائم با قید یا حبس مجرد مینماید.

هرگاه مجازات حبس غیردائم با قید باشد محکمه آنرا مبدل بحبس مجرد مینماید.

اگر مجازات حبس دائم در قلعه باشد محکمه آنرا تبدیل بحبس مجرد مینماید.

هرگاه مجازات جنایت واقعه حبس غیردائم در قلعه یا حبس مجرد یا اخراج از مملکت یا محرومیت از حقوق اجتماعی باشد مجازاتهای مذکور تبدیل به حبس تأدیبی از یکسال الی سه سال خواهد گردید و ممکن است سلب حقوق مذکور در ماده (۲۷) نیز در مدت سه سال الی ده سال از روزی که مجازات حبس باتمام بررسد درباره مقصص حکم شود.

ماده ۵۳- در مواردی که قانون جزا حد اکثر مجازات ترهیبی را مقرر میدارد هرگاه کیفیات مخففه موجود باشد محاکمه جنایت حداقل همان مجازات را یا مجازاتی که یکدرجه پائین‌تر است میدهد.

ماده ۵۴- هرگاه مجازات جنحه بحسب قانون جزا حبس تأدیبی یا حبس قابل ابیاع باشد اگر کیفیات مخففه موجود باشد محاکم جنحه مجازند که حبس را تا کمتر از شش روز مقرر دارند و لو اینکه جرم تکرار شده باشد.

ماده ۵۵- هرگاه کسی قصد جنایتی کرده و شروع با جراییات آن بنماید ولی بواسطه موانع خارجی قصدش معلق یا بی‌اثر بماند و نفس جنایت منظوره او وقوع نیابد عملیات او مستوجب مجازات است و مجازاتی که با و داده میشود حداقل مجازاتی است که برای نفس جنایت مقرر است و در صورتیکه مجازات اصل جنایت اعدام باشد مبدل بحداکثر حبس غیردائم با قید میشود.

ماده ۵۶- در جنایاتیکه مجازات حبس با قید یا حبس در قلایع برای آنها مقرر است هرگاه مقصص زن یا مرد هفتاد ساله باشد مجازاتهای مذکوره تبدیل به حبس مجرد میشود.

ماده ۵۷- کسانیکه مشمول رعایت اسقاط و تعليق و تخفيض مجازات میشوند هرگاه از اقامت در محل مخصوص ممنوع شده باشند رفع این ممنوعیت درباره آنان بسته بنظر دولت و محاکمه است.

## فصل پنجم

در تشخیص اشخاصی که مرتکب جرم شده و قابل عفو یا مستوجب مجازات و یا مسئولند.

ماده ۵۸- هر گاه اشخاص متعدده مرتکب جرمی شوند بطوریکه تقصیر همه بالسویه باشد یا اینکه هر کدام یک جزء از جرم واحد را انجام دهنده شرکاء جرم محسوباند و مجازات همه یکسان است.

ماده ۵۹- اشخاصی که بوعده یا تهدید و یا بسوء استعمال اختیارات قانونی و تخطی از حدود قانونیه و تفتین یا تزویر و یا اغوا و یا دادن تعليمات باعث و محرك جرمی شوند معاونین مجرم خواهند بود- همچنین همدستان مجرمین محسوبند اشخاصی که تدارک اسلحه و اسباب و آلات و ادوات جرم و امثال آنها را نموده یا به مجرم بدنهند و بدانند که اسلحه و اسباب مزبوره برای ارتکاب جرمی است و نیز کسانیکه عالمًا به مباشر جرم از حیث تهیه و تدارک آن یا تسهیل اجرای آن معاونت کرده و یا در حین ارتکاب دخالت نموده‌اند.

ماده ۶۰- معاونین مجرمین بطريق ذيل مجازات ميشوند.

هر گاه مجازات مرتکب اصلی اعدام یا حبس دائم باشد مجازات معاونین حبس غیردائم با قيد خواهد بود و اگر مجازات مرتکب اصلی حبس دائم در قلاع باشد مجازات معاونین حبس غیردائم در قلاع است.  
هر گاه مجازات مرتکب اصلی حبس غیردائم با قيد بوده مجازات معاونین حبس با قيد است از يکسال الى سه سال و اگر مجازات مرتکب اصلی حبس غیردائم در قلاع باشد مجازات معاونین حبس در قلاع است از يکسال تا دو سال.

هر گاه مجازات مرتکب اصلی حبس مجرد یا اخراج از مملکت باشد مدت همان مجازات نسبت بمعاونین از چهار ماه تا دو سال است و اگر مجازات مرتکب اصلی حبس تأدیبی باشد مجازات معاونین بنظر محکمه از سدس مدت مجازات مرتکب اصلی الى ثلث مقرر خواهد بود.

ماده ۶۱- اشخاصی که از اخلاق و اعمال جنایت کارانه اشرار مطلع بوده و نیز از حالات اشخاص و کسانی

که بر ضد امنیت دولت و ملت اقدام مینمایند و یا بر جان و مال مردم بی اعتدالی میکنند آگاه باشند و برای آنها عاده منزل یا پناهگاه و یا محل اجتماع تهیه کنند مجازات آنها بموجب مراتب جرم مانند مجازات معاونین خواهد بود.

ماده ۶۲- هرگاه بواسطه ارتکاب جنحه یا جنایتی اشیائی بدست آمده یا اختلاس و یا سرقت شده و کسانی آن اشیاء را عالمًا عامدًا مخفی نمایند در حکم معاونین محسوب شده و مجازات آنان مانند مجازات سایر معاونین مرتکبین جنحه یا جنایت مزبوره است.

ماده ۶۳- در صورتیکه مجازات مرتکبین اعدام باشد مجازات مخفی کنندگان مرتکب حبس غیر دائم با قید خواهد بود. در هر حال مجازات حبس با قید و یا حبس دائم در قلعه به مخفی کنندگان داده نخواهد شد مگر اینکه ثابت شود که مخفی کنندگان در موقع اخفاء از اوضاع و احوال اعمالی که بموجب قانون مجازات اعدام و حبس دائم با قید و حبس دائم در قلعه دارد مطلع بوده‌اند.

در صورتیکه مخفی کنندگان فقط علم به تقصیر مرتکب دارند ولی نسبت بخصوصیات سابق جاهل باشند مجازات ایشان حبس مجرد است.

ماده ۶۴- هیچ جنایت یا جنحه را نمیتوان عفو نمود و یا مجازات آن را تخفیف داد **الا** در مواردیکه قانون آنرا قابل عفو دانسته و یا در مجازات آن تخفیفی داده باشد.

ماده ۶۵- هرگاه شخص مرتکب در حین ارتکاب جرم مجنون بوده یا بقوه قهریه مجبور بارتکاب گردیده و قوه مقاومت و مخالفت را نداشته در عداد مرتکبین جنحه و جنایت محسوب نخواهد بود.

ماده ۶۶- در صورتیکه شخص مرتکب غیر بالغ و غیر ممیز باشد از مجازاتی که برای مرتکب بالغ ممیز مقرر است معاف خواهد بود ولی باید بر حسب اوضاع و احوال او را با قید التزام باولیای او تسلیم نمود یا بحکم

محکمه به تربیت‌خانه فرستاد که در آنجا محفوظ و بترتیب مقرر تربیت شود و نهایت مدتیکه برای این توقيف مقرر می‌شود حدّ بلوغ است.

ماده ۶۷- اشخاص ممیز غیربالغ که مرتکب جنایتی شوند مجازات آنها حبس تأدیبی از یکسال و نیم الی پنجسال است و هرگاه مرتکب جنحه شوند مجازات ایشان زیاده از نصف مجازات اشخاص بالغ که مرتکب همان جنحه گردند نخواهد بود.

ماده ۶۸- اشخاص غیربالغ هرگاه مرتکب جرمی شوند اگرچه جرم ایشان جنایت باشد در محکمه جنحه محکمه می‌شوند مگر اینکه شخص بالغی شریک یا معاون ایشان بوده باشد که در اینصورت هر دو در محکمه جنائی محکمه خواهند شد.

ماده ۶۹- مبازرین مهمانخانه‌ها و کاروانسراها و امثال آنان پس از آنکه ثابت شود که بیش از ۲۴ ساعت بشخصی که در مدت توقف در مهمانخانه و کاروانسرا و غیره مرتکب جنایت یا جنحه شده است منزل داده‌اند مسئول باسترداد خسارت و مخارجی که بر اشخاص منضر [متضرر] وارد آمده خواهند بود و این در صورتی است که مبازرین مذبوره در دفتر خود اسم و شغل و محل اقامت شخص مقصراً ثبت نموده باشند.

ماده ۷۰- در مواردی که ممکن است در ضمن امر جنائی یا جنحه یا خلاف مسئولیت حقوقی حاصل شود محکمه بر طبق قوانین حقوقی رسیدگی نموده حکم میدهد.

قسمت دویم.

### در جنحه و جنایت نسبت به دولت

#### فصل اول

##### در جنحه و جنایت بر ضد امنیت دولت.

#### بحث اول

در جنایات و جنحه بر ضد امنیت خارجی مملکت.

ماده ۷۱- هر فرد از افراد ایرانی که با مشارکت دشمنان خارجی بر ضد دولت مسلح شود محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد گردید.

ماده ۷۲- هر گاه شخصی با دول خارجه یا مأمورین آنها داخل در اسباب چینی شود یا آنها را بخصوصت یا جنگ با دولت وادار نماید یا وسایل آنرا برای آنها فراهم آورد محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد گردید. حکم مزبور مجرمی خواهد بود ولو آنکه اسباب چینی او مؤثر واقع نشد.

ماده ۷۳- هر گاه شخصی از حیث تسهیل دخول دشمنان دولت در داخل مملکت و یا متصرفات آن سبب فتنه و شده با آنها مساعدت نماید و یا آنکه شهر یا قلعه یا میدان و یا قراولخانه و بندر و مخزن و قورخانه و یا کشتی های متعلقه بدولت را بتصرف دشمن درآورد و یا آنکه از برای دشمن دولت قشون یا امداد نقدی یا جنسی یا مهمات و یا اسلحه و استعدادی [استمدادی] فراهم نماید محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد گردید.

و همچنین است مجازات اشخاصی که موجبات موفقیت دشمن دولت را اعم از اسباب بری یا بحری برای استعمال در داخله مملکت فراهم کنند و یا آنکه موجب تزلزل صمیمیت صاحب منصبان یا افراد قشونی و امثال آنها گردیده آنها را بخیانت و مخالفت نسبت بشخص پادشاه یا دولت برانگیزاند.

ماده ۷۴- در صورتیکه شخصی با تبعه دولتی که طرف خصومت با دولت ایران است مکاتبه نماید و مقصود از این مکاتبه ارتکاب هیچیک از جنایات مذکوره در ماده فوق نبوده ولی مکاتبه مزبوره از برای دشمن دولت متضمن تعليمات و فوایدی [قوایدی] باشد که از برای امور نظامی یا پولیتیکی دولت ایران یا دول متحده با ایران مضر باشد آن شخص متصدّی محکوم به حبس غیر دائم در قلّاع خواهد گردید. و در صورتی که اطلاعات مزبوره مبنی بر مواضعه و جاسوسی بوده است مجازات حبس دائم با قید خواهد بود.

ماده ۷۵- مجازات مقررہ در دو ماده (۷۱) و (۷۲) بر اشخاصی که در صدد فتنه و فسادهای مذکوره در همین دو ماده برآمده‌اند تعلق خواهد گرفت اعم از آنکه جرمی را که مرتكب شده‌اند بر ضدّ دولت ایران بوده یا آنکه بر ضدّ دولی باشد که با ایران در مقابل دشمن متحد شده‌اند.

ماده ۷۶- هر یک از صاحب منصبان ادارات و هر یک از مأمورین دولت یا هر کسی که بمناسبت مأموریت از اسرار مذاکرات و مقاولات یا حرکت قشون دولتی اطلاع حاصل نموده یا او را مطلع داشته‌اند و اسرار مذکوره را بمائورین دولت خارجه ابراز نماید محکوم به حبس دائم در قلّاع خواهد شد.

ماده ۷۷- هر یک از صاحب منصبان ادارات و یا مأمورین دولتی که بر حسب وظایف رسمیّه خود مأمور بحفظ نقشه‌جات از قبیل نقشه‌تحصینات و قورخانه و بنادر و اسکله‌های دولتی بوده و آنها را کلاً یا بعضاً بدشمن یا بمائورین دشمن تسليم نماید محکوم به حبس دائم در قلّاع خواهد گردید.

در صورتی که شخصی نقشه‌جات مذکوره را بمائورین دولتی که بیطرف بوده و یا با دولت ایران اتحاد داشته است تسليم نماید محکوم به حبس دائم در قلّاع خواهد گردید.

ماده ۷۸- هر گاه اشخاصی غیر از اشخاص مذکوره در ماده قبل بوسیله رشوه یا تقلب و یا عنفاً نقشه‌های مذکوره در ماده فوق را بدست آورده و تسلیم بخصم یا به مأمورین یکی از دول خارجه نمایند مانند مأمورین دولتی چنانکه در ماده قبل مذکور گردید با همان تمایزات مجازات خواهند شد.

هر گاه نقشه جات مذکوره بدون رشوه یا تقلب یا اجبار بدست دیگری آمده و آنسخض مطابق قسمت اول ماده قبل آنرا تسلیم نماید از یکسال الى سه سال حبس خواهد گردید.

ماده ۷۹- هر گاه شخصی جاسوسان یا سربازان دولت خصم را که مأمور به تفتشیش بوده اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنان شود محکوم به حبس دائم در قلاغ خواهد شد.

ماده ۸۰- اشخاصی که بواسطه اقدامات خصمانه که بتصویب دولت نرسیده سبب شوند که دولت خارج بدولت ایران اعلان جنگ نماید محکوم با خراج از مملکت خواهند گردید و در صورتیکه بواسطه این اقدام جنگ واقع شود محکوم بحبس دائم در قلعه خواهند شد.

ماده ۸۱- هر گاه شخص ایرانی بر خلاف رأی و تصویب دولت ایران باعث شود که اهالی دولت خارجه در مقام تقاض (معامله بمثل) برآیند که ضرری از این بابت به اهالی مملکت وارد آید محکوم با خراج از مملکت خواهد بود.

### مبحث دویم

در جنایات بر ضد امنیت داخلی مملکت.

۱- در سوء قصد و کنکاش در باره شخص پادشاه و خانواده او.

ماده ۸۲- مجازات سوء قصد بر حیات پادشاه یا برای صدمه و زحمت بدنی او اعدام است.  
هر گونه هتك حرمتی که نسبت بشخص پادشاه علناً واقع شود موجب مجازات از یکسال الى سه سال حبس

خواهد بود و شخص مقصراً علاوه بر مراتب فوق ممکن است بمیزان مدت حبس مقررةً مذکوره از کل یا بعض حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم گردد و ابتدای مدت مذکوره از روز انقضای مدت مجازات حبس خواهد بود.

ماده ۸۳- مجازات سوء قصد نسبت بحیات ولیعهد و اولاد پادشاه عصر اعدام است.

مجازات سوء قصد برای صدمه و زحمت بدنی نسبت به ولیعهد و اولاد پادشاه عصر حبس دائم در قلعه است.

کلیه هتك حرمت علني نسبت بولیعهد و اولاد پادشاه عصر موجب مجازات از یکماه الى سه سال حبس خواهد گردید.

ماده ۸۴- مجازات‌های مذکوره در ماده (۸۳) در حق کسانی که بترتیبات فوق نسبت به نیابت سلطنت عظمی سوء قصد یا علناً هتك حرمت نمایند نیز تعلق خواهد گرفت.

ماده ۸۵- مجازات سوء قصد از برای انقرافی یا تغییر اوضاع دولتی یا تبدیل ترتیب ولایت عهد یا تحریک اهالی به تشهیر سلاح به مخالفت با سلطنت حبس دائم در قلعه است.

ماده ۸۶- هرگاه شخصی در مقام کنکاش برای ارتکاب جنایات مذکوره در مواد (۸۲) و (۸۳) و (۸۴) و (۸۵) برآید و برای اجرای جنایات مذکوره مرتکب امری از موجبات آن شده یا بموجبات آن شروع نماید محکوم بحبس غیر دائم در قلعه خواهد گردید و هرگاه کنکاش مذکور منجر بهیچ ارتکابی و یا تهیه مقدمات اجرائیه آن نشود مجازات آن اخراج از مملکت است.

قرارداد فیمابین دو یا چند نفر از برای اقدام بجنایات مذکوره در حکم کنکاش است. در صورتیکه شخصی تکلیف کنکاش برای ارتکاب جنایات سابق الذکر نموده و تکلیف مذکور مقبول نیفت شخص تکلیف کننده از یک الى سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید و بعلاوه ممکن است شخص مقصراً از بعض یا کل حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم گردد.

ماده ۸۷- هرگاه شخصی منفرداً عزم یکی از جنایات مذکوره در مواد (۸۳) و (۸۴) نماید و یکی از موجبات اجرائیه آن جنایت را مرتكب شود یا بموجبات آن شروع نماید محکوم به مجازات حبس غیر دائم در قلاع خواهد گردید.

۲- در جنایات راجعه باغتشاش مملکت از حیث جنگ داخلی و استعمال قوae حریبه بطور غیر مشروع و خرابی و غارت عمومی.

ماده ۸۸- هرگاه شخصی از برای تحریک بجنگ داخلی اهالی و سکنه را به مسلح شدن و جنگ کردن با یکدیگر اغوا کند و یا آنکه سبب خرابی و قتل و نهب و غارت در یک یا چندین دهکده گردد محکوم بحبس دائم در قلاع خواهد گردید.

کنکاشی که برای وقوع یکی از جنایات مذکوره در جمله فوق بعمل آید و همچنین تکلیف کنکاش مزبوره موافق ماده (۸۶) و تشخیصاتی که در ماده مزبوره مقرر است مجازات خواهد گردید.

ماده ۸۹- اشخاصی که بالمباهره یا بتوسط اشخاص دیگر دستجات قشونی بدون امر دولت فراهم کرده باشند اعم از اینکه آنها را خود اجیر نموده یا آنکه دور خود جمع کرده باشند محکوم به حبس دائم در قلاع خواهند گردید.

و همچنین است امر هرگاه از برای قشون مزبور تهیه و تدارک آذوقه و اسلحه نمایند بدون امر و اجازه حکومت قانونی.

ماده ۹۰- اشخاصی که بدون حق و سبب قانونی خود را فرمانده اردوی نظامی یا دستجات قشونی یا جهازات جنگی و یا محل حصین و قلعه و یا قراولخانه و یا بندر و شهری قرار دهند و همچنین کسانیکه بر ضد حکم دولت خود را بفرماندهی قشونی که داشته‌اند ابقاء دارند و نیز اشخاصی که پس از صدور حکم مخصوصی یا انفال اردوی نظامی یا دستجات قشونی آنها را در محلی جمع نگاه دارند محکوم به حبس دائم در قلاع

خواهند گردید.

ماده ۹۱- کسانیکه حق اعمال قوای دولتی دارند و برای مخالفت با ترتیب گرفتن افراد قشونی که بر حسب قانون مقرر گشته قوای مزبور را اعمال نمایند یا حکم اعمال دهند و یا موجبات اعمال آنرا فراهم آورند محکوم بحبس غیر دائم در قلعه خواهند گردید.

هر گاه اقدام مزبور ترتیب اثری نماید شخص مقصود محکوم به حبس دائم در قلاغ خواهد شد.

ماده ۹۲- اشخاصی که ابیه و مخزن و قورخانه و کشتی یا سایر متمکرات دولتی را بواسطه نقب زدن و استعمال اشیاء محرق و بمب و امثال آن محترق یا خراب نمایند محکوم به حبس دائم در قلاغ خواهند گردید.

ماده ۹۳- اشخاصی که در مقام تحریک افراد قشون نظامی برآمده آنها را بعدم اجراء وظایف نظامی و اطاعت رؤسای خود و ادارند از شش ماه الی دو سال محکوم به حبس تأدیبی خواهند گردید.

ماده ۹۴- هر کسی که برای تصرف خالصه جات و املاک و اموال دولتی یا حصون و شهرها و قلعه جات و قراولخانه های سرحدی و مخزن ها و قورخانه ها و بنادر و کشتی ها و زورق های متعلقه بدولت و یا برای غارتگری و یا از جهت تقسیم کردن املاک دولتی یا ملی و یا املاک جماعتی از اهالی مملکت و یا برای حمله و مقاومت بقوای دولتی که از برای جلوگیری مرتکبین جنایات مذکوره مقرر است خود را سر کرده بعضی دستجات مسلحه قرار دهد و یا بائی نحو کان ریاست و فرماندهی بر آنها کند یا در کار آنها همدستی کند محکوم به حبس دائم در قلاغ خواهد گردید.

اشخاصی که مجمع مزبور را اداره کرده و تحریک نمایند یا سبب تحریک شوند یا تشکیل مجموعی دهند یا سبب تشکیل آن گردند یا از برای آنها عالمًا عامداً اسلحه و استعداد و آلات و ادوات جنایتی تدارک نمایند و یا مدد و کمکی بفرستند یا بطريق دیگر با رؤسا و فرماندهان دستجات مزبوره مواضعه و موافقت داشته باشند به

مجازات فوق الذکر محکوم خواهند شد.

ماده ۹۵- هر گاه یک یا چند جنایت از جنایات مذکوره در مواد (۸۲) و (۸۳) و (۸۴) و (۸۵) و (۸۸) بتوسط یک یا چند دسته وقوع یافته یا اقدام گردد هر یک از اشخاصی که از دسته‌های مذکوره بوده‌اند و در محل اجتماع فساد دستگیر شده‌اند بدون تشخیص درجات محکوم به مجازاتهای مذکوره در مواد سابق الذکر خواهند شد.

از همین قرار است مجازات اشخاصی که در محل مجمع فساد دستگیر نشده ولی مفسدین را اغوا نموده یا در دستجات عملیات نموده یا ریاست کرده‌اند.

ماده ۹۶- هر گاه موضوع اجتماع فساد آمیز جنایتی از جنایات مذکوره در مواد (۸۲) و (۸۳) و (۸۴) و (۸۵) و (۸۸) نبوده باشد اشخاصی که در جزو دستجات افسادیه مذکوره در ماده قبل بوده‌اند بدون اینکه فرمانی داده و یا شغلی داشته و در محل فساد دستگیر گردیده‌اند محکوم به حبس غیر دائم در قلعه خواهند گردید.

ماده ۹۷- اشخاصی که نیت دستجات مذکوره در دو ماده فوق را دانسته یا از موضوع افساد آنها اطلاع داشته و بدون اجبار بآنها منزل دهنده و یا محل اجتماع و یا پناهگاه برای آنها تهیّه نمایند محکوم به حبس مجرد خواهند گردید.

ماده ۹۸- اشخاصی که داخل در دستجات مفسدین بوده‌اند بدون آنکه بر آنها ریاست داشته یا آنکه صاحب شغلی بوده باشند و بمجرد اخطار حکومت کشوری یا نظامی از دستجات مذکوره خارج شوند و یا آنکه از زمان اخطار حکومت نظامی یا کشوری بعد اگر هم دستگیر شوند در خارج از محل اجتماع مفسدین و بدون مقاومت و اسلحه بوده باشد مجازات مفسدین را نخواهند داشت و فقط اگر شخصاً مرتکب جنایتی شوند مجازات خواهند گردید.

ماده ۹۹- کلیه آلات قطاعه از جمله اسلحه حربیه محسوب میشود.  
چاقو- و مقراض جیبی- و عصاهاي ساده مادام که از برای کشن و زخم زدن و صدمه وارد آوردن استعمال  
نشود از جمله آلات حربیه محسوب نخواهد گردید.

### حکم عمومی راجع به هر دو عنوان این مبحث

ماده ۱۰۰- اشخاصی که مردم را تحریک بارتکاب جنایات مذکوره در این مبحث نمایند اعمّ از آنکه  
بواسطه نطق در مجتمع یا اوراق خطی و چاپی باشد مانند اشخاصی که مرتکب جنایات مزبوره شده‌اند مجازات  
خواهند گردید ولی در صورتیکه باین اقدامات اثربال نشود فقط محکوم با خراج از مملکت خواهند شد.

ماده ۱۰۱- اشخاصیکه در کنکاش بر ضدّ امنیّت داخلی یا خارجی مملکت و فتنه و فساد داخل بوده‌اند و قبل  
از اینکه شروع باجرای جنایات مذکوره شود یا بعد از شروع و قبل از تعقیب بدولت یا ضابطین عدله یا مأمورین  
ادارات اطلاع از کنکاش یا قصد جناحت و اسامی اشخاصی که در کنکاش و فتنه و فساد دخیل یا شریک  
بوده‌اند بدنه‌ند از مجازات معاف خواهند گردید و همچین در صورتیکه تعقیب هم از طرف دولت شروع شده  
باشد راهنمائی بمأمورین دولت نموده اسباب دستگیری مقصرين را فراهم آورده تسهیل گرفتاری آنها را بنمایند  
از مجازات معاف خواهند بود.

## فصل دویم

در ارتکاب جنحه و جنایات بر ضد اساس مشروطه.

### بحث اول

در جنحه و جنایات بر ضد حقوق ملی.

ماده ۱۰۲- اشخاصی که بواسطه اجتماع و غوغای باجبار و عنف و یا به تهدید و وعید یک یا چند نفر از افراد مملکت را مانع از اجرای حقوق ملی گردند از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی خواهند گردید و بعلاوه از پنجسال الی ده سال از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم خواهند شد.

ماده ۱۰۳- هرگاه جنایت مذکوره از روی نقشه و کنکاشی بوده که در تمام مملکت یا در بعضی از ایالات و ولایات و قصبات و قراء و قوع یابد مجازات مرتكب اخراج از مملکت خواهد بود.

ماده ۱۰۴- هر یک از افراد مملکت که مأمور دادن تعریف و اخذ تعریف و اوراق رأی راجع به مبعوثین ملت و استخراج آراء بوده و معلوم شود که در اوراق تعریف یا آراء تقلب نموده یا آنرا کم و زیاد کرده یا تغیر اسمی در ورقه رأی داده از شش ماه الی دو سال حبس و از پنج سال تا ده سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد گردید.

ماده ۱۰۵- هرگاه اشخاص دیگری مرتكب یکی از جرائم مذکوره در ماده فوق گردند از سه ماه الی یکسال حبس شده و از پنج سال الی ده سال از حقوق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم خواهند گردید.

ماده ۱۰۶- هر یک از اهالی مملکت آرای انتخایی را خریده یا بفروشد از پنجسال الی ده سال از حقوق اجتماعی محروم و نیز در مدت مقرره از کلیه مشاغل دولتی و ملی منع خواهد بود و بعلاوه از سه ماه الی دو سال محکوم بحبس قابل ابتیاع میشود - ولی هرگاه از مأمورین دادن تعریف و اخذ آن چنین ارتکابی صادر شود حبس او تأدیبی و

مدت آن از یکسال الی سه سال خواهد بود.

### مبحث دویم

اقدام بر ضد آزادی.

ماده ۱۰۷- در صورتیکه یکی از صاحب منصبان یا مأمورین دولتی خودسرانه به آزادی شخصی یا حقوق ملی یک یا چند نفر از افراد ملت یا نسبت بقانون اساسی شخصاً ضدیت نموده یا حکم آنرا بدهد از حقوق ملی ابدآ محروم خواهد گردید.

هر گاه شخص مرتکب ثابت نماید که با مر یکی از رؤسای خود که صلاحیت تحکم را داشته و مجبور بامثال امر او بوده است مرتکب گردیده مرتکب مزبور معاف خواهد شد و مجازات در حق شخص آمر مقرر خواهد گردید.

ماده ۱۰۸- هر گاه فاعل یا آمر جرم مذکور در ماده فوق وزیر یا یکی از اعضاء پارلمان باشد محکوم با خراج از مملکت خواهد گردید و بعلاوه کلیه امتیازات و القاب دولتی از او سلب و حقوق او قطع میشود.

ماده ۱۰۹- اگر وزراء متهم شوند بحکم یا به تجویز فعلی که صدمه به اساس مشروطیت وارد آورد و دعوى کنند که بطريق حیله امضاء از ایشان گرفته شده باید اولاً رفع غائله را که از این بابت وارد آمده بنمایند و ثانياً شخص حیله گر را معین کنند و الا شخصاً مسئولند و تعقیب و مجازات خواهند شد.

ماده ۱۱۰- در مورد ماده (۱۰۷) مدعی خصوصی میتواند از راه دعوى جنائي یا حقوقی مطالبه صدور حکم از بابت خسارت خود نماید و مبلغ خسارت نسبت باشخاص و اسباب و اوضاع و احوال و مقدار ضرر و زیان واردہ تعیین خواهد شد ولی حکم بخسارت در مورد محبوسیت محبوسی که بخلاف قانون حبس شد[ه] در هیچ حال کمتر از روزی پنجم توان نخواهد بود.

ماده ۱۱۱- هر گاه اقداماتی که مخالف اساس حکومت مشروطه است بر حسب امضاء ساختگی وزیر یا مأمور دولتی بعمل آمده باشد شخص مرتكب جعل و کسانیکه عالمآ آنرا معمول داشته‌اند به حدّ اکثر حبس غیر دائم با قید مجازات خواهند شد.

ماده ۱۱۲- هر گاه محبوسین در خصوص حبس غیرقانونی خود که از راه خودسری بوده شکایت بضابطین عدليه یا مأمورین نظمه نموده و ايشان تظلّمات آنها را استماع ننموده یا تسامح از اقدامات لازمه نمایند اعم از آنکه تظلّم مزبور از محبس یا جای دیگر رسیده باشد و ضابطین یا مأمورین مذکوره ثابت نمایند که پروتست و تظلّمات عارضین را بمقامات عاليه اعلام و اقدامات لازمه را مرعى داشته‌اند محکوم بمحرومیت از حقوق ملّی خواهند گردید و بطوریکه در ماده ۱۰۷) مذکور است باید از عهده خسارات واردۀ بر محبوسین نیز برآیند.

ماده ۱۱۳- در صورتیکه مستحفظین محبس یا توقيف گاه عدليه شخصی را باسم محبوس بدون ورقه امر یا حکم محکمه که از طرف مدعی‌العمومها ابلاغ میشود و یا بدون حکم موّقّتی دولت پذيرند و کسانی که در ارائه دادن شخص محبوس بصاحب منصب نظمه و ضابطین عدليه و یا کسانی که از طرف آنها مأمورند امتناع نمایند بدون آنکه ثابت کنند که این امر از طرف مدعی‌العمومی یا مستنطق امر شده است و همچنین مستحفظین که امتناع از ارائه دادن دفاتر خود بصاحب منصب نظمه یا ضابطین عدليه نمایند در حکم اشخاصی خواهند بود که کسی را خودسرانه محبوس نموده باشند و محکوم به شش ماه الی دو سال حبس تأديبي و تأدیه خسارات واردۀ خواهند گردید.

ماده ۱۱۴- هر گاه مدعی‌العمومی استیناف یا بدايت یا معاونين آنها با مستنطقوں یا قضايان و مأمورین دولتی يکی از افراد مملکت را بدون تحقيقات مقدماتی و رعایت شرایط قانونی به محکمه جنایت جلب نمایند محکوم بمحرومیت از حقوق ملّی خواهند گردید.

## بحث سیم

اتحاد مأمورین دولتی بر ضدّ مصالح مملکتی.

ماده ۱۱۵ - هر گاه اتحادی مخالف قوانین جاریه و بطور نامشروع بین افراد مستخدمین ادارات یا هیئت‌های ادارات دولتی فراهم شده یا بواسطه مبعوثین یا ارسال و مرسول بین آنان بعمل آمده باشد هر یک از مقصرين بمجازات از دو ماه الى شش ماه حبس تادیبی محکوم خواهند گردید و بعلاوه ممکن است در مدتی که از ده سال زیادتر نباشد از اشتغال بشغل دولتی و حقوق اجتماعی محروم شوند.

ماده ۱۱۶ - هر گاه اتحاد مذکور در ماده قبل بر ضد اجراء قوانین و یا اوامر دولتی بوده مجازات آن اخراج از مملکت خواهد بود - در صورتیکه اتحاد مذبور بین مأمورین کشوری و لشکری فراهم آید اشخاصی که باعث یا محرك آن بوده‌اند محکوم بحبس غیر دائم در قلعه خواهند گردید و از برای سایر مقصرين همان اخراج از مملکت مقرر است.

ماده ۱۱۷ - هر گاه مقصود از اتحاد مذبور اقدامی باشد بر ضدّ امیت داخلی مملکت یا اقدام مذبور باعث احتلال نظم مملکت شود شخص مقصود محکوم بحبس دائم در قلعه خواهد گردید.

ماده ۱۱۸ - در صورتیکه اجزاء یکی از ادارات دولتی برای اخلال یا عدم پیشرفت امور عدیه یا کارهای دیگر دولتی بنا بر موضعه استعفا نمایند در عداد اشخاصی خواهند بود که خیانت در وظایف خود نموده‌اند و از حقوق اجتماعی محروم خواهند گردید.

## بحث چهارم

در تجاوز مأمورین دولتی از حدود مأموریّت خود.

ماده ۱۱۹- اشخاص مفصله ذیل خائن در وظایف محسوب و محروم از حقوق اجتماعی خواهند گردید.

۱) قضاط و مدعیان عمومی و وکلای عمومی و معاونین آنها و سایر صاحبمنصبان یا ضابطین عدیه که از پیش خود وضع قوانین کنند یا توقيف و تعلیق اجزاء یک یا چند ماده قانونی را نموده و یا آنکه در قابلیّت اجراء و عدم قابلیّت آن رأی داده و بران [بر آن] رأی ترتیب اثر دهنند.

۲) قضاط و مدعیان عمومی و وکلای عمومی و معاونین آنها و ظابطین [ضابطین] عدیه که از وظیفه خود خارج شده مداخله در وظایف مأمورین ادارات نمایند اعم از آنکه قواعدی در وظایف آنان وضع کنند یا ایشان را از اجرای حکم اداره خودشان منع نمایند و یا آنکه آنها را بواسطه اجرای وظائف خود در تحت مسئولیّت و محاکمه درآورده یا احضاریّه برای آنها بفرستند و با وجود نسخ یا نقض احکامشان در محاکم عالی یا اعلام حدوث اختلاف در باب صلاحیّت ایشان باز اصرار در احضار مأمورین ادارات و انجام حکم یا قرار خود نمایند.

ماده ۱۲۰- هر گاه قضاط عدیه شروع بررسیدگی امری نمایند و از طرف ادارات صلاحیّت خودشان و عدم صلاحیّت عدیه در این باب اعلام شود باید محکمة عدیه در باب صلاحیّت خود قراری داده و منتظر رأی محکمة مختلطه اختلافات بشود (رجوع به ماده ۱۷۱ و ۱۷۳ محاکمات حقوقی و ماده ۲۰۱ محاکمات جزائی) و اگر قبل از رأی محکمة مذبوره مداخله در ماهیّت دعوا نمایند هر یک محکوم بکسر حقوق از سه روز الی بیست روز خواهند شد - اگر صاحبمنصبان اداره مدعی عمومی نیز در این خصوص بر خلاف مدلول این ماده تعقیب کنند بمجازات فوق الذکر محکوم خواهند گردید.

ماده ۱۲۱- در صورتیکه یکی از مأمورین دولتی در حین اجرای وظیفه خود متهم به ارتکاب جنحه یا جنایتی شده و امر رجوع بعدیه شود و از طرف یکی از متداعین یا اداره دولتی به مستنطقین یا قضاط عدیه عدم صلاحیّت ایشان اخطار شود باید قرار صلاحیّت یا عدم صلاحیّت خود را داده و در صورت حدوث اختلاف در

صلاحیت تعقیب امر را توقیف کنند و منتظر حکم محکمه مختلطه مذکوره در ماده (۱۷۳) محاکمات حقوقی شوند - و هر گاه قبل از صدور حکم مجبور بدون اجازه دولت ورقه امری در این باب صادر نمایند هر یک محکوم بکسر حقوق از ده روز الی یکماه خواهند شد.

همین مجازات در حق صاحب منصبان اداره مدعی عمومی و ظابطین [ضابطین] عدیله مجری است در صورتیکه آنان تقاضای صدور ورقه امری را در چنین موردی قبل از احراز صلاحیت بنمایند.

ماده ۱۲۲ - هر گاه وزراء یا معاونین آنها یا رؤساء یا اعضاء سایر ادارات یا حکام و نایب‌الحکومه و کخدادا در امور قوّه مقتنه چنانکه در فقره اول ماده (۱۱۹) مذکور است مداخله نمایند و یا اینکه در ضمن احکام امر و نهی بمحاکم عدیله بدهند و موجبات تأخیر جریان قوانین را فراهم کنند از حقوق اجتماعی محروم خواهند گردید.

ماده ۱۲۳ - هر گاه مقامات مذکوره مداخله در اموری که از صلاحیت محاکم عدیله است کرده و با وجود اخطار طرفین محاکمه یا یکی از آنان قبل از اجازه مقامات مقتضیه که قانون معین میکند در این باب رأی بدهند مرتكبین از شش ماه الی دو سال حبس خواهند گردید.

جزاء فوق الذکر در حق هر یک از اعضاء پارلمان که مداخله در وظایف محاکم عدیله نموده و یا آنکه یکی از قضات یا مدعی‌های عمومی و معاونین آنها و مستنطق امر و نهی دهنده مجری خواهد گردید.

---

### فصل سیم

در جنحه و جنایات بر ضد آسایش عمومی.

بحث اول- قلب و تزویر.

(۱) سکه قلب.

ماده ۱۲۴ - هر کس مسکوک طلا یا نقره قلب بسازد اعم از آنکه بکلی جنس مسکوک غیر طلا یا نقره باشد یا بار آنرا زیاد نماید محکوم بحبس دائم با قید خواهد شد و همچنین است مجازات اشخاصی که ترویج مسکوکات مزبوره را می‌نمایند.

ماده ۱۲۵ - اشخاص ذیل محکوم بحبس غیر دائم با قید خواهند شد.  
اولاً کسانیکه قیمت مسکوکات صحیحه را بواسطه بریدن یا تراشیدن جزئی از آنها نقصان داده و یا آنکه از طلا و نقره مسکوکاتی شبیه بمسکوکات صحیح العیار بسازند یا اینکه شریک در ترویج مسکوکات ناقصه و مزوره مذکوره شوند و یا آنرا داخل در مملکت ایران کنند.  
ثانیاً کسانیکه تقلید و تقلب در مسکوکات مسی یا نیکل که قانوناً در ایران رایج است نمایند یا شریک در ترویج آن شده و یا آنرا داخل در مملکت ایران نمایند.  
ثالثاً کسانیکه بیکی از وجود مذکوره در این ماده و ماده (۱۲۴) در مملکت ایران مسکوکات ممالک خارجه را بسازند یا شریک در ترویج مسکوکات مزوره مزبوره شوند و یا آنکه آنرا داخل در مملکت ایران نمایند.

ماده ۱۲۶ - کسانیکه از راه تزویر مسکوکات رایجه مملکت ایران یا ممالک خارجه را تغییر لون داده و موجبات اشتباه کاری مواد مسکوکات مزبوره را فراهم نمایند و یا شریک در ترویج مسکوکات مزوره مزبوره شوند و یا آنکه آنرا داخل در مملکت ایران کنند از شش ماه الی سه سال حبس خواهند شد.

۱۲۷ - کسانیکه مسکوکات مزوره و مغشوشه مزبوره در مواد فوق را مسکوکات صحیحه رایجه تصور کرده خرج کرده باشند مجازات نخواهند شد ولی پس از معرفت به تزویر آن هر گاه داخل در مملکت نمایند و یا آنکه خرج کنند از سی و یکروز الی یکسال محکوم به حبس تأدیبی میشوند.

ماده ۱۲۸ - اشخاصی که مرتکب جنایت مذکوره در مواد (۱۲۴) و (۱۲۵) شده و قبل از تعقیب جنایت مزبوره مراتب را بدولت اخبار داده و مباشرین جنایت را معرفی نمایند و یا آنکه پس از شروع به تعقیب موجبات

دستگیری مقصرين را فراهم آورند از مجازات معاف خواهند گردید.

۲) در مجازات اشخاصيکه مهر دولت يا اسكتناس يا اسناد خزانه دولتي و تمبر و علامات دولت را بعينه ساخته و يا تزوير و ترويج نموده و يا داخل در مملكت ايران نمایند.

ماده ۱۲۹- اشخاصي که مهر دولت را تقلید کرده و يا آنکه مهر تقلبی را با علم به تقلبی بودن آن استعمال نمایند و کسانیکه اسناد خزانه دولتی يا بلیط بانک که بموجب قانون رایج است تقلید نمایند و کسانیکه اشیاء مزوّره مذبوره را عالماً استعمال کنند و يا آنکه داخل مملکت ايران سازند محکوم بحبس دائم با قيد خواهند گردید.

ماده ۱۳۰- اشخاصي که مهرهای دواير دولتی يا منگنه که برای علامت طلا يا نقره بکار میروند تقلید کنند يا در آنها تزویر نمایند و يا آنکه مهرها و منگنه های مذبور را استعمال کنند محکوم بحبس غير دائم با قيد خواهند گردید.

ماده ۱۳۱- اشخاصي که مهر و منگنه صحيح دولت را بر خلاف نظامات مقرر بحسب آورده و بطريقى که بمنافع و حقوق دولت ضرر وارد آورد استعمال کنند محکوم بحبس مجرد خواهند گردید.

ماده ۱۳۲- هر گاه کسی علامات دولتی را که برای اشیاء مختلفه و امتعه تجارته و آذوقه مقرر است تقلید کرده و يا آنکه استعمال نماید و اشخاصيکه مهر و يا علامات خاصه مصادر امور دولتی را تقلید نموده و يا مهر و علامات مزوّره مذکوره را استعمال کنند و همچنین اشخاصي که تمبرهای دولتی را تقلید کنند و يا تم[ب]ار مزوّر را استعمال نمایند از يکسال الى سه سال حبس تأديبي خواهند گردید و مقصرين علاوه بر جزاء فوق محروم از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الى ده سال خواهند بود و ابتدای اين مدت از روزی است که مدت مجازات حبس منقضی شده است.

ماده ۱۳۳- هرگاه کسی بر خلاف ترتیب مهر صحیح و تمبر و علامات مذکوره در ماده قبل را بدست آورده و بطريقی که به منافع و حقوق دولت ضرر وارد آورد آنرا الصاق یا استعمال کرده یا سبب الصاق و استعمال آن گردد از شش ماه الی سه سال حبس خواهد گردید.

مقصر مذبور ممکن است علاوه بر مجازات فوق پنجسال الی ده سال از روز اتمام مجازات حبس از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم گردد.

ماده ۱۳۴- احکام ماده (۱۲۸) در مورد جنایات معینه در ماده (۱۲۹) نیز مقرر است.

---

(۳) در ساختن خطوط راجعه بدارات دولتی یا استناد رسمی و یا تجاری یا صرافی.

ماده ۱۳۵- هر یک از اجزاء و صاحب منصبان دولتی که در حین اجراء وظایف خود امضائی را ساخته یا اسناد یا خطوط و امضائی را تحریف کرده یا اسمی اشخاص را تغییر دهنده یا آنکه در دفاتر و یا سجلات یا احکام و نوشتگات رسمی پس از اینکه ترتیب اسناد مذبوره با تمام رسیده کلمه الحق نمایند محکوم به مجازات حبس دائم با قيد خواهند گردید.

ماده ۱۳۶- هر یک از اجزاء ادارات رسمی که در تحریر نوشتگات و قراردادهای راجعه بوظایف خودشان بطريق تزویر موضوع یا مضمون آنها را تغییر دهد یا گفته و نوشته طرفین را تحریف نماید و یا آنکه امر باطلی را صحیح و یا صحیحی را باطل یا چیزی را که به آن اقرار نشده است افراد جلوه دهد محکوم به حبس دائم با قيد خواهد گردید.

ماده ۱۳۷- کلیه اشخاص دیگری که در اسناد و نوشتگاتی که بموجب قانون رسمی شناخته شده یا در نوشتگات

تجاری یا صرافی تزویر نمایند محکوم به حبس غیردائم با قید خواهند گردید اعم از اینکه تقلید یا تغییر در خط یا امضاء بعمل آورده باشند و یا آنکه جعل تقبلات و تعهدات و قراردادها و تماسکات یا مفاصیا حساب نمایند و یا آنکه در اسناد مذبوره حرفی یا کلمه منضم یا الحاق نمایند و یا آنکه در شروط اسناد رسمی چیزی اضافه نموده و یا تغییری دهند.

ماده ۱۳۸ - در کلیه موارد راجعه بمواد فوق هر کس اوراق تزویر[به/ یه / انه] مذکوره را عالمًا استعمال نماید محکوم به حبس غیردائم با قید خواهد گردید.

#### ۴) جعل و تزویر خطوط شخصیه.

ماده ۱۳۹ - هر کس بیکی از وجوه مذکوره در ماده (۱۳۷) تزویر در خطوط شخصیه که بر طبق قانون رسمی شناخته نشده نماید محکوم به حبس مجرد خواهد گردید.

ماده ۱۴۰ - مجازات مذکوره در ماده فوق در حق کسانی که اسناد و نوشهجات مزوره را عالمًا استعمال نمایند نیز مقرر خواهد بود.

#### ۵) تزویر در تذكرة عبور و اقامت و شهادتنامه یا تصدیقنامه

ماده ۱۴۱ - هر کس تذكرة مرور یا اقامت دولتی را جعل نموده یا تذكرة را که اصلاً صحیح بوده در آن تزویر نماید و یا آنکه تذكرة مزوره مذکوره را عالمًا بکار برد یا آنکه برای گذرانیدن تذكرة با سیم مجموعی شهادت کذب دهد از شش ماه الی سه سال حبس خواهد گردید.

مجازات مذکوره نیز در حق کلیه اشخاصی که تذكرة که با اسم دیگری است با اسم خود بکار برند مقرر

خواهد بود.

ماده ۱۴۲- هر یک از صاحب منصبان دولتی که با وجود اطلاع از اسم جعلی تذکره بدهد و یا آنکه سبب دادن تذکره شود از یکسال الى سه سال محبوس خواهد شد.

شخص مقصراً پس از مجازات فوق از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الى ده سال محروم خواهد گردید.

ماده ۱۴۳- هر کسی برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت تصديق‌نامه مجموعی در باب مرض یا علت مزاج از طبیب یا جراح و یا سایر اطباء ترتیب دهد از یکسال الى سال محکوم به حبس تأدیبی خواهد شد.

ماده ۱۴۴- هر طبیب یا جراح که تصديق‌نامه بر خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی بددهد از یکسال الى سه سال حبس خواهد گردید.

هر گاه تصديق‌نامه مزبوره بواسطه وعده و تعارف داده شده باشد در هیچ حال مجازات مقصراً از یکسال کمتر نخواهد بود.

در دو مورد فوق شخص مقصراً ممکن است علاوه بر جزاء مقرر از پنجسال الى ده سال پس از اتمام مجازات حبس از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم شود.

اشخاصی که وعده یا تعارف داده‌اند نیز مجازات طبیب و جراح را خواهند داشت.

ماده ۱۴۵- هر شخصیکه باسم یکی از مأمورین یا صاحب منصبان دولتی شهادتنامه مزوّری درست کند در خصوص حسن اخلاق یا عدم بضاعت یا مسئله دیگر که موجب رعایت دولت یا اشخاص دیگر نسبت باو شود که بدین وسیله برای شخص مزبور تحصیل شغل یا استقراض یا امدادی بعمل آید از شش ماه الى دو سال محکوم به حبس تأدیبی خواهد گردید.

جزاء مذکور در موارد فوق درباره اشخاص مفصله ذیل نیز مقرر خواهد بود.

۱) در حق کسی که تصدیقنامه را که اصلاً صحیح بوده باسم شخص دیگر قرار دهد.

۲) کسانیکه تصدیقنامه ساختگی یا تزویری را بکار برند.

هرگاه تصدیقنامه مجموعل یا مزور مزبوره باسم یکی از افراد مردم غیر از مأمورین دولتی بوده باشد شخصی که آنرا بکار برد و جاعل هر دو محکوم به حبس از سی و یکروز الی شش ماه خواهند شد.

ماده ۱۴۶ - هر گونه تصدیقنامه‌ها از هر جائی که صادر شده باشد و مورث ضرر شخص ثالثی بوده یا آنکه خسارت بر خزانه دولت وارد آورد مجازات او موافق مواد (۱۳۵) تا (۱۴۰) مقرر است.

ماده ۱۴۷ - مجازات وارده در حق کسانیکه استعمال سکه قلب یا اسکناس یا مهر و تمبر و علامات تزویری و کاغذهای ساختگی را نموده در حق کسانی که ندانسته اشیاء مجموعه یا مزوره مزبوره را استعمال کنند مجری نخواهد گردید.

---

#### مبحث دویم

خیانت در وظایف و جنایت و جنحة مأمورین دولتی در حین انجام مأموریت خود.

ماده ۱۴۸ - هر جنایتی که مأمورین دولتی راجع بوظایف مأموریت خودشان مرتکب شوند خیانت در وظائف محسوب است.

ماده ۱۴۹ - مجازات خیانت در وظائف محرومیت از حقوق ملی است مگر مواردیکه مجازات شدیدتر برای آن بموجب قانون معین شده باشد.

ماده ۱۵۰ - ارتکاب جنحه برای مأمورین دولتی خیانت در وظائف محسوب نمی‌شود.

## ۱) در اختلاس امناء صندوق دولتی

ماده ۱۵۱- هر یک از تحصیلداران و معاونین آنها و امانتداران و محاسبین و امناء صندوق دولتی که نقدینه متعلقه بدولت یا اشخاص و یا اسناد مطالبات را که بمترله نقدینه است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که حسب الوظیفه سپرده بانهاست بربایند - اگر اشیاء مزبوره بیش از پانصد تومان قیمت داشته باشد محکوم به حبس با قید غیردائم خواهد گردید.

ماده ۱۵۲- هر گاه مال یا اسناد ربوه شده کمتر از پانصد تومان قیمت داشته باشد و لیکن بقدر ثلث یا زاید بر ثلث کلیه مال یا اسناد امانتی یا تحویلی باشد باز مجازات مختلس حبس غیردائم با قید خواهد بود چه دفعه بامانت یا تحویل داده شده باشد و چه تدریجآ و در صورت تدریجی مأخذ ثلث میزان عایدات یکماهه است.

ماده ۱۵۳- هر گاه قیمت اموال ربوه شده کمتر از پانصد تومان و کمتر از ثلث اموال تحویل شده باشد مجازات مرتكب از یکسال الی سه سال حبس خواهد بود و بعلاوه مرتكب ابداً از اشتغال بخدمت دولتی محروم خواهد شد.

ماده ۱۵۴- هر گاه قضات و رؤسائ و اعضاء و اجزای ادارات و مباشرین ثبت اسناد نوشتگات و اوراق و اسنادی را که حسب الوظیفه نزد آنها و دیعه گذاشته شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده معدوم یا مخفی نمایند یا بربایند یا بکسی بدهنند که قانوناً از دادن به آنکس ممنوع باشند محکوم بحبس غیردائم با قید خواهد شد.

## ۲) تعدی مأمورین دولتی در اخذ حقوق

ماده ۱۵۵- هر یک از مأمورین و مستخدمین دولتی و مباشرين ثبت اسناد یا معاونین آنها و تحصیل داران مالیات و عوارض و رسوم و نقدینه و عایدات و معاونین آنها که مرتكب اجحاف باشند اعم از اینکه امر باخذ وجوهی نمایند که میدانستند اخذ آنها خلاف قانون یا زیاده از مقررات قانون است یا شخصاً بعنوان مزد یا مواجب زیاده از آنچه برای ایشان مقرر شده اخذ نمایند بطريق ذيل مجازات خواهند گردید.

مأمورین و صاحب منصبان دولتی و مباشرين ثبت اسناد بحبس مجرد و معاونین یا اجزاء آنها بحبس تأدبي از يکسال الى سه سال و اين در صورتی است که مبلغی را که تقاضا کرده یا امر باخذ آن نموده اند بيش از پنجاه توман باشد.

هر گاه مجموع مبلغ مذبور از پنجاه تومان تجاوز ننماید مأمورین و صاحب منصبان مذکور از يک الى سه سال و معاونین و اجزاء آنها از شش ماہ الى دو سال حبس خواهند گردید.

ماده ۱۵۶- مجازات قصد جرائم مذکوره در ماده قبل مانند ارتکاب آن خواهد بود - در کلیه موارد مذبوره که حکم مجازات حبس صادر شود سلب حقوق مذکوره در ماده (۲۷) همین قانون در مدت پنجسال الى ده سال از روز اتمام مجازات حبس درباره مقصري مقرر خواهد گردید.

احکام مندرجۀ اين ماده درباره مدیران و اجزاء دفاتر و مأمورین اجراء و وکلاء عدیه نيز مجری خواهد بود در صورتیکه بموجب قانون مأمور باخذ حقوقی بوده و تعدی در اخذ آن نموده باشند.

۳) دو جرائم مأمورین دولتی ناشی از دخالت با موريکه با سمت ایشان منافات دارد.

ماده ۱۵۷- هر یک از مأمورین و مستخدمین و صاحب منصبان دولتی که علناً بطريق موضعه یا بتوسط وساطت در معاملات و مزايده ها و مناقصه ها و تخصیصات دولتی (رزی) که کلاً یا بعضًا در تحت مدیری یا نظارت ایشان بعمل آمد نفعی برای خود منظور دارند از شش ماہ الى دو سال محبوس خواهند شد و خسارته را که از اين جهت وارد آورده باید از عهده برایند و بعلاوه کلیه از خدمت دولت محروم خواهند گردید - همین حکم مجازات مقرر است در حق کلیه مأمورین و مستخدمین دولتی هر گاه در ضمن معامله که پرداخت وجوه آن

بر حسب وظیفه بعهده ایشان است با تفریغ حسابی که باید عمل آورند نفعی برای خود منظور دارند.

ماده ۱۵۸- هر یک از فرماندهان نظامی و نایب‌الحاکمهای و امنای مالیه ولایت و محالات و بلوکات که در حوزه فرماندهی و حکومت و مأموریت خود علناً یا بطريق موضعه و یا بتوسط وسایط غله و جوبات و کلیه ارزاق را غیر از آنچه مخصوص ملک شخص ایشان است برای استفاده شخصی معامله نمایند از یک ماه الی دو سال محکوم به حبس قابل ابیاع خواهند شد.

محکومین پس از اتمام مجازات مزبوره در مدت پنج الی ده سال از استخدام دولتی محروم میباشند.

۴) در اخذ رشوه مأمورین و اجزاء دولتی.

ماده ۱۵۹- هر یک از رؤسای و اعضاء و اجزاء ادارات و محاکم عدليه که برای انجام امری که از وظایف آنان بوده ولی قانوناً رسومی بجهت آن مقرر نشده و عده یا تطمیعی را پذیرفته و یا هدیه و تعارفی را قبول نماید اگر چه انجام آن امر بر طبق حقائیت بوده باشد از حقوق ملی محروم میشود و بعلاوه محکوم است به رد تعارفی که قبول کرده است و در مقابل هر یک تومنان تعارفی که گرفته یا وعده که باو داده شده است محکوم بیک روز حبس قابل ابیاع خواهد شد و در هر حال مدت حبس او کمتر از شش روز نباید باشد.

همین مجازات مقرر است در حق کلیه اشخاص مذکوره هرگاه در مقابل اخذ تعارف یا وعده تعارف از انجام امری که وظیفه ایشان بوده امتناع وزرند - همچنین است مجازات کلیه حکمها و ممیزین و مصدقین اعم از آنکه بتوسط محکمه معین شده باشند یا بتوسط طرفین هرگاه در مقابل اخذ تعارف یا وعده تعارف به مساعدت یکی از طرفین تصمیم رأی کنند.

ماده ۱۶۰- همچنین مجازات فوق مقرر است در حق اعضاء مجلس ملی و مجلس سنا و انجمنهای ایالتی و

ولایتی و بلدی هر گاه در مقابل اخذ تعارف و هدیه یا وعده آن برای کسی تحصیل نشان دولتی یا مдал یا امتیاز یا انعام یا مقام و شغلی در ادارات یا انواع رعایتهای دیگر بنمایند و توسط کنند که معاملات و مقاطعات یا امور دیگری که نفعی در آن متصور است و از طرف دولت باید واگذار شود برای کسی مقرر گردد و باینظریق از قدرت و اعتباری که مقام ایشان برای ایشان حاصل کرد سوء استفاده نمایند.

کلیه اشخاص دیگری که مرتكب اعمال فوق الذکر شوند از یکسال الى سه سال محکوم بحبس تأدیبی و معادل آنچه در ماده قبل مذکور شد حبس قابل ابیاع خواهند گردید و بعلاوه بعد از اتمام مجازات حبس از پنج الى ده سال از حقوق مذکورة در ماده (۲۷) محروم خواهند شد.

ماده ۱۶۱- هر گاه اخذ رشوه برای ارتکاب جنایتی باشد که مجازات آن اشد از محرومیت از حقوق ملی است مجازات همان جنایت در باره مرتضی مقرر است.

ماده ۱۶۲- هر کس یکی از اشخاص مذکوره در ماده (۱۵۹) را بعنف یا تهدید یا رشوه و تعارف و تطمیع مجبور یا ترغیب نماید باموری از قبیل اظهار عقیده یا رأی مساعد یا تحریر صورت جلسه یا صورت حساب یا تصدیقنامه یا تقویم برخلاف واقع یا آنکه برای تحصیل شغل یا منصب یا بجهت انتفاع در معاملاتی که مورد مزايدة و مناقصه است بواسیل مذکوره متسل شود یا برای جلوگیری از امری که داخل در وظیفه مأمورین دولتی بوده بواسیل فوق توسل جوید مانند اشخاص مذکور در ماده (۱۵۹) مجازات خواهد شد.

هر گاه اقدامات مزبوره منشاء اثر نشود اقدام کننده فقط از سه الى شش ماه محکوم به حبس تأدیبی و شش روز الى بیست روز حبس قابل ابیاع میشود.

ماده ۱۶۳- هر گاه حکام محاکم جنایت یا اعضاء هیئت منصفه برای حکم دادن بر علیه یا له متهم بهر اسم و رسم که باشد تعارفی قبول نمایند محکوم به حبس مجرد خواهند گردید و بعلاوه مدتی بمیزان آنچه در ماده (۱۵۹) معین شده حبس قابل ابیاع خواهند داشت.

ماده ۱۶۴- در صورتیکه حکام محاکم با هیئت منصفه بواسطه ارتشاء حکم مجازاتی اشدّ از جنس مجرد داده باشند همان مجازات در باره خود قاضی با عضو هیئت منصفه مقرر است.

ماده ۱۶۵- هر یک از صاحبمنصبان ادارات و محاکم عدليه که از روی حب یا بغض بخلاف حق در باره يكى از طرفين رأيي داده يا اقدامي کرده باشد در حکم مأموريني خواهد بود که خيانت در وظایف خود نموده باشند و محکوم بمحرومیت از حقوق ملی خواهند گردید.

۵) در تعدیات مأمورین دولتی.

فقره اول.

در تعدیات مأمورین دولتی نسبت بافراد مردم.

ماده ۱۶۶- هر یک از صاحبمنصبان و اجزای عدليه و نظميّه و ساير ادارات دولتی و هر یک از فرماندهان و مأمورین قوای دولتی که بسمت مأموریت در غير از م الواقعی که قانون مقرر داشته و بدون ترتیبات مقررة قانونی در منزل کسی بخلاف رضا و اجازه صاحب منزل داخل شود از یکماه الى یکسال محکوم بحبس تأدیبی و از شش روز الى یکماه حبس قابل ابیاع خواهد شد مگر اینکه بامر يكى از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته و مجبور بامتثال امر او بوده است مرتکب شده باشد و در اینصورت مجازات مزبور در حق آمر مقرر است.

ماده ۱۶۷- هر شخصی که به تهدید یا عنف بمنزل کسی داخل شود از سی و یکروز الى سه ماه حبس تأدیبی و شش روز الى پانزده روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۱۶۸- هر یک از قضات یا صاحب منصبان ادارات که تظلمی نزد ایشان برده شود و رسیدگی بان [بان] از وظایف ایشان بوده باشد بهر عذر و بهانه اگر چه بعدر سکوت یا اجمال قانون باشد از احراق حق امتناع ورزد و با وجود اخطار یا حکم مقامات عالیه در امتناع خود مداومت نماید از شغل خود منفصل و از پنج الی ییست سال از اشتغال بخدمات دولتی ممنوع خواهد شد.

ماده ۱۶۹- هر گاه یکی از صاحب منصبان و مأمورین ادارات یا یکی از مأمورین حکومت یا نظمیه یا هر یک از مأمورین اجرای احکام عدله یا یکی از فرماندهان نظامی یا صاحب منصبان جزو در ضمن انجام وظایف خود یا به مناسب آن بدون مجوز قانونی کسی را آزار کند یا امر به آزار کسی بنماید مجازات مرتکب متناسب خواهد بود با کیفیت و شدت آزاری که کرده است و ترتیب مجازات او موافق است با ماده (۱۷۷) آتیه.

ماده ۱۷۰- هر یک از صاحب منصبان مأمورین دولتی یا اداره پست که مراسلات و پاکتهای را که به پستخانه داده شده معذوم و یا مفتوح نمایند. یا موجبات آنرا فراهم آوردن از سه ماه الی سه سال محبوس خواهد شد. شخص مقصص علاوه بر مجازات فوق از پنجسال الی ده سال از اشتغال بمشاغل دولتی محروم خواهد گردید.

### فقره دویم

در تعدیات مأمورین دولتی نسبت بدولت.

ماده ۱۷۱- هر یک از مأمورین و اجزای دولتی از هر رتبه و مقامی که باشد هر گاه بر ضد اجراء قانونی یا تحصیلداری مالیات قانونی و یا بر ضد اجراء احکام یا امر عدله و یا هر گونه امری که از مقامات قانونیه صادر شده استعمال قوّه دولتی نماید یا حکم آنرا بدهد یا تقاضای اعمال قوّه مزبوره را نموده یا حکم بتقاضای آن بدهد مستوجب مجازات حبس مجرد خواهد بود.

ماده ۱۷۲- هر گاه بر این تقاضا یا امر اثر و نتیجه نیز مترتب شود حدّاً کثر مجازات مذکور در ماده قبل برای مقصص مقرر خواهد گردید.

ماده ۱۷۳- مأمورین و اجزاء دولتی فقط در صورتی از مجازات مقرر در ماده (۱۷۱) و (۱۷۲) معاف خواهند بود که مسلم شود که عملیات آنان بموجب امر رؤسای قانونی ایشان بوده و بر حسب وظیفه مجبور به اطاعت اوامر مذبوره بوده‌اند در اینصورت مجازات فوق الذکر بر رؤسائے تعلق میگیرد.

ماده ۱۷۴- در صورتیکه بواسطه اوامر مذکوره جنایت دیگری تولید شود که مجازات آن اشدّ از مجازات مذکوره در دو ماده (۱۷۱) و (۱۷۲) باشد آن مجازات در باره اشخاصی که امر یا تقاضا نموده‌اند مقرر خواهد بود.

ماده ۱۷۵- هر مستخدم دولتی که مشغول اجرای وظایف خود بشود قبل از اینکه اتیان به مراسم قسم نموده باشد در موردی که اتیان قسم مقرر است محکوم بیک روز الی ده روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

#### ۶) استغال بخدمت دولتی بر خلاف قانون.

ماده ۱۷۶- هر یک از اعضاء ادارات دولتی که قانوناً منفصل از خدمت شده و یا آنکه موقتاً منوع از اشتغال بشغل خود گردیده و پس از آنکه رسماً عدم حق دخالت باو اعلام شد بدحالت در وظایف مرجعه مداومت نماید از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید.

و همچنین است مجازات اشخاصی که مأموریت ایشان انتخابی یا بطريق وقت بوده و پس از آنکه کسی دیگر بجای آنان منصوب گردد باز در آن امر مداخله کنند.

بعلاوه کلیه مجرمین مذکور در این ماده از پنج سال الی ده سال از کلیه خدمات دولتی منوع خواهند بود و ابتدای اینمدت از روزی است که مجازات حبس انجام یابد.

مدلول این ماده مانع از اجرای مجازات اشده که برای صاحب منصبان و فرماندهان نظامی در ماده (۹۰) همین قانون مقرر شده است نخواهد بود.

ماده ۱۷۷ - غیر از مواردی که قانون مجازات جنحه و جنایت مأمورین و صاحب منصبان دولتی را بخصوص تعیین نموده است هر گاه صاحب منصبان و مأمورین مزبور در ضمن نظارت و جلوگیری از وقوع جنحه و جنایات که از وظایف آنان بوده است مرتكب جنحه یا جنایتی گردند بطريق ذيل مجازات خواهند شد.

هر گاه جرم جنحه باشد شخص مرتكب مزبور بحد اکثر مجازات همان جنحه محکوم خواهد گردید - و اگر جرم جنایت بوده و آن جنایت در حق دیگران موجب مجازات اخراج از مملکت یا محرومیت از حقوق ملی باشد صاحب منصب یا مأمور مرتكب محکوم بحبس مجرد خواهد گردید - و هر گاه مجازات جنایت مزبور در حق اشخاص غیررسمی موجب حبس مجرد یا حبس غیر دائم در قلعه باشد مرتكبی که دارای شرایط مذکور در اول این ماده است محکوم بحبس با قيد غیر دائم خواهد شد - و اگر مجازات جنایت در حق دیگران موجب حبس با قيد غیر دائم یا حبس دائم در قلعه باشد شخص مرتكب که دارای شرایط مذکور در اوّل این ماده است محکوم بحبس دائم با قيد خواهد شد.

---

### بحث سیم

در مقاومت و تمرد و سایر تخلفات نسبت به مأمورین و کارگزاران دولت.

(۱) طغیان یا تمرد.

ماده ۱۷۸ - هر گونه حمله و مقاومتی که با اقدام عملی بطور تجربی نسبت به مأمورین عدليه و امنيه و مأمورین وصول مالیات و عوارض و گمرکات و مأمورین توقيف و ضبط و صاحب منصبان با مأمورین نظميه و ضابطين عدليه که مأمور اجرای قوانین و احکام دولت و اوامر و احکام عدليه هستند وارد آيد نظر به اوضاع و احوال جنایت یا جنحه طغیانی محسوب ميشود.

ماده ۱۷۹- هر گاه طغیان مذکور مسلح و عدد ایشان بیش از بیست نفر باشد محکوم بحبس غیردائم با قید خواهد گردید و اگر حامل اسلحه نباشد محکوم بحبس مجرد خواهد شد.

ماده ۱۸۰- هر گاه طغیان بتوسط جماعتی مرکب از سه الی بیست نفر اشخاص مسلح بوده مجازات مقرره حبس مجرد خواهد بود - و در صورت عدم حمل اسلحه مجازات آنها از شش ماه الی دو سال حبس مقرر است.

ماده ۱۸۱- هر گاه طغیان از طرف یک یا دو نفر شخص مسلح به شهر بررسی مرتکبین از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید - و در صورت نداشتن اسلحه از یکماه الی شش ماه حبس خواهد شد.

ماده ۱۸۲- مشمول ماده (۹۸) همین قانون خواهد بود جماعتی که فقط دخیل در سواد طغیان بوده لیکن سردسته نبوده و در طغیان مأموریت خاصی نداشته و بمحض اخطار حکومت کناره جسته یا پس از اخطار مزبور بدون اسلحه و مقاومت جدید در غیر محل طغیان دستگیر شده‌اند.

ماده ۱۸۳- هر کس بواسطه نطق در مجتمع عمومی یا اعلانات و امثال آنها مردم را دعوت و تحریک بر طغیان نماید محکوم به شش ماه الی دو سال حبس تأدیبی خواهد گردید - و اگر بر دعوت و تحریک او ترتیب اثر نشده و طغیان وقوع نیافته باشد محرک و دعوت کننده فقط از سی و یکروز الی یکسال حبس خواهد شد.

ماده ۱۸۴- اجتماعاتی که برای ارتکاب جنایت یا جنحه فراهم می‌شود مجمع مسلح محسوب است در صورتیکه زیاده از دو نفر ایشان علناً حمل اسلحه کرده باشند.

ماده ۱۸۵- هر گاه اشخاصی پنهانی حمل اسلحه نموده و جزء مجمع و گروهی بوده‌اند که مجمع غیرمسلح

محسوب میشده فقط حاملین اسلحه مثل کسانی مجازات خواهند شد که جزء دسته یا گروه مسلح بوده باشند.

ماده ۱۸۶- کسانیکه در موقع طغیان از آن استفاده نموده مرتكب جنایت یا جنحه گردند بمجازات همان جنایت یا جنحه که مرتكب شده‌اند محکوم خواهند بود در صورتیکه آن مجازات اشد از مجازات طغیان بوده باشد والا همان مجازات طغیان در باره ایشان مجری میشود.

ماده ۱۸۷- هر گاه کارگران و مزدوران در کارخانهای دولتی و مرضای مریضخانها و محبوسین یا متهمین توقيف شده مجتمعی با اسلحه یا بی‌اسلحة تشکیل داده و بطریق تحری یا تهدید بر ضد حکومت و صاحب منصبان و مأمورین ادارات یا در مقابل قوای دولت اقدامات نمایند مانند مجتمع طغیان مجازات خواهند گردید.

ماده ۱۸۸- اشخاصی که به ارتکاب جنایت یا جنحه متهم یا مقصو یا محکوم شده‌اند هر گاه مرتكب طغیان شوند بطریق ذیل مجازات خواهند گردید.

اولاً- هر گاه بواسطه ارتکاب جرمی محکوم به مجازاتی شده‌اند که غیر از اعدام یا حبس دائم است و مرتكب طغیان گردند فوراً پس از اتمام مجازات جرم اولی محکوم به مجازات مقرر از برای طغیان خواهند شد.  
ثانیاً- هر گاه متهم بوده و حکم برای آنها صادر شود و در حین رسیدگی مرتكب طغیان گردند پس از صدور حکم قطعی در برای آنها نسبت به اتهام اولی محکوم به مجازات طغیان خواهند گردید.

ماده ۱۸۹- رؤسائ و محرکین طغیان ممکن است بعد از اتمام مجازات حبس از پنجسال الی ده سال از اقامت در محل مخصوص ممنوع شوند.

۲) هتک حرمت و وارد آوردن صدمات جسمانی نسبت بکارگذاران دولت و قوای دولتی.

ماده ۱۹۰- هر گاه شخصی نسبت بیک یا چند نفر از قضات عدیه یا وزراء و معاونین آنان و حکام و فرمانفرمايان و معاونين آنان و اعضای شورای دولتی و همچنین رؤسای بلدیه و اعضای دیوان محاسبات و اعضای هیئت منصفه چه در حین انجام وظایف رسمیه و چه بسبب انجام آن هتك حرمتی نماید اعم از آنکه شفاهی بوده یا کتبی و یا آنکه تصویر آنها را بطريق هجو کشیده ولی طبع و نشر نکرده باشد و بخواهد در هر یک از اين موارد مختلفه و هني بشرف یا بحیثیت هر يك از اشخاص مذکوره وارد آورد مستوجب حبس از سی و یکروز الى دو سال خواهد گردید - و هر گاه در اثنای محاکمه در دیوان یا محکمه از اشخاص مفصله فوق شفاهاً هتك شرف نماید از يکسال الى سه سال حبس خواهد گردید.

ماده ۱۹۱- در صورتيكه شخصی بیکی از قضات یا اعضاء هیئت منصفه در حین انجام وظایف یا بسبب اجرای وظیفة مقرره در مقام هتك حرمت بواسطه حرکات و اشارات و یا تهدید برآید از سی و یکروز الى شش ماه محکوم به حبس تأدیبی خواهد گردید - و اگر هتك حرمت مذبوره در محکمه در حین محاکمه وقوع یابد مجازات آن از سی و یکروز الى دو سال خواهد بود.

ماده ۱۹۲- هر گاه هتك حرمت شفاههاً یا بحرکات و اشارات یا به تهدید نسبت بمامورین احضار و اجرای عدیه و فرماندهان و امنی قوای دولتی و یا بفردی از افراد اهل مملکت که مأمور بانجام خدمت دولتی باشد بظهور رسید اعم از اينکه در حین انجام وظایف مقرره یا بسبب انجام آن باشد از سی و یکروز الى سه ماه محکوم بحبس تأدیبی و يك الى بیست روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۱۹۳- هر گاه کسی بیکی از اشخاص مذکوره در ماده (۱۹۰) در حین انجام وظایف مقرره یا بسب انجام آن با حربه یا بی حربه ضربه یا صدمه وارد آورد در صورتيكه آن ضربه هميشه حداً اکثر جزای مذکور مقرر خواهد يکسال الى سه سال حبس خواهد شد.  
اگر ضربه یا صدمه در موقع محکمه وقوع یابد هميشه حداً اکثر جزای مذکور مقرر خواهد گردید.

ممکن است شخص مقصوٰر علاوه بر جزای فوق الذکر در هر دو مورد از مدت پنجسال الی ده سال از حقوق مذکور در ماده (۲۷) محروم گردد و ابتدای مجازات مذکوره از روزی است که مجازات حبس با تمام رسیده باشد.

ماده ۱۹۴ - در هر یک از دو مورد مذکور در ماده فوق شخص مقصوٰر را از پنجسال الی ده سال از اقامت در حدود چهار فرسخ از مقر قضاوت قاضی میتوان ممنوع داشت. ابتدای مدت این ممنوعیّت از روز اتمام حبس است.

و هر گاه مقصوٰر قبل از انقضای مدت ممنوعیّت خود مخالفت با این حکم نماید محکوم با خراج از مملکت خواهد گردید.

ماده ۱۹۵ - هر گاه شخصی یکی از مأمورین اجرا و احضار عدیه یا مأمورین قوای دولتی و یا یکی از افراد ملت که از طرف وزارت‌خانه مأمور بانجام اوامر دولتی بوده در اثنای اجرای وظیفه یا بسبب انجام آن صدمه وارد آورده از سی و یکروز الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد بود.

ماده ۱۹۶ - در صورتیکه نسبت به اشخاص مذکوره در مواد (۱۹۰) و (۱۹۵) صدمات بدنی وارد آید که موجب جریان خون یا جراحات و یا مرضی گردد شخص مقصوٰر محکوم به حبس مجرد خواهد گردید - و هر گاه تا مدت چهل روز هر یک از صدمات وارد منجر بهلاکت و فوت گردد شخص مقصوٰر محکوم بحبس دائم با قید خواهد گردید.

ماده ۱۹۷ - هر گاه صدمات وارد موجب جریان خون یا جراحة یا مرضی نشود ولی ثابت شود که فعل از روی عمد [کینه] و تصمیم قتل یا کمین کردن بوده است مجازات مرتكب حبس مجرد است.

ماده ۱۹۸ - در صورتیکه ضربه و صدمات و یا جراحات وارد باشخاص مذکوره در مواد (۱۹۰) و (۱۹۵) در

حين انعام وظایف یا بواسطه اجراء آن بهقصد قتل آنان بوده مرتکبین محکوم بحبس دائم با قید خواهند گردید.

۳) امتناع از انعام وظایف قانونیه.

ماده ۱۹۹- هر یک از فرماندهان و صاحب منصبان کل و جزو قوای دولتی که پس از تقاضای قانونی قوای کشوری از اجرای مأموریت و وظیفه خود امتناع نماید از سی و یکروز الی سه ماه محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید - و هر گاه از این امتناع خسارتبی وارد شود مدلول ماده (۳۴) این قانون نیز مجری و محفوظ است.

ماده ۲۰۰- هر یک از شهود تحقیق و مطلعین قضیه و اعضای هیئت منصفه که برای حضور در محکمه احضار گردند و بنا بعد غیرموجهی حاضر نشوند از شش روز الی دو ماه محکوم بحبس تأدیبی میشوند.

۴) در فرار مجبویین و اخفاء مقصرين.

ماده ۲۰۱- هر گاه محسوسی فرار نماید مأمورین حفظ و حراست او اعم از مأمورین عدیه و نظمیه یا فرماندهان کل یا جزو ژاندارمری یا قوای دولتی که ملازم محسوسین یا مراقب آنها هستند - و همچنین مستحفظین و زندانبانها و دربانها و کلیه مأمورینی که سفرآ و حضرآ مأمور به نگاهداری و حبس محسوسین میباشند به ترتیب ذیل مجازات خواهند شد.

ماده ۲۰۲- در صورتیکه شخص فراری متهم یا محکوم به جنحه یا جنایتی که فقط تردیلی است بوده و یا در صورتیکه فراری از اسرای جنگی بوده است بمستحفظین مذکور در صورت غفلت از وظیفه و شغل خود از یکماه الی سه ماه حبس خواهند گردید.

و در صورت اغماض از شش ماه الی دو سال حبس مقرر است.  
اشخاصی که مأمور بحفظ و حراست مقصرين مذبور نبوده ولی فرار آنها را تسهیل کرده و یا موجبات آنرا

فراهم نموده باشند از یک الی سه ماه حبس خواهند گردید.

ماده ۲۰۳- در صورتیکه محبوسین فراری یا یکی از آنها متهم یا محکوم به ارتکاب جنایتی که موجب مجازات ترهیبی موقّت است باشند مستحفظین و نگاهبانان ایشان در صورت غفلت از دو الی شش ماه حبس خواهند شد و در صورت اغماض محکوم بحبس مجرد خواهند گردید.

اشخاصی که از جمله مأمورین مذکور در فوق نبوده ولی در فرار محبوسین مساعدت کرده و یا آنکه موجبات آنرا فراهم نموده‌اند از سه ماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی خواهند شد.

ماده ۲۰۴- در صورتیکه فراریان یا یکی از آنها متهم یا محکوم بارتكاب جرائمی باشند که مستلزم مجازات اعدام یا مجازات دائمی است مراقبین یا مستحفظین آنها در صورت غفلت از یکسال الی دو سال حبس خواهند شد و در صورت اغماض محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند گردید.

اشخاصی که مأمور به مراقبت یا محافظت محبوسین فراری نبوده ولی مساعدت در فرار آنها نموده‌اند از یکسال الی سه سال حبس خواهند شد.

ماده ۲۰۵- هر گاه وقوع فرار یا قصد آن بعنف یا بشکستن درب محبس شده باشد اشخاصی که بوسیله اسباب مخصوص مساعدت در فرار محبوسین نموده‌اند از قرار ذیل مجازات خواهند شد.  
در صورتیکه جرم شخص فراری جنحه یا جنایت ترذیلی بوده باشد فراردهندگان از سه ماه الی یکسال حبس خواهند شد.

در صورتیکه جرم شخص فراری جنایت ترهیبی بوده فراردهندگان از شش ماه الی دو سال حبس خواهند شد \_ و در مورد فرار متهم بقتل یا حبس دائم مجازات فراردهندگان از یکسال الی سه سال حبس خواهد بود.

در مورد اخیر مقصرين ممکن است علاوه بر مجازات مقررة فوق از حقوقی که در ماده (۲۷) این قانون مصرح است از پنجسال الی ده سال محروم شوند و ابتدای مدت مزبوره از تاریخ اتمام مجازات حبس خواهد بود.

ماده ۲۰۶- در تمام موارد فوق الذکر در صورتیکه اشخاص خارجی بواسطه تطمیع یا رشوه مستحفظین محبس را فریفته یا اغماض آنها را تهیّه نموده یا موجبات فرار محبوسین را فراهم آورند اشخاص مذکور بهمان مجازاتی که برای مستحفظین و زندانیان مقرر است محکوم خواهند شد.

ماده ۲۰۷- در صورتیکه فرار مقصري بشکستن درب محبس یا بعنف واقع شده و وسیله آن رسانیدن اسلحه به محبوسین بوده مستحفظین و مأمورین محبس که در این امر شرکت داشته‌اند بمحبس دائم با قید و سایر اشخاص بمحبس غیردائم با قید مجازات خواهند شد.

ماده ۲۰۸- اشخاصی که در امر فرار محبوسی اغماض نموده‌اند مشترکاً محکوم خواهند گردید به ادای خساراتی که مدعی خصوصی میتوانسته است از محبوس خود مطالبه نماید و بواسطه فرار از او فوت شده است.

ماده ۲۰۹- محبوسینی که بواسطه شکستن درب محبس یا بعنف فرار نموده یا در صدد فرار برآمده از برای همین اقدام از شش ماه الی یکسال حبس خواهند شد \_ و این مجازات باید بلافصله بعد از انقضای مدت مجازات اصل جنحه یا جنایتی که باعث توقیف آنان بوده است مجری شود یا بلافصله بعد از حکمی که از محکمه بر برائت متهم صادر گردیده است.

و هر گاه فرار کننده یا قاصد فرار در حین عملیات فرار مرتكب جرائم دیگری که مجازات آن اشد باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۲۱۰- هر گاه کسانی مأمور به محافظت یا حاضر کردن متهمین یا مقصرين بوده و فقط بواسطه غفلت ایشان متهمین یا مقصرين فرار کرده باشند در صورتیکه فراریان مجدداً دستگیر یا خود حاضر شوند مستحفظین مزبور از مجازات حبس فوق الذکر معاف میشوند مشروط بر اینکه دستگیری یا حاضر شدن فراریان در ظرف چهار ماه از تاریخ فرار بوده و بسبب ارتکاب جنحه و جنایت دیگری نیز دستگیر نشده باشند.

ماده ۲۱۱- کسانیکه بعضی اشخاص را اخفاء نموده یا سبب اخفای آنها گردیده‌اند و مطلع بوده‌اند که آن اشخاص مرتكب جرم‌هائی شده‌اند که مستلزم مجازات ترهیبی است از سه ماه الی دو سال حبس می‌شوند.

اشخاص مفصله ذیل از مجازات مذکوره معاف خواهند بود.

آباء و اجداد اولاد و احفاد شوهر و زن حتی اگر مطلقه باشند و برادران و خواهران و اشخاصی که با مجرمین مخفی شده قربت سببی تا درجه دویم دارند.

(۵) در مجازات مرتكبین شکستن مهر و سرقت نوشتجات و اسناد از اماکن دولتی.

ماده ۲۱۲- هر گاه چیزی حسب‌الامر دولت یا بموجب حکم عدله مختوم شده و مهر آن شکسته شود اگر فقط بواسطه غفلت مستحفظین بوده اشخاص مذبور از سی و یکروز الی شش ماه حبس خواهند شد.

ماده ۲۱۳- در صورتیکه فک مهر راجع باوراق و اسناد و اسباب و اشیاء شخص متهم یا محکوم بجنایتی باشد که آن جنایت مستلزم مجازات اعدام با حبس دائم بوده باشد مستحفظینی که از وظایف خود غفلت ورزیده‌اند از سه ماه الی یکسال حبس خواهند شد.

ماده ۲۱۴- هر گاه کسی عمداً فک مهری که بر اوراق و اسناد و اشیاء موصوفه فوق‌الذکر زده شده است نماید یا شرکت در فک مهر مذبور نموده باشد از شش ماه الی دو سال محبوس خواهد شد - چنانچه خود مستحفظ شخصاً یا با شرکت دیگری مرتكب فک مهر شده باشد از یکسال الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید.

مقصر مذبور علاوه بر مجازات مقرره فوق از پنجسال الی ده سال از حقوقی که در ماده (۲۷) همین قانون مصرح است محروم خواهد گردید و ابتدای آن مدت از اتمام مجازات حبس خواهد بود.

ماده ۲۱۵- برای سایر انواع فک مقصرين از سه ماه الی یک سال حبس میشوند - در صورتيكه مستحفظ شخصاً مرتکب اينگونه جرمها بشود از يك سال الی سه سال حبس خواهد شد.

ماده ۲۱۶- هر گاه بعض يا کل نوشتजات يا اسناد و يا اوراق متعلقه به محاكمات جزائي يا سایر اوراق يا دفاتر و يا مطالبي که در دفاتر ثبت و ضبط مندرج و يا در اماكن دولتی محفوظ يا نزد اشخاصی که رسماً مأمور بحفظ آنها هستند سپرده شده ربوده يا معذوم يا تخریب شود شخص دفتردار و مباشر ضبط و ثبت اسناد و سایر امنائي که بواسطه غفلت آنها جرم مذکور وقوع یافته از سه ماه الی يك سال حبس خواهند شد.

ماده ۲۱۷- مرتكبين هر يك از انواع و اقسام جرمهاي مشروح در ماده فوق هر گاه غير از مستحفظین باشند محکوم بحبس مجرد خواهند گردید.  
و اگر خود امانتدار مرتکب يکی از جنایات فوق الذکر گردد محکوم بحبس غير دائم با قيد خواهد شد.

ماده ۲۱۸- در صورتيكه مرتکب با قهر و تشدّد نسبت باشخاص فک مهر نموده يا نوشتजات و اسناد را بربايد يا معذوم کند محکوم بحبس غير دائم با قيد خواهد گردید و اين مجازات مانع از اجرای هر جنحه و جنایتي که از قهر و تشدّد حاصل شده نخواهد بود.

۶) در تخریب ابنيه و آثار.

ماده ۲۱۹- کسی که نسبت بابنيه و آثار و کلية اشيائی که از طرف دولت يا باجازه آن برای استفاده عموم يا تزيين اماكن عمومي نصب گردیده خرابي وارد آورد و يا منهدم سازد و يا کسر و نقصي برساند از سی و يکروز الى دو سال حبس خواهد شد و بعلاوه از شش روز الى يکماه حبس قابل ابتیاع خواهد داشت.

## ۷) غصب عناوین و القاب و مشاغل.

ماده ۲۲۰- کسی که بدون حق رسمی در مشاغل دولتی کشوری یا نظامی دخالت نموده و یا آنکه اجرای وظائف یکی از مشاغل مذکوره را نماید از یکسال الى سه سال حبس خواهد شد - و هر گاه عمل او متضمن جعل سندی باشد مجازات آنرا نیز بعلاوه خواهد دید.

ماده ۲۲۱- هر گاه شخصی علناً لباس مخصوص یا رسمی پوشیده و یا استعمال نشانی بنماید که متعلق باو نباشد از شش ماه الى دو سال حبس خواهد شد.  
هر کسی که بدون حق برای نمایش شأن و مقام علناً اختیار لقبی که اعظامی آن از خصایص دولت است نموده و یا آنکه اسم اصلی خود را که دفتر نفوس ثبت است تغییر داده و یا تصرفی در آن نماید از دو ماه الى دو سال حبس خواهد شد و سواد حکمی را که بمحکومیت او از محکمه صادر شده در حاشیه استناد رسمی او که حاوی اسم یا لقب جعلی میباشد ثبت خواهند نمود.

در تمام موارد مذکوره در این ماده محکمه میتواند مقرر دارد که سواد تمام حکم یا خلاصه آنرا در جراید درج نمایند و کلیه مخارج واردہ بر عهده شخص محکوم علیه خواهد بود.

## بحث چهارم

در مشارکت و اجتماع و مواضعه برای ارتکاب جنایات.

ماده ۲۲۳- هر گونه مجمع و شرکت و مواضعه که برای تهیه مقدمات یا ارتکاب جنایتی بر ضد اشخاص یا اموال تشکیل یابد مطقاً در حکم اخلال امنیت و آسایش عمومی است.

ماده ۲۲۴- هر کس خود را دخیل یا سهیم در مجمع و مواضعه مذکور در ماده فوق نماید محکوم بحبس غیر دائم با قید خواهد گردید.

اشخاصی که بواسطه ارتکاب جنایت مذکوره در این ماده مقصر گردیده‌اند از مجازات معاف نیشوند در صورتیکه قبل از هر گونه تعقیبی مقامات مقتضیه را از موضعه و تشکیل شرکت و مجمع مطلع سازند.

ماده ۲۲۴- کسانیکه با مرتكبین جنایات مذکوره در ماده (۲۲۲) از روی عمد و اختیار مساعدت نموده و از برای آنها آلات و ادوات جنایتی و یا اسباب ارسال و مرسول مکاتبات و منزل و یا محل اجتماعی فراهم کرده‌اند محکوم بحبس مجرد خواهد گردید.

احکام مندرجۀ در جمله دویم ماده (۲۲۳) در باره مقصري که مرتكب جرائم مذکوره در این ماده شده نيز مقرر خواهد بود.

#### مبحث پنجم

در ول گردی و تکدّی.

ماده ۲۲۵- اشخاصی که با وجود تمکن بر تهیه منزل و مأوى و اختیار شغل و حرفة ول گردی و بیکاری را شعار خود ساخته‌اند سه الی شش ماه ای شش ماه محکوم بحبس خواهند شد - اطفالیکه سنستان از پائزده تجاوز نکرده باشد از این مجازات معافند.

هر گاه معلوم شود که اشخاص مذبور از اتباع خارجه هستند باید آنها را با مر دلت از داخل مملکت خارج نمود.

مقصود از ول گرد کسانی هستند که مسکن و مأوى مخصوص و وسیله معاش معلومی و شغل و حرفة معینی ندارند.

ماده ۲۲۶- هر گاه کسی بعنوان ول گردی گرفتار یا محکوم شود و اداره بلدیه یا حکومت محلی که وطن او بوده تقاضا کند که او را بوطن اصلیش رجعت بدنهند محکمه میتواند این تقاضا را پذیرد ولی در صورتیکه بعد از مرخصی باز در محلی که محکوم شده بطور ول گردی و بیکاری توقف نماید مجازات او ضعف میشود.

ماده ۲۲۷- کسانیکه با صحت مزاج و تمکن از اختیار شغل و حرفه گدائی را شیوه خود قرار دهند از سه ماه الی شش ماه حبس میشوند.

ماده ۲۲۸- گدایان هر چند عاجز باشند هرگاه مردم را تهدید کنند یا دشنام دهند یا بدون اجازه صاحب منزل یا اهل خانه وارد شوند از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس خواهند شد.

ماده ۲۲۹- کسانیکه به تزویر خود را علیل و مریض و عاجز نمایش دهند یا آنکه بهیئت اجتماع تکدی کنند مگر اینکه زن و شوهر یا پدر و مادر یا اولاد صغیر یا کور و عصاکش او باشند مجازات فوق را خواهند داشت.  
نیز همان مجازات را خواهند داشت کسانی که اطفال صغیر را وسیله تکدی قرار دهند.

ماده ۲۳۰- هر ول گرد و یا گدائی که تغییر وضع و لباس داده یا حمل اسلحه نماید اگر چه آنرا بکار نبرده باشند یا اینکه سوهان و چنگک و سایر آلات مخصوصه سرقت یا شکستن حrz همراه داشته باشد از یکسال الی سه سال حبس خواهد شد.

ماده ۲۳۱- هر گاه ول گرد و یا گدائی اشیائی داشته باشد که قیمت آنها زیاده از بیست تومان باشد و معلوم نکند که اشیاء مزبوره بطريق مشروع بدست او آمده از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس خواهد شد.

ماده ۲۳۲- هر گاه ول گرد یا گدائی نسبت بکسی حرکتی بطور عنف و شدّت بنماید از یکسال الی سه سال حبس میشود مگر اینکه عمل او قانوناً موجب مجازات اشد باشد که در آنصورت همان مجازات در باره او مقرر خواهد شد.

هر گاه کیفیات مذکوره در ماده (۲۳۰) در حق او صادق باشد مجازات حبس او مجرد خواهد بود.

ماده ۲۳۳- کسانی که بدست آویز تصدیق و شهادتنامه جعلی تکدی و ول گردی نمایند بحد اکثر مجازات

راجعه باستعمال تصدیق و شهادت جعلی محاکوم خواهند شد.

## قسمت سیم

در جنحه و جنایت نسبت بافراد که مخل آسایش و نظام عمومی باشد.

### فصل اول

در جنحه و جنایت نسبت باشخص.

۱) قتل عمدی.

ماده ۲۳۴- هر کس مرتکب قتل عمدی شود مجازات او اعدام است.

ماده ۲۳۵- هر گاه محاکمه مرتکب قتل عمدی بسبب موجبات و موانعی از صلاحیت محکمه جنائی اختصاصی خارج شود نظر به جنبه نظام مملکتی محاکم جنائی قضیه را رسیدگی کرده حکم میدهند و میتوانند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف داده حکم بحبس دائم با قید بدهند.

۲) تهدید.

ماده ۲۳۶- هر گاه کسی دیگری را کتاباً با امضاء یا بدون امضاء تهدید کند بقتل یا مسمومیت یا به آزارهای دیگری که جزء جنایت محسوب شود و در این تهدید بطرف مقابل امری کند یا مبلغی تقاضا نماید تا از این خطر محفوظ بماند تهدید کننده از یکسال الى سه سال محکوم بحبس تأدیبی و باضافه از ده روز الى دو ماه حبس قابل ابیاع خواهد شد و بعلاوه ممکن است از حقوق مذکور در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الى ده سال محروم گردد و ابتدای این مجازات از روز اختتام مجازات حبس خواهد بود.

ماده ۲۳۷- در صورتیکه تقاضای وجهی یا امری یا تهدید مزبور همراه نباشد تهدید کننده از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی و از شش روز الی چهل روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۲۳۸- هر گاه تهدید شفاهی بوده و منضم بامری یا تقاضای وجهی بوده باشد تهدید کننده محکوم به ماه الی یکسال حبس و یکروز الی بیست روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۲۳۹- هر گاه کسی دیگری را کتاباً یا شفاهاً به آزار و صدمه که جنحه محسوب شود تهدید نماید و در ضمن تهدید تقاضائی کند یا شرطی بنماید از سی و یکروز الی سه ماه حبس خواهد شد و از یکروز الی پنجره حبس قابل ابیاع خواهد شد.

### ۳) جرح و ضرب عمدی.

ماده ۲۴۰- هر کس عمدآ بدیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب مرضی گردد و یا قدرت کار کردن را از شخص صدمه خورده در مدتی زیاده از بیست روز سلب نماید محکوم بیکسال الی سه سال حبس تأدیبی و سه روز الی چهار ماه حبس قابل ابیاع خواهد شد - و بعلاوه ممکن است از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الی ده سال از روز اختتام مجازات حبس محروم گردد.

هر گاه صدمه وارد مئدی به نقصان عضوی از اعضاء شود مجازات مرتكب حبس مجرد است و هر گاه منتهی بموت یا جنون مجنی علیه شود بدون آنکه مرتكب قاصد آن بوده محکوم بحبس غیر دائم با قید خواهد شد.

ماده ۲۴۱- هر گاه صدمه وارد منتهی با مراض و نقصان اعضا نشود مرتكب محکوم به سی و یکروز الی دو سال حبس یا یکروز الی پانزده روز حبس قابل ابیاع میشود و ممکن است محکمه موافق نظر خود مقصرا بهر

دو مجازات محکوم نماید.

ماده ۲۴۲- هر گاه صدمات مذکوره در ماده قبل نسبت به پدر یا مادر یا اجداد و جدات واقع شود، مجازات مرتكب یکدرجه شدیدتر از مجازاتهای مذکوره در ماده فوق خواهد بود.

ماده ۲۴۳- هر کس عمدآ بطفل نابالغی ضربت و جراحت برساند و یا در مأکل و مشرب او تضیيق نماید بطوریکه به مزاج او صدمه وارد آید از شش ماه الى دو سال حبس تأدیبی و از یک روز الى دو ماه حبس قابل ابیاع خواهد شد.

هر گاه از اعمال فوق مرض و یا ناتوانی حاصل شود که مدت آن زاید بر بیست روز باشد مجازات از یکسال الى سه سال حبس تأدیبی و یکروز الى چهار ماه حبس قابل ابیاع خواهد بود.  
مجازاتهای فوق در باره مرتكب مقرر است اگرچه پدر و مادر و اجداد طفل باشند.

ماده ۲۴۴- هر گاه جنحه و جنایات مذکوره در این مبحث در مجمع فتنه‌آمیزی واقع شده و با طغیان و نهب و غارت مقرون بوده و مرتكب جنحه و جنایت معلوم نباشد رؤسae و اغواکنندگان و محرکین مجمع مذکور مسئول خواهند بود و مانند اشخاصی که مرتكب جنحه و جنایت مذکوره بوهاند محسوب و بهمان مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۴۵- هر کس آلت تناسل کسی را قطع نماید محکوم بحبس دائم با قید خواهد شد - هر گاه عمل فوق در ظرف چهل روز موجب هلاک مجنی عليه گردد مرتكب محکوم بااعدام است.

ماده ۲۴۶- هر کسی بواسطه بعضی مأکولات یا مشروبات یا ادویه یا بوسیله حرکات عنیفه یا بوسایل دیگر اسباب سقط جنین شود اعم از اینکه مادر طفل راضی بوده یا نباشد محکوم بحبس مجرد خواهد شد.  
جزء فوق الذکر در باره زنی که وسیله سقط حمل خود را فراهم نماید یا آنکه بسقوط حمل خود بتکلیف

دیگران تن در دهد و سقط واقع شود نیز مقرر است.

طیب یا جراح یا دوافروشی که موجبات سقط جنین را فراهم کند محکوم بحبس غیردائم با قید خواهد شد و بعلاوه از یکروز الی یکماه حبس قابل ابیاع نیز خواهد داشت.

ماده ۲۴۷- هر کس موادی که سهم مهلك نبوده لیکن مضر به مزاج باشد بکسی بخوراند و موجب مرض یا ناتوانی او گردد از یک ماه الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد شد و اگر مرض یا ناتوانی مجنی علیه زیاده از بیست روز دوام کند مجازات مرتکب حبس مجرد است.

هر گاه جنایت فوق از طرف اولاد نسبت پدر و مادر یا اجداد و جدات و یا از طرف زوج نسبت بزوجه یا زوجه نسبت بزوج واقع شود مجازات مرتکب در حالی که مرض و ناتوانی زیاده از بیست روز نباشد حبس مجرد است و اگر زیاده از بیست روز شود حبس غیردائم با قید خواهد بود.

ماده ۲۴۸- هر کس تفنگ و شش لول و طپانچه و قمه و خنجر و حربه‌های دیگری را که حمل آنها بمحض قانون یا نظامنامه‌های دولتی ممنوع است بدون اجازه حمل نماید محکوم بیکروز الی یکماه حبس قابل ابیاع خواهد شد و اگر این جرم را تکرار کند مدت مجازات ضعف میشود.

۴) قتل و ضرب و جرح غیرعمدی و مواردی که جانی معذور و قابل تخفیف مجازات است.

ماده ۲۴۹- هر کس بواسطه عدم مهارت یا بیاحتیاطی و بیمبالاتی یا عدم رعایت نظمات دولتی بغیرعمد مرتکب قتل یا سبب وقوع آن گردد محکوم به سه ماه الی دو سال حبس تأدیبی و سه روز الی چهل روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۲۵۰- هر گاه بیاحتیاطی و بیمبالاتی مذکور در فوق متنه بجرح یا ضرب گردد مقصص محکوم به شش روز الی یکماه حبس تأدیبی و سه روز الی ده روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۲۵۱- قتل و ضرب و جرح هر گاه در مقام دفاع از ضرب و آزار شدید یا برای ممانعت از مقاصد سوء کسی که در روز از دیوار خانه بالا میرود یا در و پنجره و دیوار را میشکند و میشکافد بعمل آمده باشد معذور و مورد تخفیف مجازات است.

هر گاه سوء قصد مزبور در شب واقع شده باشد تکلیف بموجب ماده (۲۵۷) تعیین میشود.

ماده ۲۵۲- قتل والدین بهیچ موجب معذور و معاف نمیشود.

ماده ۲۵۳- هر گاه یکی از زوجین قاتل دیگری شود معذور نخواهد شد مگر اینکه مرتكب در مورد خطر جانی از طرف مجني عليه واقع شود و قتل را هم در همان حین خطر مرتكب شده باشد ولی هر گاه شوهری زن خود را در منزل خود با مرد اجنبی در هر حال مواقعه مشاهده نماید و مرتكب قتل زن یا شخص زانی شود معذور است.

ماده ۲۵۴- جنایت قطع آلت تناسل هر گاه در حین هتك ناموس از طرف مجني عليه واقع شود معذور است.

ماده ۲۵۵- در مواردیکه معذور بودن مقصرا ثابت شود هر گاه جنایت او مستوجب اعدام یا حبس دائم باشد مجازات حبس تأديبي از يك萨ال الى سه سال برای او مقرر میشود و اگر مستوجب حبس غير دائم بوده حبس تأديبي از شش ماه الى دو سال خواهد داشت و اگر تقصیر او فقط جنحه باشد از يك الى شش ماه حبس خواهد شد.

۵) قتل و ضرب و جرحی که جنحه و جنایت محسوب نمیشود.

ماده ۲۵۶- در موارد ذیل قتل و ضرب و جرح جنحه و جنایت محسوب نیست و مورد تعقیب و مجازات

واقع نمیشود.

اولاً- در صورتیکه قتل و ضرب و جرح بحکم قانون و به امر آمر قانونی انجام یابد.

ثانیاً- در صورتیکه فقط برای دفاع و حفظ جان خود یا دیگری واقع شود.

ماده ۲۵۷- موارد ذیل از موارد دفاع و حفظ جان محسوب است.

اولاً - موردی که قتل و ضرب و جرح هنگام شب واقع شود در ضمن ممانعت از سوء قصد کسی که از دیوار خانه بالا میرود یا در و پنجره و دیوار را می‌شکند و می‌شکافد.

ثانیاً - مورديکه قتل و ضرب و جرح در مقام دفاع از سارق یا کسی که بعنف غارتگری میکند واقع شده باشد.

#### ۶) توقيف و حبس غیرقانونی

ماده ۲۵۸- هر کس بدون حکمی از مقامات مقتضیه و خارج از مواردی که قانون جلب و توقيف اشخاص را تجویز نموده شخصی را توقيف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید محکوم بحبس غیر دائم با قید خواهد بود.

کسی که برای ارتکاب جرم مذکور مکانی تهیه کرده و بدینظریق مساعدت با جنایت مزبوره نماید محکوم بهمان مجازات خواهد شد.

ماده ۲۵۹- اگر کسی که مرتکب جرم مذکور در ماده قبل گردیده قبل از آنکه مورد تعقیب شود شخص توقيف شده را رها نماید در صورتیکه زیاده از ده روز آنسchluss را در توقيف و حبس نگاه نداشته باشد مجازات او تخفیف یافته از یکسال الی سه سال حبس مقرر خواهد بود.

ماده ۲۶۰- در موارد ذیل کسی که مرتکب توقيف و حبس غیرقانونی اشخاص گردیده باشد محکوم حبس

دائم با قید است.

اولاً- اگر توقيف کننده لباس مبدل داشته باشد یا اسم و عنوان مجموع اختيار کرده یا حکم جعلی از مقامات مقتضيه ابراز نموده باشد.

ثانياً- اگر شخص توقيف شده را تهدید به قتل نموده باشد.

ثالثاً- اگر بشخص توقيف شده شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد.

رابعاً- اگر توقيف و حبس غیرقانونی زیاده از یکماه دوام کرده باشد.

(۷) بی عفتی و بی ناموسی.

ماده ۲۶۱- هر کس علناً عمل قبیحی که منافی عفت باشد مرتكب شود از سه ماه الى دو سال حبس میشود و این غیر از مجازات اختصاصی است که برای اعمال مخصوص مقرر است.

ماده ۲۶۲- اشخاص مفصله ذیل محکوم بحبس تأدیبی از شش ماه الى سه سال میباشند.

اولاً- کسانیکه جوانان را اعم از ذکور یا اناث از راه در برده بفساد اخلاق و امیدارند بواسطه تحریک کردن شهوت یا تسهیل نمودن وسائل شهوت رانی ایشان.

ثانیاً- کسی که برای شهوت رانی دیگری جوانی را از راه در برد به بی ناموسی و ادارد اگرچه با رضای خود او باشد.

ثالثاً- هر کس برای شهوت رانی دیگری زنی یا دختری را از راه تزویر یا بعنف یا بعنوان ادائی دین ایشان یا رفع حواجع دیگری یا بواسطه سوء استعمال قدرت و اختیاری که نسبت به ایشان دارد به بی ناموسی و ادارد یا درخانهای بی ناموسی نگاه بدارد.

هر گاه جرائم مذکوره بواسطه پدر و مادر و اجداد و اقرباء یا لیله و دایه و نوکر و مستخدم یا معلم و مشاق و کلیئه اشخاصی که سمت صاحب اختیاری نسبت بمجنی علیه دارند سر بزنند یا اشخاص مزبور تحریک یا تسهیل جرائم مذکوره را بنماید بحد اکثر مجازات فوق محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۳- مقصرين مذكور در ماده قبل در ظرف مديشه کمتر از دو سال و بيشتر از بيسن سال نباشد از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم خواهد شد و ممکن است در ظرف همان مدّت از اقامت در محل مخصوص نيز منوع گردد.

ماده ۲۶۴- هر کس بدون عنف هتك ناموس شخص نابالغی را بنماید مجازات او حبس مجرد است و اگر مرتكب پدر و جد و لیله و ساير اشخاص مذكور در ماده (۲۶۲) باشند بحبس غير دائم با قيد محکوم میشوند.

ماده ۲۶۵- هر کس هتك ناموس ديگري را بعنف بنماید محکوم بحبس غير دائم با قيد است و اگر مجنى عليه نابالغ باشد جانی بحد اكثراً مجازات مذكور محکوم خواهد شد - هر گاه مرتكب پدر و جد و لیله و ساير اشخاص سابق الذكر باشند مجازات ايشان حبس دائم با قيد است.

ماده ۲۶۶- در موارد ديگري که کسی مرتكب فحشاء و امور منافي عفت شود و داخل در موارد فوق نباشد مجازات مرتكب بر حسب درجات و کيفيات واقعه از سه ماه الى دو سال حبس تأديبي و شش روز الى چهار ماه حبس قابل ابتیاع خواهد بود.

(۸) مخالفت با مراسم دفن اموات.

ماده ۲۶۷- هر کس بدون رعایت مراسم و نظامات راجعه بدن اموات جنازه را دفن کند يا سبب دفن آن شود از سی و یکروز الى سه ماه محبوس خواهد شد و اين غير از مجازات مقرر برای جنایاتی است که ممکن است با اين واقعه مقرن باشد.

ماده ۲۶۸- هر کس جسد متوفّائی را پنهان کند از یک ماه الی شش ماه حبس خواهد شد و اگر جسد شخص مقتول را پنهان کند مجازات او از شش ماه الی دو سال حبس خواهد بود - و هر گاه شرکت در جنایت نیز نموده باشد مجازات آنرا هم بعلاوه خواهد دید.

ماده ۲۶۹- هر کس نبش قبور نماید از سه ماه الی یکسال محکوم بحبس تأدیبی میشود و هر گاه جنحه یا جنایت دیگر نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد مجازات آنرا هم بعلاوه خواهد دید.

#### ۹) جنحه و جنایت نسبت با طفال.

ماده ۲۷۰- کسی که طفلی یا صغیری یا دختری را که زیاده از پانزده سال نداشته باشد بحیله یا بعنف برباید یا بدزد یا مخفی یا ناپدید کند یا طفلی را بجای طفلی دیگر قلم دهد یا زنی را که دارای طفل نشده باشته دارای طفل بخرج بددهد محکوم بحبس مجرد خواهد شد.

هر گاه طفلی که موضوع تقلبات مذکوره واقع شده زنده بودنش مسلم نشده باشد مجازات مقصص از یکماه الی سه سال حبس است و اگر مسلم شود که طفل مجبور متوفّی بوده مجازات مقصص زیاده از دو ماه حبس نخواهد بود.

کسی که مأمور بحفظ و حضانت طفلی بوده و در موقع مطالبه اولیاء طفل از ردّ طفل امتناع کند و نتوان طفل را از او دریافت کرد محکوم به حبس مجرد خواهد گردید.

ماده ۲۷۱- هر کس طفلی یا عاجزی را که از جهت عجز بدنی یا عقلی قادر بر محافظت خود نباشد در جای بی‌آبادانی و دور از مردم ببرد و رها کند یا سبب بردن و رها کردن او بشود محکوم یک سال الی سه سال حبس تأدیبی و یک روز الی دو ماه حبس قابل ابتیاع میشود.

اگر مرتکب پدر و مادر یا کسان دیگری که سمت ولایت یا صاحب اختیاری نسبت بطفل یا شخص عاجز دارند بوده باشند بحدّ اکثر مجازات مذکوره محکوم خواهند شد.

ماده ۲۷۲- هر گاه طفل یا شخص عاجزی که مورد جرم مذکور در ماده قبل واقع شده از این جهت صدمه و آسیبی بهبیند که مدامالحیات باقی باشد مرتكب اگر بیگانه باشد حبس مجرد و اگر نسبت به مجندی علیه سمت ولایت داشته باشد حبس غیر دائم با قید خواهد شد هر گاه مجندی علیه تلف شود مقصود حکم قاتل است.

ماده ۲۷۳- کسانیکه طفل یا شخص عاجز را در آبادی سر راه میگذارد و رها میکنند یا سبب این امر میشوند از یکماه الی یکسال محکوم بحبس تأدیبی میباشند و اگر از این جهت آسیبی بطفل یا شخص عاجز بررسد مجازات مقصود از یکسال الی سه سال حبس تأدیبی است.

۱۰) شهادت دروغ و افتراء و بهتان.

ماده ۲۷۴- هر گاه کسی در امور جنایی شهادت دروغ بددهد اعم از اینکه بر علیه جانی یا بر له او باشد محکوم بحبس مجرد خواهد بود لیکن اگر بواسطه شهادت دروغ شخص متهم به مجازاتی اشد از حبس مجرد محکوم گردیده باشد شاهد کاذب هم همان مجازات را خواهد دید.

ماده ۲۷۵- کسی که در امور جنحه شهادت دروغ بددهد اعم از اینکه بر علیه یا بر له متهم باشد محکوم بیک سال الی سه سال حبس تأدیبی و سه روز الی چهار ماه حبس قابل ابیاع خواهد بود و اگر متهم بواسطه شهادت دروغ محکوم به مجازاتی اشد از سه سال حبس گردیده باشد شاهد کاذب هم همان مجازات را خواهد دید. هر گاه کسی در امور خلاف شهادت دروغ بر علیه یا بر له متهم بددهد محکوم بحبس تأدیبی از یکسال الی سه سال و یکروز الی یکماه حبس قابل ابیاع خواهد شد.

مقصرین مذکور در این ماده ممکن است بعلاوه از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الی ده سال محروم شوند و ابتدای این مجازات از روز اختتام حبس ایشان خواهد بود.

ماده ۲۷۶- کسانی که در امور حقوقی شهادت دروغ بدھند محکوم به یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و سه روز الی چهار ماه حبس قابل ابیاع خواهند شد و بعلاوه ممکن است از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) نیز در مدت پنج سال الی ده سال از روز اختتام مجازات حبس محروم گردد.

ماده ۲۷۷- کسانیکه در امور جنایتی شهادت دروغ داده و رشوه و تعارف یا وعده هم قبول کرده باشند محکوم بحبس غیر دائم با قید خواهند شد با رعایت جزء اخیر ماده (۲۷۴).  
کسی که در امور جنحه یا امور حقوقی برای شهادت دروغ رشوه و تعارف یا وعده قبول کند از یکسال الی سه سال حبس خواهد شد.

هر کس در امور خلاف برای ادای شهادت دروغ رشوه و تعارف یا وعده قبول کند از یکسال الی سه سال حبس خواهد شد.

در کلیه موارد فوق سلب حقوق مذکوره در ماده (۲۷) نیز در مدت پنجسال الی ده سال بعد از اختتام مجازات حبس ممکن است در باره شاهد کاذب حکم شود.

ماده ۲۷۸- کسانیکه مردم را بشهادت کذب و امیدارند در حکم شاهد کاذبند و بر حسب تشخیص مراتب محکوم به مجازات مذکور در مواد فوق میباشند.

ماده ۲۷۹- هر کس در باره یکنفر یا چند نفر بهتان و نسبت افترائی را کتاباً به مأمورین نظمه یا عدله یا سایر ادارات دولتی برساند محکوم بحبس تأدیبی از یکماه الی یکسال و حبس قابل ابیاع از پنجره روز الی پنجماه خواهد شد.

ماده ۲۸۰- اطباء و جراحان و قابلها و دوافروشها و کلیه کسانیکه بواسطه شغل و حرفة خود محرم اسرار میشوند و در غیر از مواردی که قانون اقتضا دارد اسرار مردم را افشاء مینمایند محکوم یک ماه الی شش ماه حبس تأدیبی و پنجره روز الی یکماه حبس قابل ابیاع خواهند شد.

## فصل دویم

در جنحه و جنایت نسبت به اموال.

(۱) سرقت.

ماده ۲۸۱- هر کس مالی را که متعلق باو نیست بدون حق و به تقلب برباید سارق محسوب است و مجازات سرقت در مواردی که موضوع محکمه شرعی واقع نشود از قراری است که در مواد ذیل مقرر میگردد.

ماده ۲۸۲- مجازات حبس دائم با قید مقرر است برای کسانیکه مرتکب سرقت شوند در صورتیکه جرم ایشان مقرن بتمام شرایط ذیل باشد.

(۱) هنگام شب مرتکب شده باشند.

(۲) دو یا چند نفر متفقاً مرتکب شده باشند.

(۳) یک یا چند نفر از مرتکبین حامل اسلحه ظاهر یا نهانی باشند.

(۴) در جائی که محل سکنی است یا توابع آن سرقت کرده باشند.

(۵) در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

(۶) از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی بکار برده باشند یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت اختیار کرده یا بر خلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلم داده باشند.

ماده ۲۸۳- کسانیکه در طرق و شوارع سرقت بنمایند اگر عمل ایشان با دو شرط از شرایط فوق مقرن باشد بحبس دائم با قید محکوم میشوند - هر گاه فقط با یکی از شرایط فوق مقرن باشد محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند شد و در سایر موارد محکوم به حبس مجرد میشوند.

ماده ۲۸۴- هر گاه سرقت مقرون با چهار شرط اوّل از شروط مذکوره در ماده (۲۸۲) یا فقط با شرط پنجم یا شرط ششم مقرون بوده مرتكب محکوم بحبس غیر دائم در قلاع خواهد شد.

ماده ۲۸۵- حبس مجرد مقرر است.

اولاً- برای اشخاصی که سرقت کرده و سرقت ایشان مقرون بشه یا دو شرط اربعه اوّلیه مذکوره در ماده (۲۸۲) باشد.

ثانیاً- هر گاه سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا در منزل دیگری که با تفاوت مخدوم خود بآنجا رفته سرقت نموده است.

ثالثاً- هر گاه سارق شاگرد یا کارگر بوده و در خانه یا دکان استاد سرقت نموده یا در محلی که عاده آنجا کار میکرده است.

رابعاً- در صورتیکه سارق کاروانسرادر یا مهمانخانه‌چی یا مکاری یا سورچی و از این قبیل مردم بوده و تمام یا بعضی از اموالی را که به مناسبت شغل او سپرده باو بوده است سرقت نموده باشد.

ماده ۲۸۶- مکاری و سورچی و امثال آنها که مأمور حمل جنس بوده و تصرف و تبدیل در آن جنس بنماید محکوم یک ماه الی یکسال حبس تأدیبی و یک روز الی ده روز حبس قابل ابیاع خواهند شد - لیکن اگر تبدیل و تصرف را بوسیله ادخال مواد مضره بنمایند مجازات ایشان یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و سه روز الی یکماه حبس قابل ابیاع خواهد بود و ممکن است از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) نیز در مدد پنجم الی ده سال از روز اتمام حبس محروم شوند.

ماده ۲۸۷- هر کس در مزارع و کشتزارها اسب و الاغ و گاو و گوسفند و امثال آن یا آلات و ادوات زراعت را سرقت کند یا در صدد سرقت آن برآید محکوم یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و یک روز الی یکماه حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۲۸۸- هر کس در مزارع و کشتزارها محصولات ارضی را که از زمین بیرون آورده باشند سرقت کند یا در صدد آن برآید محکوم بیک ماه الی دو سال حبس تأدیبی و یکروز الی پانزده روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

اگر سرقت مذکور شب واقع شود یا اینکه برای انجام سرقت اسب و الاغ یا بارکش بکار برده باشند یا اینکه سرقت را چند نفر باتفاق کرده باشند مرتكب محکوم بیک سال الی سه سال حبس تأدیبی و یکروز الی پانزده روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

هر گاه کسی محصولاتی را که از زمین جدا نشده سرقت کند یا در صدد آن برآید و برای این مقصود اسباب یا اسب و الاغ یا بارکش و امثال آن بکار ببرد یا شب مرتكب شود یا باتفاق چند نفر باشد محکوم بیکماه الی دو سال حبس تأدیبی و یکروز الی پانزده روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

در تمام موارد مذکور در این ماده و ماده قبل مرتكب ممکن است از تمام یا بعضی حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم گردد.

ماده ۲۸۹- هر کس برای ارتکاب سرقت حدّ فاصل بین املاک را تغییر دهد یا در صدد آن برآید از یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و یکروز الی یکماه حبس قابل ابیاع خواهد شد و بعلاوه ممکن است مرتكب از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الی ده سال محروم گردد.

ماده ۲۹۰- برای سایر اقسام دزدی بر حسب اهمیت اوضاع و احوال جرم و مجرم بنظر محکمه از یکماه الی سه سال حبس تأدیبی و یکروز الی یکماه حبس قابل ابیاع مجازات مقرر میشود و بعلاوه ممکن است مقصراً پنجسال الی ده سال بعد از اتمام مدت حبس از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم شود.

ماده ۲۹۱- سرقت زوج از مال زوجه یا زوجه از زوج یا اولاد از والدین و والدین از اولاد یا زوجه از ترکه زوج متوفی خود یا زوج از ترکه زوج متوفی خود در تحت تعقیب جزائی در نمی آید و فقط موضوع دعوای حقوقی میتواند بشود.

ماده ۲۹۲- هر کس بطور تزویر کلیدی نظیر کلید دیگری بسازد یا کلیدی را تغییر و تبدیل دهد در حکم کسی است که سرتهمانی مذکوره در ماده (۲۹۰) را مرتکب شده و اگر مرتکب قفل‌ساز و چلانگر باشد بحدّ اکثر مجازات مذکوره محکوم می‌شود.

ماده ۲۹۳- هر کس در مهمانخانها و امثال آن اماکن مأکول و مشروب بطلب و صرف کند در حالی که قادر بر ادائی قیمت آن نباشد و علم باین کیفیت داشته باشد از شش روز الی شش ماه حبس تأدیبی و یکروز الی ده روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۲۹۴- هر کس بجبر و قهر یا آزار نوشته یا امضائی یا سندی که موجب الزام یا برایت ذمه باشد از دیگری بگیرد محکوم بحبس غیر دائم با قید می‌شود.  
هر کس دیگری را تهدید کتبی یا شفاهی کند بافشای اسرار یا تهمت و افتراء و باین وسیله اخذ مال یا نوشته و امضائی بنماید محکوم بیکسال الی سه سال حبس تأدیبی و سه روز الی شش ماه حبس قابل ابیاع می‌شود.

ماده ۲۹۵- هر کس مال او در تحت توقيف قانونی درآمده و باو سپرده شده باشد یا مالی را که وثیقه دین قرار داده است تلف کند یا از میان ببرد مثل سارقین مذکور در ماده (۲۹۰) مجازات خواهد شد و اگر مال را بدیگری بسپارد بحدّ اکثر مجازات مذکور محکوم خواهد گردید - کسانیکه عالمًا با اشخاص مزبور در اتلاف یا ناپدید کردن اموال مذکوره کمک کنند یا آنها را پنهان نمایند مثل همان اشخاص مجازات خواهند شد.

ماده ۲۹۶- مقصود از شکستن حرز خراب کردن و شکستن و سوراخ کردن دیوار و سقف و زمین و در و پنجره و قفل و مهر موم و هر چیزی است که برای بستن و محفوظ داشتن و منع از عبور بکار برده شود.  
خارج کردن صندوق و جعبه و قفسه و بار و امثال آن از جای خود در حکم شکستن حرز است.

۲) ورشکستگی و مال مردم‌خوری و کلاه‌رداری.

ماده ۲۹۷- کسانیکه در موارد معینه در قانون تجارت بعنوان ورشکستگی مقصود میشوند بطريق ذيل مجازات خواهند شد.

هر گاه ورشکستگی از روی تزویر و تقلب بوده باشد جزای ایشان حبس غیر دائم با قيد است.  
اگر ورشکستگی از روی تقلب نبوده فقط از روی تقصیر باشد محکوم بحبس تأديبي از يكماه الى دو سال خواهند گردید.

ماده ۲۹۸- کسانیکه موافق قانون تجارت همدست ورشکسته تقلبی محسوب باشند همان مجازات ورشکسته تقلبی را خواهند داشت.

ماده ۲۹۹- اشخاصی که از روی تقلب و تزویر ورشکست میشوند هر گاه از طرف دولت سمت رسميّت و مأموریت برای خرید و فروش و اسناد دولتی و امثال آنها داشته باشند مجازات ایشان حبس دائم با قيد است و اگر ورشکستگی اشخاص مزبور از روی تقلب و تزویر نبوده فقط از روی تقصیر باشد بحبس غیر دائم با قيد محکوم خواهند شد.

ماده ۳۰۰- هر کس اسم و عنوان یا سمت مجعلو اختیار کرده یا بوسایل تقلبی متسل شود و مردم را بوجود شرکتها یا تجارتها یا کارخانهای موهوم و امثال آن یا بداعتن اختیارات یا اعتبارات موهومه مغروف کند یا بامور غیرواقع اميدوار نماید یا از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقع بترساند و باين واسطه وجوه یا اسناد و بليطها و قبوض و مفاصحا حساب و امثال آن بدست آورد یا بخواهد بدست آورده از اين راه تمامی یا مقداری از اموال ديگري را بخورد یا قصد خوردن آنرا بکند محکوم يك‌سال الى سه سال حبس تأديبي و پنج روز الى شش ماه حبس قابل ابتیاع خواهد شد و بعلاوه ممکن است در مدت پنج‌سال الى ده سال از روز اختتام مجازات حبس از حقوق مذکورة در ماده (۲۷) محروم گردد.

ماده ۳۰۱- مجازات مذکور در ماده قبل مقرر است برای هر کس که مال دیگری را بفروشد یا مال معین خود را باشخاص متعدد معامله کند یا مالی را بحسب صورت یا بحقیقت بکسی صلح کرده بدیگری منتقل کند و بطور کلی هر کس در معامله با دیگری تقلب نموده او را بفریبد و باین وسیله مقداری از مال او را بخورد یا قصد خوردن آن را بنماید.

۳) خیانت در امانت.

ماده ۳۰۲- هر کس از ضعف نفس یا هوا و هوس یا حوائج شخص نابالغی یا شخص غیررشیدی استفاده کرده بر ضرر او نوشتگات و اسنادی از قبیل تمسک و قبض و حواله و برات و فته طلب و مفاضا حساب و نوشته امانت اشیاء منقول و اجناس تجاری و هر چیز که موجب عقد التزامی شود از او بگیرد بهر نحو و بهر طریق که این کار را کرده باشد از سه ماه الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید و بعلاوه ممکن است از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الی ده سال بعد از اتمام مجازات حبس محروم گردد.

ماده ۳۰۳- هر کس از سفید مهری که باو سپرده شده سوء استفاده کرده از روی تقلب اشتغال یا برائت ذمه یا هر چیز دیگری که موجب خسارت صاحب امضاء شود روی آن بنویسد مثل اشخاص مذکور در ماده (۳۰۰) مجازات داده میشود - اگر سفید مهر باو سپرده نشده و خود او بدست آورده باشد در حکم جاعل خطوط بوده مانند کاغذساز تعقیب و مجازات خواهد شد.

ماده ۳۰۴- هر گاه اموال و اسباب یا نقود یا اجناس و امتعه یا بلیطهای بانک یا نوشتگاتی از قبیل تمسک یا قبض یا مفاضا حساب نزد کسی بعنوان اجاره یا امانت یا رهن و یا قرض سپرده شده و یا آنکه از برای کار با اجرت یا بی اجرتی باو داده شده و بنا بر این بوده که اشیاء مزبوره مسترد شود یا بمصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را بر ضرر مالکین یا متصروفین آنها تصاحب یا مفقود یا تلف نماید بطريق مذکور در

ماده ۳۰۲) مجازات خواهد شد.

در صورتیکه خیانت مذکور فوق را صاحب منصب ادارات یا امناء دولتی یا نوکر یا مستخدم شخصی و یا شاگرد یا محرر و یا عامل یا گماشته یا عمله و کارگر نسبت باستاد و مخدوم خود مرتكب شوند محکوم بحبس مجرد خواهد گردید.

ماده ۳۰۵- هر گاه شخصی در ضمن محکمه در عدیه سند یا نوشته و یادداشتی را به محکمه ابراز بنماید و بعد از آن بنحوی از انحصار نوشته مذبور را از میان برد و مفقود کند محکوم یک روز الی بیست روز حبس قابل ابتیاع میشود و هرگاه جرم او مکرر شد از یکماه الی شش ماه حبس تأدیبی خواهد شد - صدور حکم مجازات مذبوره بعهده محکمه ایست که قضیه در نزد آن رخ نموده است.

۴) دسیسه و تقلب در کسب و تجارت و صنعت.

ماده ۳۰۶- هر کس به تهدید یا شرارت مخل آزادی و اختیار اشخاصی که مشغول خرید و فروش بطور مزايدة یا مناقصه میباشد یا میخواهد بشود گردد یا معاملات مذبوره را بهم بزند و مختل کند محکوم بشش روز الی سه ماه حبس تأدیبی و شش روز الی ده ماه حبس قابل ابتیاع خواهد شد.

همین مجازات مقرر است برای کسانی که در موقع هراج بتعارف یا وعده مشتریان را دور کنند و معامله را مختل سازند.

ماده ۳۰۷- هر گاه دولت نظامنامه ها و قوانینی برای کارخانها ترتیب دهد و وضع کند نظر باینکه جنس کارخانه از حیث خوبی و اندازه و کیفیت و کمیت ممتاز و مرغوب باشد کسی که با آن قوانین و نظامنامه ها مخالفت کند محکوم بحبس قابل ابتیاع از یکماه الی شش ماه خواهد شد.

ماده ۳۰۸- مجازات حبس تأدیبی از شش روز الی سه سال و حبس قابل ابیاع از یکروز الی شش ماه یا یکی از این دو مجازات مقرر است برای کسانی که بدشیسه و حیله یا عنف و شرارت کارگران را از کار بازدارند یا تعطیل عمدی کار را تمدید کنند یا در صدد این امر برآیند بهجهت اینکه اختلالی در امر کسب و صنعت حادث کنند یا کارگران آن را بتقاضاهای بجا وادر نمایند.

ماده ۳۰۹- هر کس از مدیران یا کارگران یا اعضای کارخانه‌ها که اسرار صناعتی راجع به کارخانه خودشان را بکسی از تبعه داخله بگویند و افشاء کنند محکوم بحبس تأدیبی از سه ماه الی دو سال و حبس قابل ابیاع از یک روز الی یکماه خواهند شد.

هر گاه اسرار مذکوره را به تبعه خارجه یا ایرانیهای که در خارجه سکنی دارند افشاء کند مجازات مقصیر یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و یکماه الی دو سال حبس قابل ابیاع خواهد بود و ممکن است از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) نیز بعد از اتمام حبس در مدت پنج الی ده سال محروم گردد.

در هر صورت هر گاه مصنوعات کارخانه اسلحه و قورخانه دولتی بوده باشد مقصیر بحد اکثر مجازاتهای مذکوره محکوم خواهد شد.

ماده ۳۱۰- کسانی که بواسطه اشاعه مجموعات یا گران خریدن اجناس زیاده بر نرخ معین نزد فروشنده‌گان یا بواسطه مواضعه و اتفاق بین مالکین اجناس و امتعه و یا بروات و اسهام و امثال آنرا زیاده بر نرخ عادله ترقی یا تنزل دهنده محکوم بیک ماه الی هیجده ماه حبس تأدیبی و یکماه الی دو سال حبس قابل ابیاع خواهند گردید و اگر اقدامات مزبوره نسبت بغلات و ارزاق عمومی باشد مجازات آن دو برابر آنست که مذکور شد.

ماده ۳۱۱- مجازات مذکوره در ماده فوق مقرر است در باره کسانی که بواسطه اشاعه مجموعات یا وسائل تقلیلی دیگر سبب شوند که مردم از روی وحشت و تزلزل در صدد مطالبه وجوه مضبوطه در نزد امانت‌داران دولتی یا ادارتی که باید بامانت‌داران دولتی پرداخت وجه کنند برآیند.

ماده ۳۱۲- هر کس مشتری را در خصوص عیار طلا و نقره یا اصل و بدل بودن جواهر فریب دهد یا جنسی را بجای جنس دیگر قلم دهد بطوری که مقصود مشتری از ابیاع آن حاصل نشود یا اینکه بواسطه استعمال اوزان و مقادیر غلط و تقلیبی مقدار مبيع را کم کند و بطور کلی مشتری را از حیث کمیت یا کیفیت مبيع فریب دهد از سه ماه الی یک سال محبوس خواهد شد - اوزان و مقادیر تقلیبی هم باید شکسته و باطله شود.

محکمه میتواند صورت حکمی را که در این مورد صادر میکند کلاً یا بعضًا در نقاطی که لازم میداند اعلان کند یا روزنامه‌ها درج نماید و مخارجی که بر این اقدام تعلق میگیرد بر عهده محکوم علیه خواهد بود.

ماده ۳۱۳- هر کس تأليف و تصنیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیرها بدون اجازه مصنف و مؤلف یا کسی که حق تصنیف و تأليف را از مصنف و مؤلف تحصیل نموده است کلاً یا بعضًا بطبع برساند محکوم بحبس قابل ابیاع از سه روز الی دو ماه خواهد شد و بعلاوه محکوم باید از عهده خسارات واردہ بر صاحب کتاب برآید.

مجازات فوق مقرر است ولو اینکه طبع کننده تصرفات جزئیه هم در تأليف و تصنیفی که بدون اجازه بطبع رسانیده نموده باشد و مسلم شود که تصرفات مذبوره فقط برای حفظ ظاهر و فرار از تعقیب صاحب تأليف بوده است فروشنده تأليف که تقبلاً بطبع رسیده هرگاه از تقلب مطلع باشد نیز محکوم بحبس قابل ابیاع از یک روز الی یکماه خواهد گردید.

ماده ۳۱۴- هر کس در خاک ایران کتاب و سایر اشیاء مذکوره را که در یکی از ممالک خارجه طبع شده و حق طبع آن محفوظ است بدون اجازه صاحب آن طبع کند محکوم به مجازات مذکوره در ماده قبل خواهد شد و این در صورتی است که آن مملکت خارجی هم همین معامله را با دولت ایران و اتباع آن بنماید.

ماده ۳۱۵- همان مجازات مقرر است برای داخل کردن کتب و اشیاء مذبوره در خاک ایران یا بردن آنها از ایران بمالک خارجی که با ایران معامله بمثل میکنند.

ماده ۳۱۶- هر کس شخصاً یا بعنوان عضویت شرکتی مأمور شود که برای عساکر دولت تهیه آذوقه یا مهمات دیگر کند و بدون مانع و عذر موجه در انجام این وظیفه کوتاهی نماید بطوریکه مهمات مزبوره فراهم نشود مقصوٰ محکوم بحبس مجرد خواهد گردید - و هر گاه معلوم شود که این تقصیر او مبنی بر موافقت با دشمن بوده جزای اشخاصی را که مرتکب جنایات بر ضد امنیّت خارجی دولت گردیده‌اند خواهد داشت.

ماده ۳۱۷- هر گاه تقصیر مذکور در ماده قبل منتبٰ باجزاء و گماشتگان شخص مزبور گردد مجازات راجع بایشان است و اگر ثابت شود که آنسخض و گماشتگان او هر دو مقصوٰند جمعاً مجازات خواهند دید.

ماده ۳۱۸- هر گاه مستخدمین یا موظفين دولت در جنایت اشخاص مذکور در مواد (۳۱۶) و (۳۱۷) شرکت داشته باشند و بایشان کمک کنند محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند بود و اگر موافقت با دشمن هم داشته‌اند مرتکب جنایت بر ضد امنیّت خارجی مملکت محسوب خواهند شد.

ماده ۳۱۹- در صورتیکه از غفلت اشخاص مذکوره در مواد (۳۱۶) و (۳۱۷) فقط تأخیری در فراهم شدن مهمات حاصل گردد یا تقلیبی در کمیّت و کیفیّت آنها فراهم شود لیکن اصل عمل صورت گرفته باشد مجازات مرتکب از شش ماه الی سه سال حبس تأدیبی خواهد بود.  
در موارد جنایات مذکوره در این ماده و سه ماده قبل تعقیب مرتکبین فقط از طرف دولت ممکن است شروع شود.

ماده ۳۲۰- هر کس قمارخانه دایر کرده و مردم را برای قمار بآنجا دعوت کند یا راه دهد محکوم بدو ماه الی شش ماه حبس تأدیبی و شش روز الی یکسال حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۳۲۱- هر کس بدون اجازه دولت اداره استقراض رهنی دایر کند یا با داشتن اجازه دولتی دفاتر و اوراقی که بنا بر نظامنامه مقرر شده است و بموجب آنها باید مبلغ استقراض و اشیاء مرهونه و اسامی و محل اقامت و

شغل استقراض کنندگان بترتیبات مخصوصه ثبت و ضبط باشد نگاه ندارد محکوم یکماه الی سه ماه حبس تأدیبی و شش روز الی سه ماه حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۳۲۲- هر کس که دارای تصدیقنامه دولتی راجع بطبابت یا جراحی یا دندانسازی نباشد و عادتاً بمعالجه و مداوای مرضی و اعمال جراحی و دندانسازی اشتغال ورزد محکوم به شش روز الی یکماه حبس قابل ابیاع خواهد شد و در صورتیکه جرم او مکرر شود محکوم یک ماه الی دو ماه حبس قابل ابیاع یا یک ماه الی شش ماه حبس تأدیبی یا هر دو مجازات با هم خواهد شد.

ماده ۳۲۳- هر کس بدون داشتن تصدیقنامه بر طبق نظامنامه دولتی دواخانه باز کند و ادویه طبی بسازد یا بفروشد مانند اشخاص مذکوره در ماده قبل مجازات خواهد شد.

۵) نهب و حرق و تخریب و امثال آن.

ماده ۳۲۴- هر کس عمدآ عمارت یا کشتی یا انبار یا کارخانه را که مسکون یا مسکن باشد و کلیه هر محل مسکون یا محل سکنی را با کالسکه و واگن و گاری را که آدم در آن باشد آتش بزنند عرفاً در حکم قاتل عمدى است.

هر گاه کسی عمارت و کشتی و انبار و کارخانه را که مسکون یا محل سکنی نباشد یا جنگل و بیشه یا حاصلی را که درون شده آتش بزنند در صورتیکه متعلق بخود او نباشد محکوم بحبس دائم با قید خواهد شد. هر گاه کسی اشیاء مزبوره را که متعلق بخود است آتش بزنند و باینواسطه بدیگری هم خسارتی وارد آورد و در این کار تعمد داشته باشد مجازات او حبس غیردائم با قید است.

هر گاه کسی خود مالک اشیاء مزبوره نبوده ولی بحکم مالک آنها را آتش بزنند آمر و مباشر هر دو مجازات فوق را خواهند داشت.

ماده ۳۲۵- هر گاه کسی کاه یا خرمن یا هیزم توده کرده یا گاری و کالسکه خالی یا پر از اشیاء منقوله را که متعلق بخود او نیست و آدم در آن نباشد آتش بزند محکوم بحبس غیر دائم با قید خواهد شد.

کسی که بواسطه آتش زدن اشیاء مذکوره یا امر به آتش زدن آنها در صورتیکه متعلق بخود او باشد عمداً خسارته بدلیگری وارد آورد محکوم بحبس مجرد خواهد گردید و همین مجازات را دارد کسی که با مر مالک اشیاء مذبوره را آتش بزند.

در کلیه موارد مذبوره هر گاه حریق اسباب هلاک نفوس شود مقصود حکم قاتل است.

ماده ۳۲۶- مجازاتهای مذکور در ماده قبل با تشخیص مراتب مذبوره مقرر است در باره کسی که عمداً بواسطه بمب و مواد محترقه کل یا جزئی از عمارت و مسکن یا سد و شوسه و کشتی و آلات نقاله از هر قبیل یا انبار و کارخانه و توابع آنها یا پل یا شارع عام یا خاص و کلیه هر نوع اشیاء منقوله یا غیر منقوله را که متعلق بخود او نیست خراب کند.

قراردادن بمب و آلات حرائقه در معتبر عام یا خاص بقصد جنایت در حکم سوء قصد مذکور در فوق است. اشخاص مذکوره در این ماده هر گاه قبل از وقوع حادثه و قبل از تعقیب جنایت قضیه را بمقامات مقتضیه اطلاع بدھند و مرتكبین را بشناسانند از مجازات معاف خواهند شد - و همچنین است اگر بعد از شروع به تعقیب اسباب دستگیری سایر مقصرين را فراهم آورند.

ماده ۳۲۷- تهدید بحرق یا به تخریب اشیاء مذکوره در ماده قبل بوسیله بمب و آلات حرائقه در حکم تهدید بقتل است و همان مجازات تهدید با تشخیص مراتب آنرا متضمن خواهد بود.

ماده ۳۲۸- هر کس بوسایل دیگر غیر از بمب و امثال آن عمارت و پل و سد و شوسه و هر نوع از ابنيه را که متعلق بخود او نباشد کلاً یا بعضًا خراب کند یا ماشین بخار را بتركاند محکوم بحبس مجرد خواهد شد. هر گاه بواسطه این جنایت جراحتی بکسی وارد شود مجازات مقصود حبس غیر دائم با قید است و اگر قتل نفس واقع شود مقصود حکم قاتل است.

ماده ۳۲۹- هر کس در مقابل اقدامات راجعه به منافع عامه که از طرف دولت یا باجایه دولت مقرر است از روی شرارت در صدد مخالفت برآید محکوم بحبس تأدیبی از سه ماه الی دو سال خواهد شد.  
محرکین این امر حدّاً اکثر مجازات مجبور را خواهند دید.

ماده ۳۳۰- هر کس دفاتر و قباله و حواله و قبض و فته طلب و مفاصصاً حساب و هر نوع استنادی را عمدآً بسوژاند یا تلف کند هر گاه اسناد مذبوره اسناد رسمی و دولتی یا تجاری باشد مجازات حبس مجرد است و الا محکوم یک سال الی سه سال حبس تأدیبی و شش روز الی بیست روز حبس قابل ابیاع خواهد شد.

ماده ۳۳۱- هر گاه غارت و اتلاف اجناس و غله و اسباب و اموال منقوله بتوسط جماعتی بهیئت اجماع و بطور تجری واقع شود مقصرين محکوم بحبس غیر دائم با قید و یکماه الی ده ماه حبس قابل ابیاع خواهند گردید - لیکن اگر کسی از مرتكبين ثابت کند که بتحریک و اغوا و اسباب چینی بار تکاب این اعمال برانگیخته شده ممکن است مجازات او حبس مجرد مقرر شود.

ماده ۳۳۲- هر کس بوسیله مایعات محرقه یا وسایل دیگر مال التجاره یا آلات و ادوات کارخانه را خراب کند یا تلف نماید از یکماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی میشود و اگر مرتكب کارگر کارخانه یا گماشته دار التجاره باشد مجازات او از یکسال الی سه سال حبس تأدیبی خواهد بود.

ماده ۳۳۳- هر کس محصول یا اشجار دیگری را بواسطه قطع یا سرقت آبی که باید به آن محصول برسد یا اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن شود محکوم بیکسال الی سه سال حبس تأدیبی خواهد شد.

ماده ۳۳۴- هر کس حاصل دیگری را که هنوز درون شده و یا تاکستان یا نخلستان یا باغ میوه کسی را خراب

کند از یکسال الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید.

ماده ۳۳۵- هر کس حاصل دیگری را قطع و درو کند از شش روز الی یکماه محکوم بحبس تأدیبی میشود.

ماده ۳۳۶- هر کس درخت دیگری را یا اشجار دولت را که کنار خیابان و راه و میدانهای دولتی و عمومی قطع کند یا طوری صدمه بزند که خشک شود در ازای هر اصله درخت شش روز الی یکماه حبس خواهد شد و همین مجازات برای خراب کردن یوندنیز مقرر است.

ماده ۳۳۷- هر کس اس<sup>۱</sup> مواشی دیگری را اعم از گاو و گوسفند و اسب و فاطر و الاغ و شتر و غیرها مسموم یا تلف کند از یکماه الی یکسال محکوم بحبس تأدیبی خواهد شد.

قسمت چهارم.

در امور خلاف و مجازات آنها.

ماده ۳۳۸- اشخاص مفصله ذیل محکوم بیک روز حبس تکدیری میباشند.

۱) صاحبان منازل و دکاکین مهمانخانها و کالسکه‌چی‌ها و سورچی‌ها و امثال آنان که بمحض قوانین و نظامات مکلف بروشن کردن چراغ می‌باشند و در انجام وظيفة خود تقصیر مینمایند.  
۲) کسانیکه در معتبر عام بعضی اشیاء و اجناس گذارده مانع عبور و مرور عابرین گردند و اشخاصی که بواسطه ضرورت در معابر و میدانهای عمومی اشیائی قرار داده یا حفر چاه و امثال آن نموده و برای ملاحظه عابرین از چراغ گذاشتن در آنجا غفلت یا مضایقه نمایند.

۳) کسانیکه در اجرای قواعد و احکام راجعه به تنظیف و محافظت طرق و شوارع و انهار تغافل و تسامح نموده و یا از اطاعت حکمی که از طرف حکومت راجع به تعمیر و مرمت یا خراب کردن ابنيه مشرف بخرابی صادر شده مضایقه نمایند.

۴) اشخاصی که در جلو خانه و دکان خود اشیائی انداخته یا بگذارند که سقوط یا عفونت آنها موجب مزاحمت و آزار مردم گردد.

۵) اشخاصی که در غیر از مواردی که قانون اجازه داده است میوه درخت یا حاصل دیگری را چیده یا بخورند.

۶) کسانیکه از روی بیاحتیاطی بروی کسی کثافات بیندازند.

۷) کسانیکه سواره یا پیاده میان زراعت مردم بدون اجازه صاحبان آنها عبور نمایند یا چهارپایان و مالهای سواری با اربابه و کالسکه از آن عبور دهند.

ماده ۳۳۹- در صورت تکرار جرائم مذکوره در ماده قبل مجازات مرتکب دو روز یا سه روز حبس تکدیری خواهد بود.

ماده ۳۴۰- اشخاص مفصله ذیل محاکوم به دو روز حبس تکدیری خواهند گردید.

۱) اشخاصی که با وجود منع ادارات دولتی در جاهائی که قدغن شده است تیراندازی یا آتشبازی کنند.

۲) کسانیکه با قواعد و احکام عمومی که ادارات حکومتی و نظمیه و بلدیه در حدود قانون وضع و منتشر نموده اند مخالفت کنند یا از اطاعت قواعد و احکام مجبوره سرپیچی نمایند.

۳) اشخاصی که سنگ یا سایر اجسام ثقلیه و کثافات بخانها یا دکاکین و باگات و امثال آن که متعلق بخودشان نیست بیندازند یا بریزند.

۴) کسانیکه مسکوکات و پولهای رایج مملکت را در صورت صحت و بی عیبی و قلب نبودن آنها قبول ننموده رد نمایند.

۵) اشخاصی که ابتداء بدیگری فحش بدنهند یا جهرآ استعمال الفاظ قیحه نمایند.

۶) کسانیکه حیوانات بارکش و غیره را در معابر رها کرده و از مراقبت آنها غفلت مینمایند بطوریکه موجب زحمت مردم میشوند.

۷) کسانیکه در راندن مال کالسکه و گاری و غیره بیاحتیاطی کرده بیقاعده میرانند یا در معتبر خود موجب

آزار حیوانات بارکش و غیره میشوند.

۸) کسانیکه حیوانات را زاید از مقدار متعارف بار کرده یا آنها را آزار میکنند یا حیوانات ناتوان و عاجز را بکار داشته یا زیر بار و سواری میکشند.

ماده ۳۴۱- در صورت تکرار جرائم مذکوره در ماده قبل مجازات مرتکب را میتوان تا پنج روز حبس تکدیری قرار داد.

ماده ۳۴۲- اشخاص مفصله ذیل محکوم به روز حبس تکدیری خواهند شد.

۱) اشخاصی که مجانین و سفهایی را که بحفظ و حراست ایشان سپرده شده‌اند یا حیوانات موذی و سبع را رها نمایند یا سگ گیرنده را بروی عابرین انداخته آنها را تحریص کنند.

۲) کسانیکه اوزان و مقادیری غیر از آنکه قانون مقرر داشته است استعمال کنند و خجازان و قصابانی که نان و گوشت را زاید بر نرخی که دولت معین کرده بفروشنند.

۳) اشخاصی که بواسطه غوغای همهمه محل راحت مردم میشوند.

۴) اشخاصی که طرق و شوارع عامه را خراب یا ضایع نمایند.

۵) اشخاصی که بعنوان افسونگری و جادوگری و جن‌گیری و رمالی و امثال آن بطور معکوس گیری یا باز کردن دکان مردم را میفرینند و این اعمال را وسیله معاش و حرفة خود قرار میدهند.

۶) کسانیکه بعنوان کدیه در معابر و میدانهای عمومی متثبت به مقالات بی‌اصل و نمایشاتی میشوند که منافی آداب شرع و مستلزم هتك حرمت مقامات مقدسه رؤسای مذهب است.

ماده ۳۴۳- مجازات تکرار جرائم مذکوره در ماده قبل را میتوان تا شش روز حبس تکدیری قرار داد.

ماده ۳۴۴- در مورد اشخاص ذیل بر حسب اقتضاء از چهار الی پنجروز حبس تکدیری مقرر است.

۱) کسانی که در مقام پرخاش بیکدیگر حمله‌ور و گل آویز میشوند و کسانیکه بدیگری آزار برسانند که

- بدرجه مدلول مواد (۲۴۰) و (۲۴۱) نرسد و خفیف تر باشد.
- ۲) اشخاصی که در محلهای مخصوص و معابر و میدانها و بازارها مشغول قمار و لاتری میشوند.
- ۳) اشخاصی که بواسطه رها کردن مجانین یا حیوانات شریر یا سبع و یا بواسطه تن راندن یا بیقاعده راندن مال و عراده و گاری و درشکه و امثال آن سبب هلاک یا جراحت حیوانات و دواب مردم میشوند.
- ۴) کسانیکه از روی بیاحتیاطی یا بیعلمی استعمال اسلحه نموده یا اشیاء صلب و سخت را انداخته و باینواسطه باعث ضرر و خسارت مذکور در فقره سابق شوند.
- ۵) کسانیکه عمداً اشیاء نقلیه یا کثافات بروی کسی بیندازند و بریزنند.
- ۶) کسانیکه مأکولات و مشروبات ضایع و فاسد شده را بعرض فروش درآورند.
- ۷) اشخاصی که در مأکولات و مشروبات تقلب و تصنیع نمایند بدون اینکه اسباب تولید مرض یا هلاک شود.
- ۸) سورچی‌ها و درشکه‌چی‌ها و امثال آنان که مأمورین نظمیه و امنیّه بایشان امر بتوقف دهند و آنان از این امر سرپیچی نمایند.
- ۹) کسانیکه با نظامانمه‌های دولتی راجع بانتظام و امنیّت و دوران راههای آهن مخالفت نمایند.
- ۱۰) کسانیکه با نظامانمه‌های دولتی راجع بانتظام و امنیّت و دوران تراموه‌های اسیبی یا الکتریکی و غیرها مخالفت نمایند.
- ۱۱) کسانیکه اتوموبیل براند و بانظامانمه‌های دولتی راجع به محافظت پیاده‌ها و حرکت حیوانات بارکش و سواری و غیرها مخالفت نمایند.
- ۱۲) کسانیکه در کوچه‌ها و معابر و اماکن عمومی بدمستی و عربله‌جوئی میکنند و این غیر از مجازات شرعی آنها است.
- ۱۳) سمسارانیکه اسباب و اثاث‌البیت و البسه و جواهرات و زینت‌آلات و ظروف و کتاب و غیرها را از اشخاص نابالغ یا مجھول‌الحال ابیاع نمایند.
- ۱۴) چون سمساران باید هر یک دفتری داشته باشند که بتوسط کمیسر پلیس نشانه و نمره گذاشته شده و در آن دفتر روز بروز اسم و عنوان و منزل کسانی را که با ایشان معامله می‌کنند و جنسی را که معامله کرده و قیمت

آن را ثبت نمایند بدون اینکه جائی از آن سفید بماند یا حک و محو اثبات داشته باشد پس هر سمساری که این تکلیف را ادا نکند مرتكب خلافی شده که مجازات آن در صدر ماده مذکور است.

ماده ۳۴۵- در صورت تکرار جرائم مذکوره در ماده قبل مدت حبس تکدیری هشت الی ده روز است.

### احکام عمومی.

ماده ۳۴۶- جرائمی که در این کتاب مذکور نیست هر گاه بمحض قوانین مخصوصه یا نظامنامه هایی که در حدود قوانین وضع شده مجازاتی نسبت آنها مقرر باشد در محاکم عدليه متبع و مجری است.

ماده ۳۴۷- هیچ عملی را بعنوان خلاف و جنحه و جنایت نمی توان مجازات نمود مگر بمحض قوانینی که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد.

ماده ۳۴۸- مجازاتهای مقررة در این قانون در باره مقصرين فقط از حیث جنبه سیاست عرقیه و حفظ انتظامات ملکیه است لیکن تقصیرات و جنایاتی که موافق موازین اسلامی طرق تعقیب و کشفش میسر و عقوباتش مضروب و معین است راجع بمحکمه جنائی اختصاصی است که پس از محکمه رسمی و صدور رأی حاکم شرع متصلی امر قضا مقصرين موافق حدود و تعزیرات مقرر در شرع اسلام مجازات میشوند.

قانون جزای عرفی از طرف دولت در دوره سوم تقویتیه مجلس شورای ملی پیشنهاد گردیده و از مجلس بکمیسیون قوانین عدله راجع و مطرح مذاکره شده و بواسطه تعطیل مجلس ناتمام مانده بود اینجات نظر باهمیت و ضرورت اجرای قانون مزبوره کمیسیونی برای مراجعته به آن مرکب از اشخاص بصیر و با اطلاع و مخبر در این امور تشکیل و پس از مدافعته مجلدی در مواد قانون مزبوره و جلب نظریات جناب مسیو پرنی مستشار عدله سیصد و چهل و هشت ماده فوق را به هیئت دولت پیشنهاد و تقاضای اجرای موقت آنرا نمود هیئت دولت در جلسه سه شنبه پنجم جمیعیتی الاولی ۱۳۳۵ بالاتفاق لزوم اجرای موقت قانون مجازات را تصدیق و موافد فوق را تصویب فرمودند بقید اینکه در موقع خود قانون مزبور بمقامات مقنه نیز پیشنهاد و پس از تصویب قطعیت آن اعلام شود.

فیروز نصره الدوّله

وزیر عدله



کنت دومونت فورت



فیروز میرزا فیروز (نصرت الدول)

## کتاب شناسی مختصر فارسی

۱. آبادیان، حسین، مبانی تئوریک مشروطه خواهی و مشروعه خواهی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۱.
۲. آذربایجانی، علیرضا، تحلیل شیوه و مبانی استناد به قوانین و شرع در دادسراهای و دادگاههای ویژه روحانیت، مجله حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال هفتم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۳. آشوری، محمد «زیرنظر»، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۴. آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینایین، انتشارات نشر گرایش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
۵. آشوری، محمد، عدالت کیفری - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات گنج دانش، تهران، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۶. آشوری، محمد، عدالت کیفری - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات نشر دادگستر، تهران، جلد دوم، چاپ اول، بهار ۱۳۹۲.
۷. آشوری، محمد، عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، در: عدالت کیفری - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۸. آفازاده، جعفر، تحلیل روابط اقبال السلطنه، حکمران ماکو با مشروطه خواهان و محمدعلی شاه در دور مجلس اول، مجله پژوهش‌های تاریخ محلی ایران، دانشگاه پیام نور، دوره ۲، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۹. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۹۵.

۱۰. ابراهیمی فرانی، قدرت الله، دادرسی منصفانه از نظر نظام‌های دادرسی کیفری و حقوق موضوعه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه مفید، شهریور ۱۳۷۹.
۱۱. اتحادیه، منصوره و پیراء، سعاد، نصرت الدلوه، مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات فیروز میرزا فیروز، نشر کتاب سیامک، تهران، جلد سوم، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۲. اتحادیه، منصوره و سعدوندیان، سیروس، مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و آثار فیروز میرزا فیروز، جلد اول (مجالس چهارم و پنجم تقینیه)، نشر تاریخ ایران، تهران، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۱۳. اتحادیه، منصوره و سیروس، سعدوندیان، مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و آثار فیروز میرزا فیروز، (خاطرات محبس)، نشر تاریخ ایران، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۴. احمدی ندوشن، بهزاد، فرآیند تاریخی تدوین و تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و تحولات بعدی این قانون (۱۳۰۴ - ۱۳۴۶)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۹.
۱۵. اخوان فراهانی، مهراندخت، تغییرات حاصله در سیستم قضایی کشور بعد از انقلاب اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۶۳.
۱۶. ادواردز، امی و هرلی، ریچارد، تحولات زندان‌های انگلستان در دو سده اخیر، ترجمه حمید بهره مند یک‌نظر، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات میزان، تهران، کتاب اول، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.
۱۷. اشراق، پرتو، سرگذشت زندان: روش مجازات در جامعه غرب، انتشارات ناهید، تهران، چاپ اولف ۱۳۹۰.
۱۸. اصغر میرزایی، علی، بررسی نظام مالیاتی ساسانی و اصلاحات مالی خسرو انشیروان، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴.

۱۹. افتخار جهرمی، گودرز، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و تحولات آن، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۷۷.
۲۰. اکبری رومنی، فرناز، اصل برائت در گذار تاریخ، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲ و ۶۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۲۱. اکبری رومنی، فرناز، اصل برائت در گذار تاریخ، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲ و ۶۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۲۲. امی، محمد حسن، سیر تحول دادسرا و محاکم جزایی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۴.
۲۳. امیدی، جلیل، مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق، انتشارات احسان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۲۴. امیدی، علی و رضایی، فاطمه، نسل کشی یا تراژدی بزرگ ارامنه در سال ۱۳۳۳ ق / ۱۹۱۵ میلادی: استدلال‌های مخالفان، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲.
۲۵. امین، سارا، اورDALی در حقوق کیفری بین النهرين باستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه ازاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، سال ۱۳۸۳.
۲۶. امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۲۷. امینی، محبوبه، تأثیر فاصله ارتباطی اصحاب دعوی در فرآیند کیفری (مطالعة قتل، ضرب و جرح)، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران - پردیس فارابی، تابستان ۱۳۹۴.
۲۸. ایمانی، عباس، اندیشه قانون در ادبیات مشروطه، انتشارات نامه هستی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۹. بادامچی، حسین «به کوشش»، آغاز قانونگذاری تاریخ حقوق بین النهرين باستان، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۳۰. بادامچی، حسین «متترجم»، قانون حمورابی؛ ترجمه و تحقیق از متن آکدی، نشر نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.

۳۱. بادامچی، حسین، «قتل» در قوانین باستانی: بحثی در تاریخ حقوق، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۳۷۹، زمستان ۱۳۹۳.
۳۲. بادامچی، حسین، تاریخ حقوق: نظریه ها و روش، انتشارات نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۳۳. بادامچی، حسین، جایگاه فرمان اوروک‌گینا در تاریخ شکل‌گیری حقوق سومری، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۱.
۳۴. بادامچی، حسین، دادرسی در ایلام باستان به همراه ویرایش، ترجمه فارسی و انگلیسی دو سند ایلامی، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۲.
۳۵. بادامچی، حسین، قراردادهای مشارکت تجاری در دوره ایلامی قدیم، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۳۶. بادامچی، حسین، مسئله تکامل حقوق کیفری، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات میزان، تهران، کتاب اول، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.
۳۷. بادامچی، حسین، مطالعه تطبیقی مفهوم جرم و مجازات در حقوق خاور نزدیک باستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۳.
۳۸. باقری، پرویز و کریمی، عظیم، مبانی حقوقی و سیاسی نظام ارباب - رعیتی پشتکوه عصر والیان، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۱۱، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۵.
۳۹. بخشی زاده زنجانی، فاطمه، مفهوم قانون از دیدگاه متفکران عصر مشروطه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۱.
۴۰. براری، اکبر، مبانی، کلیات و تحولات تاریخ حقوق عمومی، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۴۱. بزرگ‌نیا، دلاور، سیاست جنایی ایران در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی (مطالعه تطبیقی)،

پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران،

.۱۳۷۲

۴۲. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، تهران، چاپ هفتم،

.۱۳۹۳

۴۳. بنایی، امین و زندیه، حسن، نظام قضایی جدید در دوره پهلوی، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی،

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۵.

۴۴. بوسار، آندره، بزهکاری بین المللی، ترجمه نگار رخشانی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول،

زمستان ۱۳۷۵.

۴۵. بولک، برنا، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی

مجده، تهران، چاپ هشتم، ویراست پنجم، ۱۳۸۷.

۴۶. بوهلاندر، مایکل، قانون مجازات آلمان، ترجمه اصلی عباسی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی

مجده، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

۴۷. بوهلاندر، مایکل، مبانی حقوق کیفری آلمان، ترجمه اصلی عباسی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی

مجده، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.

۴۸. بهرامی احمدی، حمید، تاریخ حقوق «ایران قبل از اسلام»: کشورهای هم‌جوار تأثیر گذار، انتشارات

دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، دو جلد، چاپ اول، ۱۳۹۵.

۴۹. بهرامی احمدی، حمید، تاریخ حقوق «ایران قبل از اسلام»، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران،

جلد اول، چاپ اول، ۱۳۹۵.

۵۰. بهگوی، بهاره، افکار عمومی و شکل‌گیری آن در نامه‌های ارسالی به روزنامه‌های فارسی زبان چاپ

خارج از کشور دوره قاجار (اخته - ثریا - حبل المتن) از اواسط ناصری تا آغاز مشروطه، پایان نامه

کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، گرایش اراین‌شناسی فرهنگ مردم دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۱.

۵۱. بیات کمیتکی، مهناز، ارزیابی مفهوم مصلحت عمومی در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۵.
۵۲. بیات، خلیل ا...، سیر پیدایش، تحول و تدوین حقوق شهروندی در دوره مشروطیت، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، سال ۱۳۸۶.
۵۳. بیگ زاده، صفر، فرهنگ تعاریف قانونی (ترمینولوژی قوانین و مقررات ایران)، انتشارات کلک صبا، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۵۴. بیگدلو، رضا، کشاکش دولت و نیروهای مذهبی در مورد قوانین و جایگاه زنان در دوره پهلوی دوم (مطالعه موردی مجله «زن روز» در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی)، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، دوره ۶، شماره ۱۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۱.
۵۵. پرادرل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ دهم، ۱۳۹۴.
۵۶. پروین، ناصر الدین و دریاگشت، محمد رسول، نصرت‌الدوله و میلسپو، پایان مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۵۷. پل کره، ژان، دور نمای اروپایی زندان، ترجمۀ لیلا مقدادی و محمدرضا گودرزی بروجردی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۵۸. پیوندی، غلامرضا، اصول و معیارهای کیفرگذاری از منظر مکاتب حقوقی در مقایسه با آموزه‌های اسلامی، رساله دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری، تهران، بهمن ۱۳۹۲.
۵۹. ترابی فارسانی، سهیلا، تحول گفتمان روزنامه‌های روشنفکری در قبل و بعد از مشروطه (با تکیه بر قانون، روح القدس و صور اسرافیل)، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۸.
۶۰. ترابی فارسانی، سهیلا، نخستین تکاپوهای تجار سرمایه‌دار در عصر مشروطه در استقرار قانون، مجله

پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۱۴،

زمستان ۱۳۸۸.

۶۱. تفرشی، مرتضی، نظم و نظمیه در دوره قاجار، انتشارات یاولی (فرهنگسرا)، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۲.

۶۲. تیرانداز، حسین، دغدغه حقوق بشر در اندیشه علمای شیعه (از مشروطه تا جمهوری اسلامی)، پایان

نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۷.

۶۳. ثواقب، جهانبخش، بررسی علل و پیامدهای قتل امام قلی خان، حاکم فارس، در عصر شاه صفی (۱۰۴۲ ه.ق)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۲، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹.

۶۴. چرچیل، جورج.پ، فرهنگ رجال قاجار، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، انتشارات زرین، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۶۵. حجاریان، محمد حسن، قانون جزای جمهوری خلق چین، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.

۶۶. حسینجانی، بهمن و مظاہری بهرامی، مسعود، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.

۶۷. حضرتی، حسین، اختیارات مجلس در قوانین اساسی مشروطه ایران و عثمانی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.

۶۸. حیدری، حسین، خاکسار آرانی، بررسی کیفرشناختی مقررات حمورابی، عبرانی و وندیداد، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴.

۶۹. حیدری، حسین، خاکسار آرانی، مطالعه تطبیقی مقررات کیفری عبرانی و حمورابی، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۳.

۷۰. حیدری، دریا، سوگند در شاهنامه و ارتباط اساطیری آن با آب و آتش، پژوهشنامه ادب حماسی، سال نهم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.

۷۱. خزانی، منوچهر، به دنبال اصول راهبردی مشترک آین دادرسی کیفری مختلف اروپایی، در: خزانی، منوچهر، فرآیند کیفری - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، اسفند ۱۳۷۷.
۷۲. خزائی، یعقوب، فرآیند ساخت یابی نهاد زندان لز مشروطه تا پایان پهلوی اول، انتشارات نشر آگه، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵.
۷۳. داگلاس، هوساک، نظریه حقوق جنایی، ترجمه علی شجاعی، در: رحمدل، منصور و بشیریه، تهمورث «به کوشش»، دانشنامه حقوق کیفری و جرم‌شناسی - مجموعه مقالت نکوداشت خانم دکتر سیلویا تلبخ، انتشارات گام حق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۷۴. داویدیان، احسان، حقوق زندانی در ایران و اسناد بین المللی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۷۵. دبلیو نیوبور، دیوید، نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا (آین دادرسی کیفری)، ترجمه حمیدرضا قراگوزلو، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۷۶. دبیرزاده، الهه، جدال قدرت و آزادی در دادرسی‌های کیفری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۴.
۷۷. دربه، مسعود، جایگاه ساختار قضایی عهد اول عباسی در سلطه دستگاه خلافت، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، خرداد ۱۳۹۳.
۷۸. دلماس - مارتی، می‌ری، جهانی شدن حقوق؛ چالش‌های سه گانه، ترجمه علیرضا میلانی، نشرمیزان، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۲.
۷۹. دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، تهران، چاپ سوم، پاییز ۱۳۹۳.
۸۰. دیاموند، آس، چشم در برابر چشم، ترجمه ابراهیم رجبی و ویراستاری حسین بادامچی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

- .۸۱ راهرو خواجه، احمد، تاریخ زندان در عصر قاجار و پهلوی، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- .۸۲ رایجیان اصلی، مهرداد، اصل قانونمندی حقوق جنایی با رهیافتی به تحولات اخیر آن در حقوق ایران، در: غلامی، حسین «به کوشش»، علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین المللی - مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلباخ، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵.
- .۸۳ رایجیان اصلی، مهرداد، حقوق جنایی و جرم‌شناسی در آینه «کتابچه قانونی گشت»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۲، ۱۳۹۲.
- .۸۴ رحمانی، محمد، مبانی سیاست جنایی تراز جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- .۸۵ رحمانیان، داریوش، تاریخ تحلیلی مجلس سیزدهم شورای ملی، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تیر ۱۳۹۴.
- .۸۶ رحمند، منصور، جایگاه حقوق کیفری در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲ و ۶۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
- .۸۷ رحیمی نژاد، اسماعیل، تاریخ تحولات حقوق کیفری، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- .۸۸ رحیمی نژاد، اسماعیل، مطالعه تطبیقی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در حقوق ایران و مذاهب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
- .۸۹ رستگار، اشکان، جنبش‌های اجتماعی ایران در بستر نقض حقوق عمومی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۴.
- .۹۰ رسولی، علی و دیگران، حکومت‌های محلی ایران در قرن هشتم هجری و مسئله مشروعیت، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۲، شماره ۲، بهار ۱۳۸۹.
- .۹۱ رضوی، سید ابوالفضل، نظام پولی در عصر ایلخانان (۷۳۶ - ۶۴۵ ه.ق و ۱۲۳۸ تا ۱۲۵۶ میلادی)،

۹۱. فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸.
۹۲. رفیعی ده بیدی، محمدرضا، برابری در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۳.
۹۳. رولان، نوربر، انتقام‌جویی، کیفر و تکامل: رویکرد انسان‌شناختی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۹۴. رهامی، محسن، عرفی شدن مجازاتها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، در: علوم جنایی - مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ ششم، بهار ۱۳۹۵.
۹۵. ریم اشنايدر، کاسپارک، زندان و مجازات در آناتولی قدیم، ترجمه حسین بادامچی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۹۶. زاویه، سعید و مافی تبار، آمنه، بررسی آینه‌های اساطیری «داوری ایزدی» در ایران باستان، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی، سال نهم، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۲.
۹۷. زرنگ، محمد، سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۹۸. زرینی، حسین، تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، دو جلد، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۹۹. زمانی فرد، مهرداد، استثنایات وارد بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، مجله پژوهش‌های علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۲۰، مرداد ۱۳۹۲.
۱۰۰. زندیه، حسن و ده پهلوانی، طلغت، جایگاه روحانیون متنفذ در مدرنیزاسیون قضایی و تدوین قانون مدنی در عصر پهلوی اول، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۴، شماره ۴، زمستان

- ۱۰۱- زندیه، حسن، تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول (عصر وزرات عدله علی اکبر داور، ۱۲-۱۳۰۵)، رساله دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۰۲- ژانی، ژانوس، عدالت کیفری در ایران دوره ساسانیان، ترجمه رحیم فروغی نیک، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات میزان، تهران، کتاب اول، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.
- ۱۰۳- استی، ساناز «متترجم»، تاریخ عدالت کیفری، انتشارات میزان، تهران، دو جلد، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- ۱۰۴- سردارنیا، خلیل الله، تحلیل جامعه شناختی نهادینه نشدن و ناکامی تحزب در ایران از انقلاب مشروطه تا به امروز، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳.
- ۱۰۵- سلیمانی حسین «متترجم»، عدالت کیفری در آیین یهود، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۱۰۶- سلیمانی، حسین، مطالعه تاریخی - کیفرشناختی مجازات بدنی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۳.
- ۱۰۷- سلیمانی، حسین، نظام جرایم و مجازاتها در آیین یهود، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، سال ۱۳۷۹.
- ۱۰۸- سنگاری، اسماعیل و دیگران، حدود مفاهیم «جب» و «اختیار» در متون پهلوی و رابطه آن‌ها با تقش انسان در تاریخ در اندیشه مزدیستا، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵.
- ۱۰۹- سنگاری، اسماعیل و کرباسی، عیرضا، شکل‌گیری نخستین بنیان‌های جهانی شدن در عصر هخامنشی با رویکردی دینی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴.
- ۱۱۰- شاملو، باقر، اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی، در: علوم جنایی - مجموعه مقالات در

- تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ ششم، بهار ۱۳۹۵.
۱۱۱. شاملو، باقر، تحول در اصول گرایی علم حقوق در پرتو پست مدرنیسم، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیر نظر»، دایره المعارف علوم جنایی - مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی، انتشارات میزان، تهران، کتاب دوم، چاپ دوم، ویراست دوم، بهار ۱۳۹۵.
۱۱۲. شاملو، باقر، ماهیت و نقش هیأت منصفه در نظام عدالت کیفری ایران از ظهور تا افول، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، (یادنامه شادروان دکتر رضا نوریها)، زمستان ۱۳۹۰.
۱۱۳. شفیع زاده دیزجی، توحید، مطالعه مدل‌های دو گانه عدالت کیفری هربرت پاکر، با تکیه بر ارزیابی عدالت کیفری ایران در پرتو آن مدل‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مرداد ۱۳۹۲.
۱۱۴. شیخ الاسلامی، جواد، نصرت‌الدوله فیروز و داستان سقوط وی، مجله آینده، شماره یک و دو، سال پانزدهم، ۱۳۶۹.
۱۱۵. صالح، علی پاشا، تاریخ حقوق: دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز، انتشارات مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
۱۱۶. صالحی، علامه، مانی، تاریخچه‌ای عمومی از بی عدالتی و شرارت، انتشارات نشر کتاب پارسه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۱۷. صدقی، ناصر، بررسی ساختار و ماهیت نظام حقوقی دولت سلجوقی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.
۱۱۸. صدقی، ناصر، تأملی در نگرش جامعه شناختی مارکسیستی به تاریخ ایران، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۱.
۱۱۹. صفاری، علی، کیفرشناسی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۴.
۱۲۰. صفی زاده، فاروق، تاریخ حقوق در ایران باستان، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱.

۱۲۱. طاهری موسوی، سید محمد سعید، ساختار سیاسی و حقوقی فرانسه از انقلاب کبیر تا عصر حاضر، انتشارات خرسندي، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۲۲. عاقلی، باقر، تیمور تاش در صحنه سیاست ایران، انتشارات جاویدان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۱۲۳. عاقلی، باقر، داور و عدليه، انتشارات علمي، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۱۲۴. عاقلی، باقر، مشاهير رجال، نشر گفتار، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۲۵. عاقلی، باقر، نصرتالدوله فیروز: از رؤيای پادشاهی تا زندان رضا شاهی، نشر نامك، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۲۶. عامري، حامد، تجدد و قانون گرایي (اندیشیه میرزا یوسف خان مستشار الدوله به ضمیمه رساله یک)، نشر نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۲۷. عباسعلی، نگاهي به مسئوليت عاقله در پرداخت ديه، مجلة کاوشي نو در فقه اسلامي، شماره ۴۵، پايز ۱۳۸۴.
۱۲۸. عرفاني، مائده، مفهوم کرامت انساني در قوانين اساسی مشروعه و جمهوري اسلامي ايران، پایان نامه کارشناسي ارشد حقوق عمومي، دانشكده حقوق دانشگاه شهيد بهشتی، تهران، ۱۳۸۷.
۱۲۹. على صوفى، عليرضا و ديگران، ميرزا ابراهيم خان منشى زاده از مشروعه تا کميته مجازات، مجلة پژوهش هاي تاریخی ایران و اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، دوره ۶، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۱۳۰. غفاری، مسعود و محمدزاده، على، عدالت خواهی از منظر دو حزب دموکرات و اعتداليون (بررسی مرامنامه های دو حزب)، فصلنامه پژوهش های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۳، شماره ۲، پايز ۱۳۹۰.
۱۳۱. غلامی، حسين، کيفرشناسي، انتشارات ميزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۴.
۱۳۲. غلامی، حسين، گذر به حاكمیت قانون در حقوق کيفري ايران، در: نجفي ابرندآبادي، على حسين «زيرنظر»، دایره المعارف علوم جنایی - مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی، انتشارات ميزان،

تهران، کتاب دوم، چاپ دوم، ویراست دوم، بهار ۱۳۹۵.

۱۳۳. غنی، سیروس. ایران: برآمدن رضا خان، بر افتادن قاجار و نقش انگلیس‌ها، ترجمه حسن کامشاد، انتشارات نیلوفر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۱۳۴. فرجی، مهدی و منصور بخت، قباد، نسبت میان قانون، حقوق، حدود و آزادی‌های فردی از منظر میرزا اسماعیل ذری اصفهانی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲.

۱۳۵. فریش، ولغانگ، مبانی عقلی حقوق جزا در اروپا: از حقوق جزای تنگراییک تا حقوق جزای سکولار، ترجمه حسن رضایی، در: رحمدل، منصور و بشیریه، تهمورث «به کوشش»، دانشنامه حقوق کیفری و جرم‌شناسی - مجموعه مقالات نکوداشت خانم دکتر سیلویا تلباخت، انتشارات گام حق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.

۱۳۶. فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و مهتاب بلوکی، انتشارات نشر نی، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۵.

۱۳۷. قیاثی، یدالله، بررسی تاریخی - تحقیقی - تطبیقی حقوق راهزنی و سرفت مسلحانه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی)، تهران، ۱۳۵۵.

۱۳۸. کارداشیا، گیوم، اوردالی رودخانه در بین النهرين باستان، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

۱۳۹. کارداشیا، گیوم، جایگاه قصاص در تاریخ حقوق کیفری در پرتو حقوق خاور نزدیک باستان، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

۱۴۰. کاظمی، آرمان، مقایسه مجازات‌های ثابت و متغیر در حقوق کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ۱۳۸۹.

۱۴۱. کاظمی، زهرا، بررسی تأثیر رفتارهای جریان‌های افراطی بر تحولات مجلس اول، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۶.
۱۴۲. کلانتری، کیومرث، عدالت کیفری خصوصی در نظام کیفری ایران، در: علوم جنایی - مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ ششم، بهار ۱۳۹۵.
۱۴۳. کلود برلهاویم، ژان، تاریخ جرم‌شناسی؛ عقاید و نظریات از دوران باستان تا نیمه اول قرن بیستم، ترجمه میر روح... صدیق، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجده، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۴۴. کنسکی، نیکوا فریمر، اورDALی قضایی، ترجمه حسین بادامچی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۴۵. کولن، آلن، مکتب شیکاگو، ترجمه میر روح... صدیق، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجده، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۱۴۶. کیال، مهرنوش، مجازات اعدام در اسناد جهانی و قوانین ایران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجده، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۴۷. کپنبرگ، ه. ج، قانون و تدوین قانون، ترجمه حسین بادامچی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۴۸. گارلند، دیوید، مجازات و فناوری‌های قدرت؛ اثر میشل فوکو، ترجمه رحیم نوبهار، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات میزان، تهران، کتاب اول، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.
۱۴۹. گلشنی راد، کریم، بررسی جایگاه زن در نهاد خانواده دوره ساسانی، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۸.
۱۵۰. گودرزی، محمدرضا، تاریخ تحولات زندان، انتشارات میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۱۵۱. لنگی، آندره و لوییگر، آرت، تاریخ آین دادرسی جنایی، ترجمه محمد رضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۵۲. مارتینز، رنه، تاریخ حقوق کیفری اروپا، ترجمه محمد رضا گودرزی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۵۳. مجید، محمد قلی، از قاجار به پهلوی، ترجمه سید رضا مرزانی و مصطفی امیری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۱۵۴. محقق داماد، سید مصطفی، حقوق جزای شرعی کلیسا کاتولیک، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹ - ۳۰، ۱۳۷۹.
۱۵۵. محمدی، شهرام و بیژنی میرزا، طبیه، فرآیند دادرسی کیفری در ایران از سده اول هجری تا عصر مشروطیت، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیر نظر»، دایره المعارف علوم جنایی - مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی، انتشارات میزان، تهران، کتاب دوم، چاپ دوم، ویراست دوم، بهار ۱۳۹۵.
۱۵۶. مرادخانی، فردین، اصول بنیادین مشروطیت در اندیشه مشروطه خواهان ایرانی، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۲.
۱۵۷. مصطفی زاده، فهیم، تاریخ تحولات حقوق کیفری، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۵۸. مظاہری تهرانی، مسعود و حسین‌جانی، بهمن، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۵۹. ملایی توانی، علیرضا، ملاحظاتی در مفهوم عدالتخانه (۱۳۲۴ / ۱۹۰۶ م.ق / میلادی)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱.
۱۶۰. منشی، شیدا، نصرت‌الدوله فیروز و مجلس چهارم، مجله فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۶۸.
۱۶۱. منصوری، مریم، بررسی جرایم اقتصادی در دوره ناصری (۱۲۶۴ / ۱۳۱۳ ق / ۱۸۴۷ تا ۱۸۹۶).

- میلادی)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴.
۱۶۲. موسوی، سید پوریا، مبانی و آثار حقوقی - جرم شناختی اصل قانونی بودن دادرسی کیفری؛ موضوع ماده ۲ قانون آین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه مفید، زمستان ۱۳۹۵.
۱۶۳. موسوی، سید مجید، بررسی مقایسه‌ای نظام قضایی در قانون اساسی مشروطیت و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۶۴. مهدویان، محبوب، تعامل حکمرانان و علمای اهل سنت در ایجاد مشروعیت برای حکومت، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۶.
۱۶۵. مهرآبدی، میترا، قانونگذاری در اندیشه گروهی از موافقان و مخالفان مشروطه، مجله پژوهشنامه تاریخ، دانشگاه آزادی اسلامی واحد بجنورد، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۴.
۱۶۶. مهرپور، حسین، دیدگاه‌های حقوق بشری در قانون آین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در: آین دادرسی کیفری؛ بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها - مجموعه مقالات همايش قانون آین دادرسی کیفری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۵.
۱۶۷. مهرپور، حسین، سیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، فصلنامه حقوق تطبیقی (نامه مفید)، دانشگاه مفید، قم، شماره ۸، ۱۳۷۵.
۱۶۸. مؤمنی، مهدی، اصول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در حقوق کیفری بین الملل، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، آبان ماه ۱۳۹۱.
۱۶۹. میلانی، علیرضا، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و رویکردهای نوین، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۵.

۱۷۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین (مترجمان)، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۷۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران، اصلاح ذات البین و نظریه عدالت ترمیمی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، دوره ۱۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷.
۱۷۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حقوق کیفری در آغاز هزاره سوم، دیباچه در: پی. فلچر، جورج، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سید مهدی سیدزاده ثانی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، چاپ چهارم، تیر ۱۳۹۴.
۱۷۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله الهیات و حقوق آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، شماره نهم و دهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
۱۷۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، آین دادرسی کیفری: جدال قدرت - امنیت و حقوق - آزادی‌های فردی، در: آین دادرسی کیفری؛ بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها - مجموعه مقالات همايش قانون آین دادرسی کیفری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۵.
۱۷۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بسترهاي حقوقی و اجتماعی عدالت ترمیمی در ایران، در: مجموعه مقالات همايش بین المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم - دانشگاه تربیت مدرس، نشرمیزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵. (این کتاب در اوخر فروردین ۱۳۹۶ در دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس رونمایی می‌شود).
۱۷۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه شناسی جنایی (جامعه شناسی جرم)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری پور، سال تحصیلی ۸۴ - ۱۳۸۳، قابل دسترس در: [www.lawtest.ir](http://www.lawtest.ir)
۱۷۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جایگاه کانون و کلای دادگستری و وکیل در جامعه حقوقی و قانون

آیین دادرسی کیفری ایران، در: غلامی، حسین «به کوشش»، علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین المللی - مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلبخ، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵.

۱۷۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم دیباچه ویراست دوّم - سوم - چهارم، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۵.

۱۷۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، کیفرهای جامعه‌مدار دیباچه در: بولک، برنا، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.

۱۸۰. نوایی، رضا، نظریه اراده و منفعت در باب حق در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۱.

۱۸۱. نوبهار، رحیم، اصل قضایی بودن مجازات‌ها؛ بررسی فقهی و حقوقی دادرسی عادلانه، انتشارات شهردانش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

۱۸۲. نوبهار، رحیم، اهداف مجازات در جرایم جنسی: چشم اندازی اسلامی، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۱۸۳. نوچهری، عباس و روستایی، مجتبی، حق و قانون در شعر عصر مشروطه، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۰.

۱۸۴. نوربخش، امیرحسین، تاریخ تحولات حقوق عمومی در ایران، انتشارات خرسندي، دو جلد، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

۱۸۵. نوروزی، صفوی الله، سیاست واگذاری حکومت ایالات و ولایات از عصر ناصری تا پایان قاجاریه و تأثیر آن بر تشدید ناکارآمدی دستگاه حکومتی، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، گرایش تاریخ دوره ایران اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۰.

۱۸۶. نیازپور، امیرحسین، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی شده، مجله آموزه‌های حقوق

- کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰.
۱۸۷. نیازپور، امیرحسن، توافقی شدن آینین دادرسی کیفری، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۲.
۱۸۸. واشقانی فراهانی، امیرحسین، تاریخچه زندان (سرگذشت شیوه‌های اعمال کیفر در جوامع غربی)، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۸۹. والی نژاد، یزدان، دادرسان محلی در بافت تاریخ، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «ازینظر»، تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات میزان، تهران، کتاب اول، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.
۱۹۰. وزیری، شهربانو، مرور زمان و نفی مرور زمان؛ بررسی تحولات قاعده مرور زمان در جامعه بین المللی و قوانین داخلی کشورها، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۹۱. وستبروک، ریموند، انتقام، فدیه و قصاص، ترجمه حسین بادامچی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «متجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۹۲. وستبروک، ریموند، جرایم و مجازاتها در خاور نزدیک باستان، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «متجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۹۳. وستبروک، ریموند، حقوق سومری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «متجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۹۴. ولای، عیسی، جرایم و مجازاتها در اسلام، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۹۵. ولوی، علی محمد و نجفیان رضوی، لیلا، حسینیان زندان هاشمیه (بازکاوی علل شمار واقعی زندانیان و کشته شدگان)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۲، شماره ۲، بهار ۱۳۸۹.
۱۹۶. هاشمی، سید حسین، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،

- پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه مفید، ۱۳۷۹.
۱۹۷. هافتر، هری، قوانین هیتی‌ها؛ قانون نامه‌ای از آسیای صغیر، ترجمه فرناز اکبری رومنی، انتشارات حقوقی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۹۸. هالوی، گابریل، نگاهی نو به اصل قانونمندی در حقوق جنایی، ترجمه محمد جعفر ساعد، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجده، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۹۹. یارون، راور، ملاحظاتی درباره بخش‌های جدید قانون اور - نمور، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرين، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۲۰۰. یاری، یاسمن، حقوق اجتماعی زن در اندیشه محمد قاسم امین، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۲۰۱. یوسفی‌فر، شهرام و شکرزاده، حسن، منصب داروغه در دوره قاجار (۱۲۱۲ تا ۱۳۱۳ ق / ۱۷۹۶ تا ۱۸۹۶ میلادی)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۶، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۳.
۲۰۲. یوسفی‌فر، شهرام، جایگاه و ساختار منصب کدخدا در مدیریت روستایی ایران از مشروطه تا پایان حکومت پهلوی اول (۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰ تا ۱۹۴۱ میلادی / ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱ شمسی)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳.